



# ماه مبارك رمضان

پیشخوان شماره ۳۴

در کلام حضرت آیت الله خامنه ای



**KHAMENEI.IR**

دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## فهرست

- ۷/ تفسیر دعای امام سجاد (علیه السلام) در خصوص ماه مبارک رمضان
- ۹۷/ روزه، ابزار تزکیه و تربیت
- ۱۷/ اغتنام ماه مبارک رمضان برای کسب تقوا
- ۱۰۳/ شب قدر، فرصتی برای استغفار و عذرخواهی
- ۲۳/ ماه رمضان فرصتی برای اعتلای روح انسان به سوی خدا
- ۲۹/ روح عبادت، بندگی خداست
- ۳۹/ ماه رمضان بهترین فرصت برای خودسازی
- ۱۰۹/ عید فطر روز رسیدن نیکوکاران و بدکرداران به ثواب و زیان خود
- ۴۷/ تلاش برای حفظ نتایج ماه مبارک رمضان
- ۱۱۳/ دعا کردن یکی از وظایف ما در ماه رمضان
- ۵۱/ کسب تقوا؛ تمام هدف ماه رمضان
- ۱۲۱/ مراحل سه گانه روزه داری
- ۵۵/ نگاهی به وصایای امیرالمؤمنین (علیه السلام)
- ۱۲۷/ مبارزه با فقر و محرومیت در چشیدن گرسنگی و تشنگی ماه رمضان
- ۶۷/ یاداش ماه رمضان آموزش گناهان گذشته
- ۱۳۱/ دستاوردها و شرایط استجاب دعا
- ۷۱/ فضائل ماه رمضان در دعای چهل و چهارم صحیفه سجادیه
- ۱۳۹/ دعا مایهی تعالی و تقویت کنندهی روح عبودیت
- ۷۹/ کسب آمادگی در طول سال برای بهره بردن از ماه مبارک رمضان
- ۱۴۷/ برکات ماه مبارک رمضان و فرصتی برای استفاده از ضیافت الله
- ۸۳/ ماه مبارک رمضان، ماه توبه و استغفار حقیقی و کارگشا
- ۱۵۳/ درسهای ماه رمضان
- ۹۳/ حفظ پاک دامانی و پاکیزگی روح، بعد از ماه مبارک رمضان
- ۱۵۷/ دو خصوصیت ممتاز روز عید فطر





«معرفةتھان را بالا ببرید. عزیزان من! سقف معرفت خودتان را، سایتھای سیاسی و اوراق روزنامہ‌ها و پرسہ‌زدن در سایتھای گوناگون قرار ندهید؛ سقف معرفت شما اینہا نیست... سطح معرفت دینی بالا برود؛ این یکی از کارھاست کہ حتماً لازم است. بہ نظر من آن کاری کہ مهم است انجام بگیرد، مطالعات اسلامی است.»

(بیانات رہبر معظم انقلاب اسلامی ۱۶/۰۵/۱۳۹۱)

## اشاره

فراتر رفتن از اخبار و هیاهوهای رسانه‌ای روزمره و داشتن برنامه و سیر مطالعات دینی و اجتماعی از جمله توصیه‌ها و تأکیدات همیشگی رهبر معظم انقلاب اسلامی در طول سالیان متمادی بوده است.

از جمله عرصه‌هایی که می‌تواند در مسیر مطالعات اسلامی افراد گوناگون به خصوص فعالین فرهنگی - اجتماعی و ... مورد توجه و استفاده قرار گیرد اندیشه‌های مقام معظم رهبری بوده و اصلی‌ترین مجرای ظهور و بُروز این افکار نیز بیانات معظم‌له می‌باشد. پایگاه اطلاع رسانی KHAMENEI.IR پیش از این در جهت نیل به این مهم و زمینه‌سازی مناسب جهت آشنایی مناسب اقشار گوناگون با ابعاد مختلف این اندیشه‌ها، محصول «پیشخوان» را ارائه داده بود. پیشخوان مبتنی بر فهرست بیانات پایه و اصلی رهبری در یک موضوع بود که هر یک از بیانات مربوط به موضوع نیز دارای نمایه‌ی موضوعی خاص خود بود که هم‌اکنون نیز آرشیو این موضوعات در صفحه‌ی پیشخوان این پایگاه قابل دسترسی است.

اینک در جهت تکمیل این حرکت مطالعاتی، جزوات موضوعی پیشخوان جهت دریافت و مطالعه‌ی مخاطبان آماده شده است. گفتنی است «جزوات پیشخوان» در قالب PDF آماده شده و شامل بیانات مختص به هر موضوع به صورت مجزا و مشخص می‌باشد.



## تفسیر دعای امام سجاد (علیه السلام) در خصوص ماه مبارک رمضان

توجه و تذکر، نیاز همیشگی بشر برای نیل به

کمال و تعالی

یادآوری‌ها و تذکرات دین مبین اسلام

چیستی و چرایی توجه به تقوا

ویژگی انسان متذکر و با تقوا

ویژگی ماه مبارک رمضان

اهمیت لیله القدر و توفیق درک آن

دعای چهل و پنجم صحیفه سجادیه و اهمیت

ماه رمضان

راه توبه

ماه رمضان، بهترین و برگزیده‌ترین نعمت الهی

سخنان شورانگیز امام سجاد (علیه السلام) با ماه

رمضان

لزوم ارائه ترجمه گویا و شیوا از دعاها و آثار

گناه نکردن، راه حفظ تقوا و معنویت حاصل از

ماه رمضان

و...

## تفسیر دعای امام سجاد (علیه السلام) در خصوص ماه مبارک رمضان

### توجه و تذکر، نیاز همیشگی بشر برای نیل به کمال و تعالی

در بینش اسلامی بشر به تذکر و توجه دایمی احتیاج دارد؛ چون بنا بر این بینش بشر یک مسافر و تلاشگر است که اگر از این حرکت و تلاشی که برعهده اوست غافل بماند و درنگ نکنند، از رسیدن به منزل مقصود باز خواهد ماند و اگر دائماً تلاش بکند و خوب تلاش بکند، در پایان وقت که پایان عمر اوست، به مقصود دست خواهد یافت و آن مقصود عبارت است از کمال و تعالی روحی که اثرش را در زندگی بعد از مرگ خواهد داد؛ همه چیز مقدمه این است و زندگی پس از مرگ در بینش اسلامی زندگی حقیقی است. ما البته امروز نمیتوانیم آن زندگی و آن دوران را در ذهن خودمان تصور کنیم، ولی جهان بینی اسلامی به ما این طور میآموزد که ما در این دوره که اسمش زندگی دنیاست، در یک زندگی نیم بند قرار داریم؛ «و ان الدار الآخرة لهی الحیوان»<sup>۱</sup>، زندگی آن جاست؛ وقتی رفتیم، خواهیم دید. در آن زندگی سعادت، خوشی و خوشبختی بسته به تلاشی است که ما این جا خواهیم کرد. پس اگر از این تلاش غفلت کردیم، فراموش کردیم و تنبلی کردیم، ناگهان چشم باز میکنیم و خودمان را در آن نشئه میبینیم؛ در حالی که دستمان خالی است.

### یادآوری ها و تذکرات دین مبین اسلام

برای این که انسان این تلاش را به طور دایم انجام بدهد و تکالیفی را که برعهده اوست - که شکل دهنده همان تلاش است - انجام بدهد، تذکر لازم است؛ و دین یادآورهایی را برای او در نظر گرفته و خود پیامبران اساساً یادآورند. «فذكر انما انت مذکر»<sup>۲</sup>. و قرآن یک وسیله ذکر است که در خود کتاب الهی بارها از این

\* بیانات در روز ۲۹ ماه مبارک رمضان ۱۳۶۶/۰۳/۰۷

۱. عنکبوت: ۶۴

۲. غاشیة: ۲۱

خصوصیت و مأموریت قرآن یاد شده است. یکی از وسائل یاد، همین نماز است که در پنج وقت، نماز ما را به یاد میاندازد؛ یکی موعظه است که موعظه موعظه گران ما را به یاد میاندازد؛ یکی دعاست که توجه به دعا ما را به یاد میاندازد؛ یکی تلاوت کلام الله است که خواندن آیات الهی ما را از غفلت خارج میکند و از این قبیل وسایل. پس همه این وسایل در کارند تا ما دچار غفلت نشویم. اگر یادمان رفت و دچار غفلت شدیم، از تلاش میمانیم و اگر از تلاش ماندیم، وضعمان در آن زندگی موعود حتماً وضع بدی خواهد بود. کلاً اول تا آخر ما چنین سرنوشت و سرگذشتی داریم.

### چیزی و چرایی توجه به تقوا

این همه تأکیدی که روی تقوا شده، عبارت است از این که انسان متوجه خودش باشد؛ مواظب باشد که لغزشی به او دست ندهد؛ اشتباه نکند و غافل از وضع خودش و از سرنوشت و هدف و راه و تکلیفش نشود؛ مثل رانندگی در یک جاده پرپیچ و خم و لغزنده و خطرناک است که اگر غفلت و فراموش کردید که در چه وضعیتی هستید، ممکن است ساقط بشوید. تقوا یعنی آن مراقبت و توجه دایمی که در افراد بالا به صورت یک ملکه یعنی یک خصلت غیر قابل انفکاک از انسان در میآید؛ دایماً انسان توجه دارد. در ماه رمضان با دعا و نماز و روزه، گرسنگی و بقیه خصوصیات که در این ماه است، یکی از آن حالات صفای لازم را به انسان میدهد؛ انسان حالت ذکر و یاد پیدا میکند و حالت غفلت از او گرفته میشود.

### ویژگی انسان متذکر و با تقوا

آدم متذکر این طور نیست که هرگز گناه و اشتباه نکند؛ چرا، ممکن است اشتباه و گناه هم بکند؛ آدم با تقوا این طور نیست که دستش به هیچ گناهی آلوده نشود؛ چرا میشود؛ اما فرق است بین گناه آدم با تقوا و آدم بیتقوا. گناه آدم بیتقوا مثل این است که پا بگذارد در یک سراشیب لغزنده؛ تا آخر میلغزد. یک گناه، گناه دیگر را به دنبال خودش میآورد. گناه در دهان او مژه میکند؛ به گناه مجذوب میشود و قبح گناه از نظر او میروند؛ آدم بیتقوا این طوری است. اما آدم با تقوا وقتی گناه میکند، فوراً متوجه میشود؛ میفهمد اشتباه کرده و سعی میکند جبران کند: «ان الذین اتقوا اذا مسهم طائف من الشیطان تذکروا فاذا هم مبصرون»<sup>۳</sup>؛ متقی این طور است؛ بمجرد این که به تعبیر قرآن شیطان او را «مس» کرد؛ یعنی آلوده به وسوسه شیطانی شد، فوراً متوجه میشود که اشتباه کرد، در جاده لغزنده سراشیب نیافتد که برود تا اسفل سافلین، بلکه خودش را ننگه میدارد؛ کنترل میکند. آدم با تقوا و متذکر، مثل کسی است که جریان تندی او را به طرفی میکشاند و او باید در خلاف جهت آن جریان شنا کند، تا به ساحل نجات برسد. یک لحظه غافل شدن، دست بازداشتن، تنبلی کردن، مشغول شدن به تماشای این نور و آن نور، او را مبالغه زیادی به عقب خواهد برد. آن جریان تند در زندگی ما، غرایض، هویها، شهوات و تمایلات بشری ضد تکاملی ماست که ما را به سمت عقب میکشاند. اگر ما متوجه و متذکر باشیم، تا یک خُرده عقب رفتیم، فوراً میفهمیم که اشتباه



کرده‌ایم؛ بنا میکنیم باز شنا کردن و دست و پا زدن و به جلورفتن؛ اما اگر باتقوا و متذکر نباشیم، وقتی عقب رفتیم، غافل میشویم و نمیفهمیم که جریانی دارد ما را با خود میبرد؛ بلکه چون تکان نمیخوریم و دست و پا نمی‌زنیم، احساس راحتی هم میکنیم؛ خودمان را اول میکنیم در دست جریان و یک وقت متوجه میشویم که میبینیم نزدیک گرداب یا در درون گردابیم و دیگر کاری از ما ساخته نیست.

### ویژگی ماه مبارک رمضان

دعا در ماه رمضان و همه خصوصیات این ماه مبارک این است که ما را متذکر میکند؛ از غفلت بیرون می‌آورد؛ آلودگی‌های ما را به ما نشان میدهد و در بین دعا و نماز و توجه، فرصتی به ما دست میدهد که اشتباهاتی را که با آنها انس و خو گرفتیم، بازنگری کنیم و آنها را بشناسیم؛ چون گاهی انسان گناهی را عادت کرده که انجام بدهد و توجه ندارد که این گناه است. البته تنبلی، سستی و بقیه نواقصی را هم که داریم، میتوانیم بازنگری کنیم.

### اهمیت ليله القدر و توفيق درک آن

این فصل یک ماهه، فصل بسیار باارزش و قیمتی است. در این سی روز یا بیست‌ونه روز، خدا لیلۃ القدر را قرار داده و لیلۃ القدر یک فرصت استثنایی در طول سال برای انسان است. که اگر انسان توانسته باشد آن شب را درک بکند، خیر زیادی گیرش آمده. در دعای وداع ماه رمضان - نه این دعای وداعی که در صحیفه سجادیه است - بلکه دعایی که در مفاتیح الجنان است، میگوید: «وان تجعلنی برحمتک ممّن خرت له لیلۃ القدر و جعلتها له خیرا من الف شهر»<sup>۴</sup> خدایا! من را از کسانی قرار بده که توفیق درک لیلۃ القدر را به دست آوردند و لیلۃ القدر برای آنها از هزار ماه بهتر و باارزش تر شده. لیلۃ القدر برای همه این گونه نیست. آن کسی که برای او شب بیست و سوم یا شب بیست و یکم ماه رمضان، با شب بیست و سوم هر ماه دیگری فرق ندارد - نه ذکری، نه توجهی، نه حالی، نه گریه‌ای، نه تضرعی؛ با غفلت میگیرد می‌خواهد، یا اصلاً یادش نمی‌آید که لیلۃ القدر است، یا خدای نکرده آلوده به گناه و هوای نفس هم میشود - برای چنین انسانی لیلۃ القدر بهتر از هزار شب نیست؛ یک شب است، آن هم یک شب خسران بار که برای او خیری ندارد. لیلۃ القدر برای آن کسی از هزار ماه بهتر است که ساعات و دقائق آن شب را قدر بداند؛ از دقائق آن شب استفاده بکند. در آن دعا میخوانیم که خدایا ما را از آن کسانی قرار بده که شب قدرشان پوچ نمیشود؛ از دست نمیرود.

### دعای چهل و پنجم صحیفه سجادیه و اهمیت ماه رمضان

دعای چهل و پنجم صحیفه سجادیه یک نمونه از دعاهایی است که ائمه به ما یاد داده‌اند که مضمون قابل توجهی درباره اهمیت ماه رمضان دارد. من فکر کردم که مقداری از این دعا را برایتان فقط ترجمه بکنم،

۴. مفاتیح الجنان، دعای وداع ماه رمضان

تا با زبان این دعا آشنا بشویم. این یکی از نقیصه‌های ماست که دعاها را بدون توجه میخوانیم و معنایش را نمیفهمیم؛ از بعضی که قادریم معنایش را بفهمیم، تأمل و تدبر نمیکنیم؛ دعا میخوانیم، حواسمان هم جای دیگری است! در حالی که این دعاها همه دفترهای ارزشمند معرفت و نسخه‌های عشق و محبت است و خیلی چیزها در این دعاهاست که اگر ما به آنها توجه کنیم، میتوانیم آنها را بیاموزیم. بعضیها دعا را تفسیر میکنند که البته خوب است، لکن وقتی بنده یک کلمه دعا را با بیست کلمه تفسیر میکنم، این دیگر کلام امام نیست؛ اگر بشود کلام امام را در یک کلمه زیبا، شکیل و خلاصه، بازگرداند، آن وقت یک مقداری از لطف کلام امام را به ما خواهد داد. آن تفسیرهای مفصل برای این که انسان معارف را یاد بگیرد، خوب است؛ اما برای این که لذت سخن امام را که خیلی هم زیباست، درک کند، نه؛ آنها خوب نیست. بعضیها که بدون توجه دعا میخوانند، نمیفهمند که این دعای کمیل که راحت آن را میخوانند و از آن عبور میکنند، چه سوز و گدازی دارد؛ چه قطعه زیبایی از لحاظ هنری و ادبی است و چه مضامینی در آن وجود دارد. حالا برای این که مقداری از مضامین این دعاها معلوم بشود، من به قدری که البته وقت داشته باشیم، ترجمه ساده‌ای میکنم. خیلی طول نمیدهم و همه‌اش را هم ترجمه نمیکنم.

«اللهم یا من لا یرغب فی الجزاء و یا من لا یندم علی الاعطاء»؛ ای خدایی که از ما پاداش نمیخواهی و ای کسی که از بخشش خود به ما پشیمان نمیشوی - حالا من دیگر عبارتهای عربیاش را نمیخوانم، فقط فارسی ترجمه میکنم - و ای کسی که با بندگان به طور برابر رفتار نمیکنی؛ مثل رفتار خود آنها با آنها رفتار نمیکنی. نعمت تو همواره شروع کننده است؛ یعنی بدون این که قبلاً استحقاقی وجود داشته باشد. عفو و بخشش تو یک نوع تفضل از سوی توست. عقوبت و سزا دادن تو عدالت توست. و قضاء و تقدیر و حکم تو یک خیر برای بنده توست. اگر به کسی چیزی عطا کنی، آن را با منت آمیخته نمیکنی و اگر از کسی چیزی را منع کنی و به او ندهی، این از روی ظلم و تعدی به آن کس نیست. آن کسانی که شکر تو را میگویند، از آنها سپاسگزاری میکنی؛ در حالی که این خود تو هستی که شکر را در دهان آنها گذاشتی. آن کسانی که سپاس تو و ستایش تو را میکنند، توبه آنها پاداش میدهی؛ در حالی که این تو هستی که ستایش خودت را به آنها یاد دادی. گناهی را میپوشانی؛ در حالی که میتوانی آنها را برملا کنی. به کسانی میبخشی که میتوانی از آنها نعمت را باز بداری. آن کسی که گناه او را پوشاندی، گاهی شایسته برملا کردن است. آن کسی که به او نعمت دادی، گاهی شایسته منع کردن است؛ اما تو همه کارت را بر تفضل و گذشت قرار دادی. با کسی که تو را معصیت میکند، با بردباری و حلم برخورد میکنی. و به کسی که با گناه به خودش ظلم میکند، مهلت میدهی. بندگان را مهلت و فرصت میدهی تا بتوانند به توبه انابه کنند و برگردند. به آنها سزای عملشان را زود نشان نمیدهی، شاید بتوانند توبه کنند؛ این لطفی است از تو که نگذاری بندگان با کار زشت، خودشان را به مهلکه بیاندازند؛ این محبت توست که نگذاری آدمهای شقی، با شقاوت خودشان، بدبختی را زود برای خودشان تدارک ببینند. تو فقط کسانی را ساقط میکنی که شقاوت آنها در مقابل گذشت و اغماض تو تکرار شده؛ و این کرم و لطف و محبت و حلم توست.

## راه توبه

تو آن پروردگاری هستی که بر روی بندگانت راهی باز کردی که آن راه، به عفو و گذشت تو منتهی میشود؛ آن راه را توبه نامیدی. آن راه را از طریق وحی خودت به ما نشان دادی تا هرگز در آن راه گمراه نشویم. در قرآنت به ما گفتی: «تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا»؛ توبه کنید و به سوی خدا برگردید؛ توبه‌ای از روی راستی و درستی؛ شاید خدا بدیهای شما را بپوشاند و جبران کند - اینها آیه قرآن است - و شما را به بهشتی که در زیر آن نهرها و جویبارها جاری است وارد کند؛ در آن روز که خدا پیغمبرش و کسانی را که به پیغمبر ایمان آورده‌اند، سرافکنده نخواهد کرد. و نور پیغمبر و مؤمنان در پیش روی او و در سمت راست اوست و آنها پیش میروند. و آنها به تو میگویند پروردگارا نورت را به ما کامل کن و مغفرتت را بر ما نازل کن؛ تو بر همه چیز توانایی. این راهی است که خدا در قرآنش برای توبه به ما نشان داده و نشان داده که ما میتوانیم توبه کنیم: «فَمَا عَذْرَ مَنْ اغْفَلَ دَخُولَ ذَلِكَ الْمَنْزِلِ بَعْدَ فَتْحِ الْبَابِ»؛<sup>۶</sup> عذر کسی که پس از گشودن در، وارد آن نمیشود چیست؟ تو آن کسی هستی که هر روز برای نفع بندگانت معامله را به سمت آنها گرداندی و به سود آنها تغییر دادی و در قرآن گفتی: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ مِثَالِهَا»؛<sup>۸</sup> هر کس یک کار نیک بکند، ده برابر پاداش میگیرد؛ و اگر کسی یک کار بد بکند، فقط یک برابر سزای آن کار را خواهد چشید. امام در این جا آیات مربوط به پاداش مؤمنین را ذکر میکند، بعد درباره ذکر الهی مطالبی را بیان میکند؛ آیات گوناگونی را میآورد و سپس میرسد به این جا و میگوید:

اگر هر یک از مخلوقات تو این طور، دیگران را به راه سود و بهره آنها راهنمایی میکرد، به احسان و امتنان موصوف میشد - یعنی مثلاً شما به کسی پولی قرض بدهید، بعد بگویی اگر بخواهی من این پول را در وقت معین از تو نگیرم و به تو ببخشم، راهش این است که این کار را بکنی؛ مرتب راه جلوی پای افراد بگذاری. اگر بخواهی این بدی را که به من کردی، از تو بگذرم، راهش این است که این عمل را انجام بدهی - «فَلِكِ الْحَمْدِ مَا وَجَدَ فِي حَمْدِكَ مَذْهَبًا»؛<sup>۹</sup> ای خدای بزرگ سپاس و ستایش مخصوص توست و برای توست و تو را باید به هر اندازه و از هر راهی و با هر لفظی که ممکن است، حمد کرد. به همین ترتیب یاد نعمتهای الهی را میکند.

## ماه رمضان، بهترین و برگزیده ترین نعمت الهی

بعد امام سجاد (علیه الصلوة والسلام) میرسد به ماه رمضان و میگوید: پروردگارا! از جمله بهترین و برگزیده ترین نعمتهای تو ماه رمضان بود که آن را از بین سایر ماهها امتیاز بخشیدی و قرآن و نور را در این روزها نازل کردی و ایمان ما را در این روزها مضاعف ساختی و روزه را بر ما واجب کردی که این خود وسیله اوج ماست. و ما را در عبادت در این ایام ترغیب کردی و لیلۃ القدر را که بهتر از هزار ماه است در ماه رمضان قرار دادی و ما را با این ماه بر دیگران امتیاز بخشیدی. و ماه رمضان به مدت یک ماه با ما بود و این مصاحبت، مصاحبت بسیار نیکویی بود و ما از این مصاحبت هیچ دلگیر نیستیم؛ بلکه از مفارقت این ماه

دلگیریم. و با این ماه وداع میکنیم؛ مانند وداع با کسی که دوری او برای ما سخت و دشوار است. و منتظر هستیم که این ماه کی بار دیگر به ما برگردد و با این زبان با ماه برگزیده تو حرف میزنیم.

### سرخان شورانگیز امام سجاد (علیه السلام) با ماه رمضان

از این جا به بعد، امام سجاد شروع میکند در عبارات بسیار شورانگیز و عاشقانه‌ای با ماه رمضان سخن گفتن: «السَّلام علیک یا شهر الله الاکبر»<sup>۱۰</sup>؛ بدرود ای بزرگترین ماه خدا و ای جشن اولیاء خدا. «السَّلام علیک یا اکرم مصحوب من الاوقات»<sup>۱۱</sup>؛ بدرود ای شریفترین و عزیزترین مصاحب از وقتها و زمانها و ای بهترین ماه از لحاظ روزها و ساعتها. «السَّلام علیک من شهر قربت فیہ الامال»<sup>۱۲</sup>؛ بدرود ای ماهی که آرزوها در آن به ما نزدیک شد؛ یعنی ما با تلاش خودمان، تلاش مضاعفان، به آمال و آرزوهای حقیقی و انسانی خودمان نزدیک شدیم.

به همین ترتیب با این جملات و کلمات، امام سجاد این ماه مبارک را بدرود میگوید و از لیلۃ القدر و از دعا و از قرآن و از مغفرت در این ماه به گرمی و مشتاقانه حرف میزند و بعد از خدای متعال درخواست میکند که: خدایا آنچه را که در این ماه به ما رسیده، برای ما نگه دار؛ و آنچه را که ما از این ماه به دست نیاوردیم، این محرومیت ما را به عنوان یک نقص، به عنوان یک ضعف، مورد ترحم خودت قرار بده و برای ما جبران کن. و بعد امام سجاد آرزو میکند که یکبار دیگر این ماه برگردد.

### لزوم ارائه ترجمه گویا و شیوا از دعاهای مأثور

این یک نمونه از دعاهای این ماه شریف بود که در پایان این ماه از زبان سیدالساجدین و معلم دعا و ذکر و یاد، مقداری از آن را معنا کردیم. من اعتقاد این است که این دعاها با ترجمه‌های خوبی باید ترجمه بشود. کسانی که قادر بر ترجمه خوب این دعاها هستند، منهای تفصیل و تشریح و تفسیر و توضیح، خود دعا را با یک زبان گویا و روشن و شیوا که تا حدی متناسب با بیانات خود امام سجاد باشد، ترجمه کنند و در اختیار فارسیزبانهایی که عربی نمیدانند، بگذارند، تا اینها در این دعاها تدبر کنند و ببینند که چگونه میشود با خدا حرف زد.

### گناه نکردن، راه حفظ تقوا و معنویت حاصل از ماه رمضان

آنچه در پایان این مطالب میخواهم به شما برادران و خواهران عزیز عرض بکنم این است: این مایه تقوایی را که در این ماه برای شما به دست آمد، قدر بدانید؛ این را حفظ کنید؛ این از دست میرود. شما با حضورتان در مجامع بندگی خدا مثل مساجد، نمازها، پای صحبتها - بحمدالله جو غالب جامعه ما جو توجه و تذکر است؛ قرآن، دعا و مناجات است - و تنفس در این فضای معنوی یقیناً مایه‌ای از تقوا را برای خودتان در این ماه تحصیل کرده‌اید. روزه کمک بسیار بزرگی بوده؛ این روزه بسیار چیز قیمتی

وارزشمندی است. لازم نیست خود انسان مثل این که وزنش را میرود امتحان میکند که چقدر کم یا زیاد شده، بتواند درست بفهمد که چقدر آن معنویت و صفا برایش پیدا شده - البته اگر انسان به اعمال و رفتار با آن قلب خاضع و متذکر خودش توجه کند، آثار این عبادات را میبیند و حس میکند - اما آن طور هم نیست که خیلی محسوس باشد، لکن بدانید یک مقدار صفا، معنویت، لطف در شما پیدا شده؛ این را نگهش دارید. نگه داشتن آن در درجه اول به این است که تا آن جایی که میتوانید سعی کنید گناه نکنید.

### شناخت گناهان فردی، گام اول ترک گناه

یکی از مشکلات ما این است که گناههای خودمان را نمیشناسیم. آن کسی که مثلاً به غیبت کردن عادت کرده، توجه ندارد که یک گناهی را به طور مرتب انجام میدهد؛ آن کسی که به دروغ گویی عادت کرده، با این گناه انس گرفته و توجه ندارد؛ آن کسی که عادت کرده به ایذای مردم و با زبان و با عمل و با رفتار و با کردار خودش افرادی را که دم چک او هستند اذیت میکند، توجه ندارد به این گناه و به آن عادت کرده؛ آن کسی که به شهوات گوناگون جنسی، از طریق چشم و از طرق گوناگون دیگر عادت کرده، توجه ندارد که دچار چنین بلیه و گناهی است؛ آن کسی که عادت کرده به حیف و میل بیت‌المال یا اموال مردم، توجه ندارد که چه گناه بزرگی مرتکب میشود؛ نه این که نمیداند؛ یعنی غفلت در انسان یک انس به وجود می‌آورد و انسان انس میگیرد. اول متوجه نیست که گناه کرده و دارد گناه میکند؛ وقتی هم متوجه بشود، گناه خودش به نظرش کوچک می‌آید. وقتی انسان با گناهی انس گرفت، آن گناه به چشم انسان کوچک می‌آید و این خودش یک گناه است؛ یعنی آن گناهی که از کبائر محسوب میشود، این است که انسان تخلف و معصیت خودش از امر الهی را کوچک بداند و بگوید این گناه که من انجام میدهم، چیزی نیست؛ خود این یک گناه است.

ما اگر بخواهیم گناه نکنیم، اول باید گناه خودمان را بشناسیم؛ و این به وسیله خود ما ممکن است، دیگران گناه ما را نمیدانند. خود ما باید در کار خودمان دقت کنیم؛ در رفتار شبانه روزیمان دقت کنیم. هر کسی یک گناهی دارد؛ ممکن است بنده یک گناهی بکنم که از دست شما اصلاً بر نیاید؛ شما یک گناه بکنید که آن برادر دیرترتان به آن گناه راهی نداشته باشد. غیر از گناههای مشترک که همه انسانها در آن گناهها به خاطر وسوسه‌های نفسانی غالباً شریکند - کم و زیادش متفاوت است - بعضی گناهها اختصاصی است. گاهی یک انسان کم کاریش یک گناه است، یک انسان دیگر نه؛ مثلاً فرض کنید یک نفر برای خودش کار میکند؛ تجارت میکند؛ کارگری میکند؛ این شخص اگر چنانچه کم کاری کرد، حالا ممکن است در وضع نیاز جامعه آن هم یک گناه باشد، اما بالاخره یک گناه کوچک و محدود است؛ اما یک نفر یک کار حساس را برای جامعه انجام میدهد که کم کاری او ضربات جبران‌ناپذیری میزند؛ این یک گناه بزرگ است. یک نفر با مسائل مالی کلان سر و کار دارد که بیتوجهی او به مسائل مالی یک گناه است؛ در حالی که دیگری که با آن مسائل با آن عظمت و با آن ابعاد سر و کار ندارد، بیتوجهی او به مسائل مالی به این بزرگی



نیست؛ یک نفر رفتار و روش و اخلاق و کردارش، درس و الگو برای جامعه است؛ مثل ما عمامه‌ایها که رفتارمان از نظر مردم به صورت یک ملاک و معیار شناخته میشود یا برادرانی که لباسهای مقدس انقلابی را به تن دارند - غالب این یونیفرمهایی که در جامعه ماست، لباسهای مقدس انقلابی است؛ مخصوصاً آنهایی که از انقلاب جوشیده مثل برادران پاسدار سپاه. البته بقیه یونیفرم پوشها هم همین‌طورند. نیروهای ارتش و انتظامی امروز که نظام، نظام اسلامی است، اینها هم لباسشان لباس مقدسی است - بایستی به کارهایشان بیشتر توجه کنند و بیشتر اهمیت دهند؛ چرا؟ چون از نظر دیگران الگو هستند. مسئولان مملکتی در هر سطحی، از دیگران وظیفه بیشتری دارند. شما برادران یا خواهرانی که در بخشهای گوناگون دستگاههای دولتی کار میکنید یا خواهرانی که همسر مسئولان و موظفان و مأموران عالیرتبه نظام جمهوری اسلامی هستند، وظیفه‌شان سنگین تر است؛ چون شما گناهان اختصاصی ای دارید که اگر دیگری آنها را مرتکب شود، آن قدر اهمیت ندارد که شماها انجام دهید. پس ببینید مهم این است که ما گناهمان را بشناسیم؛ گاهی گناه خودمان را نمیشناسیم. البته «المؤمن مرأت المؤمن»<sup>۱۳</sup>؛ یک برادر میتواند گناههای یک برادر دیگر را اگر دید، به او بگوید؛ منتها نه به صورت آبروریزی و ایذا، بلکه به شکل لطیفی به او بفهماند و او را متوجه و متذکر بکند و این هم خیلی خوب است که بتواند خودش را اصلاح کند. خلاصه حفظ مایه تقوا و آن صفا و معنویت در درجه اول به ترک گناه است و کوشش کنیم گناه را ترک کنیم و از خودمان مواظبت کنیم که گناه نکنیم.

### انسانهای پاک، نیرومند و با استقامت، نیاز جامعه و نظام اسلامی

امروز جامعه و نظام ما به انسانهای پاک، نیرومند و با استقامتی که دل‌هایشان از معرفت الهی استوار و سیراب شده و گناه در روحیه آنها تزلزل و رخنه‌ای ایجاد نکرده، نیاز دارد. همان‌طور که میدانید دنیای کفر و استکبار، ما را که یک جامعه اسلامی و انقلابی هستیم، تهدید میکند. این تهدید خشک و خالی هم نیست و اگر دستش برسد و اگر بتواند و برایش مقرون به صرفه باشد، تهدیدش را عملی هم میکند؛ منتها حسن کار این است که تضادهای جهانی و مشکلات بزرگ و مسائلی که امروز ابرقدرتها دارند، این میدان و این امکان را به آنها نمیدهد که بخواهند تهدیدشان را عملی کنند؛ خودشان مشکلاتی چندین برابر بزرگتر دارند. ولی خوب اگر بتوانند ضربه را وارد میکنند. در چنین میدانی که ما باید هوشیار و قوی باشیم، نیازمند انسانهای مؤمن، هوشیار، آگاه، خالص و صمیمی هستیم. و اگر بتوانیم، یک نسل خودمان - همین نسل موجود - را با اخلاق و تربیت اسلامی آمیخته کنیم، یقیناً حرکت آینده نسل‌های ما بر این روال و به این سمت خواهد بود و دیگران هم از ما یاد خواهند گرفت.

این ماه رمضان مثل ماه رمضان گذشته برای ما فرصت و توفیقی بود که این جا هر روز ظهر در معیت شما برادران و خواهران مؤمن و متقی و با اخلاص و با صفا نماز جماعت را برگزار کردیم، با هم دعا خواندیم و با هم توجه کردیم. انفاس قدسیه شماها و عناصر خوبی که در بین جمع ما یقیناً وجود دارند و هستند و به

ماها توجه، حال و معنویت داد و محیط اجتماع ما را محیط لطیف معنوی کرد؛ بسیار با ارزش و خیلی خوب بود. ... من درباره دعا هم یک جمله به عنوان ذکر مصیبت عرض بکنم:

اگر شما به جبهه‌های نبرد خودمان رفته باشید، در شبهای نزدیک به عملیات یک منظره عجیبی است. در آن جا - حالا یک مقدار شنیدیم، مقداری هم دیدیم - بسیار بسیار منظره شوق‌انگیزی است. این جوانهای ما، این برادران مخلص، مؤمن، دل‌های پاک، صاف و نورانی، وقتی احساس میکنند که به میعاد خودشان با خدا نزدیک شده‌اند و امکان شهادت و رفتن به جوار الهی برایشان هست، حال عجیبی از دعا، نماز، نماز شب، ذکر، توجه و حال بسیار گرانبها و فاخری دارند؛ بعضی از وصیت‌نامه‌ها را هم که انسان میخواند، همین موضوع را مشاهده میکنند. من چند روز قبل یکی از این وصیت‌نامه‌ها را میخواندم، دیدم از نماز شب برادران و دوستانش نقل کرده که این شبها چه حالی است، چه زمزمه و چه لوله‌ای در این سنگرها و پشت خاکریزهاست! این برای خاطر این است که توجه به خدا در آن حالات که ساعات و روزهای آخر است و انسان احساس میکند که فرصت رو به اتمام است، حالت اقبال دارد؛ به علاوه که شوق لقای پروردگار برای کسانی که به سوی او حرکت میکنند، وجود دارد و همین حالت، شاید با ابعاد خیلی بالاتر و به شکل مضاعفی، در شب عاشورا در خیمه‌ها (علیه‌السلام) وجود داشت که یکی از کسانی که وقایع را یادداشت میکرده و مینوشته، نقل کرده یک شب از نزدیکی خیمه‌های حسین بن علی (علیه‌السلام) وقتی عبور میکردم، دیدم که از تمام این خیمه‌ها صدای زمزمه قرآن و دعا و نماز و توجه، به گوش میرسد و همه یکپارچه مشغول ذکر و دعا هستند. حقیقتاً برای آن روز سخت، آن چنان حال و صفایی هم لازم بوده است؛ اما در شب یازدهم اگر کسی از همان خیمه عبور میکرد، یقیناً از آن همه زمزمه و حال دیگر خبری نبود و به جای آن همه خیمه‌ها، فقط یک خیمه نیم‌سوخته وجود داشت که فرزندان و دختران ابی‌عبدالله و خردسالان در آن جمع شده بودند؛ شاید از آنها هم زمزمه‌هایی بلند بوده؛ اما به احتمال زیاد این زمزمه بیشتر زمزمه گریه بر عزیزان و فریاد العطش بود. نسألک و ندعوک باسمک العظیم الاعظم و الاعز الاجل الاکرم و باولئک و بالدم المظلومین یاالله یاالله یاالله.

## اغتنام ماه مبارک رمضان برای کسب تقوا

- ماه مبارک رمضان، عید بزرگ مسلمانان
- روزه؛ یکی از پایه‌های اصلی تکامل انسان و تعالی معنوی او
- فایده‌ی روزه
- معنای تقوا
- فایده‌ی تقوا
- روزه، مقدمه تقوا
- ضرورت فرض دانستن تقوای الهی در همه امور زندگی
- غنیمت شمردن ماه رمضان
- دعا عامل نشاط و حرکت جامعه
- ماه رمضان؛ بهار قرآن
- لزوم انس با قرآن



## اغتنام ماه مبارک رمضان برای کسب تقوا\*

### ماه مبارک رمضان، عید بزرگ مسلمانان

شروع ماه مبارک رمضان، در حقیقت عید بزرگی برای مسلمانان است و جا دارد که مؤمنین، ورود این ماه را به هم تبریک بگویند و یکدیگر را به استفاده‌ی هر چه بیشتر از این ماه توصیه کنند. چون ماه ضیافت الهی است، در این ماه فقط مؤمنین و کسانی که اهل ورود در این ضیافتند، بر سر سفره‌ی پروردگار منان و کریم می‌نشینند. این، غیر از سفره‌ی عام کرم الهی است که همه‌ی انسانها، بلکه همه‌ی موجودات عالم از آن بهره‌مندند؛ این، سفره‌ی خواص و ضیافت خاصان پروردگار است.

### روزه؛ یکی از پایه‌های اصلی تکامل انسان و تعالی معنوی او

بخشی از مسایل مهم مربوط به این ماه، در ذیل این آیه‌ی شریفه‌ی سوره‌ی بقره و آیات بعد از آن ذکر شده است، که من گوشه‌ی کوچکی از آن را در این خطبه عرض میکنم.

اولاً میفرماید: «کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم»<sup>۱</sup>. ما میدانیم که نماز و زکات، مخصوص امت اسلام نبوده است؛ بلکه پیامبران قبل از رسول اکرم اسلام (صلی‌الله‌علیه‌واله‌وسلم) در صدر احکام خود، نماز و زکات را داشته‌اند. «و اوصانی بالصلوة و الزکوة ما دمت حیاً»<sup>۲</sup> از قول حضرت عیسی (علیه‌السلام) است که به مخاطبان خود میفرماید: خدا من را به نماز و زکات وصیت کرده است. از آیات دیگر قرآن هم این معنا استفاده میشود. آیه‌ی اولی که تلاوت کردم، میفرماید: روزه هم مثل نماز و زکات، در شمار احکامی است که مخصوص امت اسلام نیست؛ بلکه امم سابق و پیامبران گذشته هم مأمور

\* بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی (خطبه اول) ۱۳۶۹/۰۱/۱۰

۱. بقره: ۱۸۳

۲. مریم: ۳۱

به روزه بوده‌اند.

این، نشان‌دهنده‌ی این حقیقت است که در بنای زندگی معنوی انسانها در هر زمان، همچنان که نماز لازم است و این نماز، رابطه‌ی معنوی میان انسان و خداست، و همچنان که زکات لازم است و این نکات، تزکیه‌ی مالی انسان می‌باشد، روزه هم واجب و ضروری است و این یکی از پایه‌های اصلی تکامل انسان و تعالی معنوی اوست؛ و الا در طول زمان و با تغییر ادیان مختلف، این خط، ثابت و مستمر نمی‌ماند. البته روزه، در ادیان مختلف و زمانهای گوناگون و به شکلهای دیگر وجود دارد؛ اما گرسنگی کشیدن و اندرون را از طعام خالی داشتن و لب و زبان و دهان را در ساعات معینی بر روی تمتعات جسمانی بستن، خصوصیتی است که در روزه‌ی ادیان مختلف وجود دارد. پس، روزه یک رکن اساسی در تعالی معنوی و تکامل روحی و هدایت و تربیت انسانی است.

### فایده‌ی روزه

بعد میفرماید: «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»<sup>۳</sup>. یعنی این روزه، پلکانی به سمت تقوا و وسیله‌ی برای تأمین آن در وجود دل و جان شماست. تقوا این است که انسان در همه‌ی اعمال و رفتار خود مراقب باشد که آیا این کار مطابق رضای خدا و امر الهی است، یا نه. این حالت مراقبت و پرهیز و برحذر بودن دائمی، اسمش تقواست.

### معنای تقوا

نقطه‌ی مقابل تقوا، غفلت و بیتوجهی و حرکت بدون بصیرت است. خدا، ناهوشیاری مؤمن را در امور زندگی نمی‌پسندد. مؤمن باید در همه‌ی امور زندگی، چشم باز و دل بیدار داشته باشد. این چشم باز و دل بیدار و هوشیار در همه‌ی امور زندگی، برای انسان مؤمن این اثر و فایده را دارد که متوجه باشد، کاری که میکند، برخلاف خواست خدا و طریقه و ممشای دین نباشد. وقتی این مراقبت در انسان به وجود آمد که گفتار و عمل و سکوت و قیام و قعود و هر اقدام و تصرف او، برطبق خط مشی است که خدای متعال معین کرده، اسم این حالت هوشیاری و توجه و تنبه در انسان تقواست، که در فارسی به پرهیزگاری ترجمه شده، و مقصود از پرهیزگاری این است که حالت پرهیز و برحذر بودن، همیشه در انسان زنده باشد. فایده‌ی روزه این است.

### فایده‌ی تقوا

اگر ملتی یا فردی دارای تقوا بود، تمام خیرات دنیا و آخرت برای او جلب خواهد شد. فایده‌ی تقوا، فقط برای کسب رضای پروردگار و نیل به بهشت الهی در قیامت نیست؛ فایده تقوا را انسان با تقوا در دنیا هم میبیند. جامعه‌ی که با تقواست، جامعه‌ی که راه خدا را با دقت انتخاب میکند و با دقت نیز در آن راه



حرکت میکند، از نعم الهی در دنیا هم برخوردار میشود، عزت دنیوی هم به دست میآورد و خدا علم و معرفت در امور دنیا هم به او میدهد. جامعه‌پی که در راه تقوا حرکت میکند، فضای زندگی آن جامعه، فضای سالم و محبت‌آمیز و همراه با تعاون و همکاری بین آحاد جامعه است. تقوا، کلید خوشبختی دنیوی و اخروی است. بشریت گمراه که از انواع سختیها و رنجهای شخصی و اجتماعی مینالد، چوب بیتقوایی و غفلت و بیتوجهی و غرق شدن در منجلابی که شهواتش برای او فراهم کرده است، میخورد. جوامعی که عقب افتاده‌اند، حالشان معلوم است. جوامع پیشرفته‌ی عالم هم، اگرچه از بعضی جهات خوشبختیهایی دارند - که همان هم ناشی از هوشیاری و بیداری در بعضی از امور زندگی است - اما دچار خلأها و کمبودهای مرگباری هستند که نویسندگان و گویندگان و هنرمندان آنها، امروز با صد زبان آن را بیان میکنند.

### روزه، مقدمه تقوا

تقوا، وصیت اول و آخر پیامبران است. در سوره‌های مختلف قرآن میخوانید، اولین سخنی که انبیای الهی به مردم گفته‌اند، توصیه به تقوا بوده است. اگر تقوا باشد، هدایت الهی هم هست؛ و اگر تقوا نباشد، هدایت الهی هم به صورت کامل نصیب فرد و جامعه نمیشود. این روزه، مقدمه‌ی تقواست. خداوند در یک آیه‌ی دیگر از سوره حدید میفرماید: «یا ایها الذین امنوا اتقوا الله و امنوا برسوله یؤتکم کفلین من رحمته و یجعل لکم نورا تمشون به»<sup>۴</sup>. تقوا موجب میشود که خدای متعال نوری را در قلب و زندگی و راه شما قرار بدهد، تا بتوانید در پرتو آن نور حرکت کنید و راه زندگی را پیدا نمایید. بشر نمیتواند با سردرگمی حرکت کند. بدون شناختن مقصد و هدف، حرکت انسانی میسور نیست. این نوری که میتواند هدف و سرمنزل و راه را به ما نشان بدهد، ناشی از تقوا و پرهیزگاری است. توصیه‌ی همه‌ی انبیا و اولیا به تقواست.

### ضرورت فرض دانستن تقوای الهی در همه امور زندگی

من به شما برادران و خواهران نماز گزار توصیه میکنم که در همه‌ی امور و آفات زندگیتان، تقوای الهی را بر خود فرض و لازم بشمارید؛ مخصوصاً کسانی که در جامعه مسؤولیت بیشتری دارند. اگرچه در جامعه‌ی اسلامی همه مسؤولند، اما هرچه مسؤولیت بیشتر و بار سنگینتر باشد، زاد و توشه‌ی تقوا بیشتر مورد نیاز است. آن کسانی که در جامعه مسؤولند، باید بر مایه‌ی تقوای خود بیفزایند؛ بدانند که چه میکنند و بفهمند که آیا رضای الهی در این حرفی که میزنند، در این اقدامی که انجام میدهند و در این عملی که میکنند، هست یا نه؟ این، معیار و ملاک است. اگر ما تقوا را پیشه‌ی خودمان بکنیم، واللّه قویترین قدرتهای مادی هم نخواهند توانست سر سوزنی در این راه مستقیمی که ما طی میکنیم، انحراف به وجود بیاورند.

### 🕌 غنیمت شمردن ماه رمضان

ماه رمضان را مغتنم بشمارید. این روزها را با روزه‌داری، و این شبها را با ذکر و دعا به سر ببرید. فصل دعا هم، همین ماه مبارک است. اگر چه همیشه انسان باید با رشته‌ی دعا به خدا متصل باشد، اما آیه‌ی «و اذا سألک عبادی عتی فاتی قریب اجیب دعوه الداع اذا دعان»<sup>۵</sup> در سوره‌ی بقره، در خلال همین آیات مبارکه‌ی مربوط به روزه و ماه رمضان است. در وسط آیات روزه و ماه رمضان، این آیه‌ی «و اذا سألک عبادی عتی فاتی قریب»<sup>۶</sup> آمده، که همه‌ی انسانها و همه‌ی بندگان را به دعا و توجه سوق میدهد و دعوت میکند.

### 🕌 دعا عامل نشاط و حرکت جامعه

رابطه‌ی دعا، رابطه‌ی قلبی شما با خداست. دعا، یعنی خواستن و خدا را خواندن. خواستن، یعنی امیدواری. تا امید نداشته باشید، از خدا چیزی را درخواست نمیکنید. انسان ناامید که چیزی طلب نمیکند. پس، دعا یعنی امید، که ملازم با امید به اجابت است. این امید به اجابت، دلها را مُشعل میکند و منور نگه میدارد. به برکت دعا، جامعه بانشاط و اهل حرکت میشود.

### 🕌 ماه رمضان؛ بهار قرآن

این ماه، همچنین بهار قرآن است. انس با قرآن، معرفت اسلامی را در ذهن ما قویتر و عمیقتر میکند. بدبختی جوامع اسلامی، به خاطر دوری از قرآن و حقایق و معارف آن است. آن کسانی از مسلمانان که معانی قرآن را نمیفهمند و با آن انس ندارند، وضعشان معلوم است. حتی کسانی هم که زبان قرآن، زبان آنهاست و آن را میفهمند، به خاطر عدم تدبیر در آیات قرآن، با حقایق قرآنی آشنا نمیشوند و انس نمیگیرند. ببینید که آیه‌ی «لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا»<sup>۷</sup> - یعنی خداوند مؤمنین را زیر دست و زبون کفار قرار نداده است - در کشورهای عربی و به وسیله‌ی مردم عرب زبان در دنیا خوانده میشود، اما به آن عمل نمیگردد. در آیات قرآن، توجه و تنبه و تدبیر نیست؛ لذا کشورهای اسلامی عقب مانده‌اند.

### 🕌 لزوم انس با قرآن

انس با قرآن، یعنی قرآن را خواندن و باز خواندن و باز خواندن و در مفاهیم قرآنی تدبیر کردن و آنها را فهمیدن. فارس‌زبانها میتوانند از ترجمه‌ی قرآن استفاده کنند و کلمات قرآنی را به طور تقریب بفهمند و مضامین آیات قرآن را دریابند و در آنها فکر و تأمل کنند.

اگر در آیات قرآن تأمل نکنیم، اراده و استقامت ما قویتر و بیشتر از این خواهد شد. همین آیات قرآنی است که توانست در روزگاری، انسانهایی را تربیت کند که با دنیای کفر و ظلمات بستیزند. همین معارف است که ملت بزرگ ما را وادار کرد و مجهز نمود که با دنیای مدرن مظلّم جاهلیت - جاهلیت مدرن و جاهلیت قرن



## ماه رمضان فرصتی برای اعتلای روح انسان به سوی خدا

- ✪ خوردن و آشامیدن، از مبطلات روزه
- ✪ ماه رمضان فرصت عروج روحی انسان
- ✪ نماز فرصت رفع بیماریهای معنوی و اصلاح فردی
- ✪ توجه قلبی در نماز عامل عروج مؤمن
- ✪ فرصت های ماه مبارک رمضان
- ✪ ترک گناه عامل اصلی قرب به خدا
- ✪ زمینه استفاده از رحمت و مغفرت الهی با ترک گناه
- ✪ مهمترین حسن نظام اسلامی
- ✪ لزوم شناخت گناه و ترک آن

## ماه رمضان فرصتی برای اعتلای روح انسان به سوی خدا \*

### ✎ خوردن و آشامیدن، از مبطلات روزه

اول و دوم از مبطلات روزه، خوردن و آشامیدن است؛ اگر عمداً انجام بگیرد. حالا اگر آب دهان جمع بشود، آیا فرو دادن آن اشکالی دارد و آشامیدن یا خوردن - که مبطل روزه است - محسوب میشود؟ جواب این است که نه؛ ولو آب دهان، به خاطر یادآوری غذا در دهان جمع شده باشد. اگر اخلاط سینه یا غیر سینه، داخل آن محوطه‌یی که به آن دهان گفته میشود، وارد گردد، فرو دادن آن اشکال دارد و مبطل روزه است. اگر خرده‌ها و ذره‌های غذا، در لابلای دندان مانده باشد، بعد اینها روی زبان شما بیاید و عمداً فرو بدهید، مبطل روزه است و در حکم خوردن میباشد. حتی اگر کسی مثل خیاط که نخ خیاطی را داخل دهان کرده و آن را با آب دهان آغشته نموده، بیرون بیاورد و طبق عادت، دوباره همان را داخل دهان ببرد، اشکال دارد. البته این در صورتی است که رطوبتی که به آن نخ خیاطی متصل میشود، رطوبت قابل توجهی باشد که نتوانیم بگوییم در داخل رطوبت دهان، گم شد و احساس نشد. غرض این است که در روز ماه رمضان - که قرار است شما نخورید و نیاشامید - باید کمال دقت و مراقبت بشود، تا این نخوردن و نیاشامیدن، به وجه درست و با دقت انجام بگیرد. در همه‌ی شؤون روزه، همین دقت لازم است و نسبت به بقیه‌ی مبطلات روزه هم، فروعی هست که ان شاء الله آقایان در روزهای آینده، آنها را خواهند گفت.

### ✎ ماه رمضان فرصت عروج روحی انسان

امسال، جلسه‌ی ما دیر شروع شد. هر سال از روز اول ماه، ما این جلسه را داشتیم و امسال، ده روز عقبیم.

خدا کند که در فهم معنای ماه مبارک رمضان و استفاده از ضیافت الهی در این ماه، عقب نباشیم و عقب نمانیم.

مسأله‌ی اساسی در باب ماه رمضان، این است که بشر - که در میان انواع عوامل و موجبات غفلت از خدا و از راه او محاصره شده و انگیزه‌های گوناگون، او را به سمت پایین و تنزل و سقوط میکشاند - فرصتی پیدا کند که در آن بتواند روح را - که روح انسان و باطن بشر، به عروج و اعتلا تمایل دارد - به سمت عروج و اعتلا سوق دهد و به خدا تقرب جوید و به اخلاق الهی، تخلق پیدا کند. ماه رمضان، چنین فرصتی است.

### 🌟 نماز فرصت رفع بیماریهای معنوی و اصلاح فردی

البته غیر از ماه رمضان، فرصتهای دیگری هم هست. مثلاً همین نمازهای پنجگانه، فرصتهایی است که ما میتوانیم با استفاده‌ی از آنها، عروج کنیم؛ خودمان را اصلاح نماییم و زنگارها و پوسیدگیها و غفلتها و بیماریهای معنوی را از خودمان دور کنیم. نماز، فرصت بسیار خوبی است. شما اگر امتحان نکرده‌اید - که قاعدتاً امتحان کرده‌اید و ان شاء الله عمل دایمی شما، همین طور باشد - امتحان کنید. توجه بکنید که در حال نماز، اگر متوجه خودتان و کاری که از شما سر میزند، باشید، قطعاً بعد از نماز شما، با قبل از نماز شما متفاوت خواهد بود. شرطش همین است که توجه کنید در حال نماز، مشغول چه کاری هستید. بهترش این است که اذکار نماز را بفهمید؛ کار بسیار آسانی است.

### 🌟 توجه قلبی در نماز عامل عروج مؤمن

نباید بگوییم که ما فارسی‌زبانیم و نمی‌توانیم عبارات عربی را بفهمیم. مجموع عباراتی که در نماز خوانده میشود - از اول تا به آخر - یاد گرفتن آن برای آدمهای متوسط، یک ساعت هم کار ندارد؛ خیلی آسان است. کتابهایی هم نوشته شده که اینها را ترجمه کرده‌اند. اگر به معانی توجه کنید و بفهمید که مضمون این کلمات چیست و در آنها تدبر کنید، البته بهتر است. اگر این مقدار هم ممکن نشد، حداقل وقتی در حال سجده‌اید، بدانید که با خدا حرف میزنید؛ وقتی در حال رکوعید، بدانید که پروردگار عالم را تعظیم میکنید؛ وقتی در حال قرائت و ذکر هستید، بدانید که با چه کسی حرف میزنید. نفس همین توجه، مهم است.

اگر این توجه حاصل بشود و یاد خدا در نماز تأمین گردد - که «ولذکر الله اکبر»<sup>۱</sup> - این نماز برای شما «معراج المؤمن» خواهد بود و شما را عروج خواهد داد. عروج، همین است که شما در باطن خودتان، صفا و لطافت و نورانیت بیشتری را بعد از نماز احساس میکنید. عبادات مالی هم، همین طور است. انواع عبادات، فرصتهایی برای ما هستند؛ لیکن ماه رمضان، یک فرصت استثنایی در دوران سال است.



### 🌟 فرصت های ماه مبارک رمضان

در این سی روز یا بیست و نه روز به طور مداوم، غیر از نمازهای موظف پنجگانه و نوافلی که همیشه انسان میتواند آنها را بخواند، دعاهایی هست که توجه به آن دعاها و خواندنشان، انسان را نورانیت مضاعفی میبخشد. این دعاها را در اختیار ما گذاشته اند. کیفیت حرف زدن و مناجات کردن با خدا را به ما یاد داده اند. معین کرده اند که چه حرفهایی را میشود با خدا زد. بعضی از این جملات ادعیهی مأثوره از ائمه (علیهم السلام) هست که اگر اینها نبود، آدم نمیتوانست خودش تشخیص بدهد که میشود با خدا با این زبان حرف زد و این طور از خدا خواست و التماس کرد.

علاوهی بر اینها، همین نفس روزهی ماه رمضان است که یک زمینهی روحانیت و نورانیت، برای روزه دار میباشد و او را برای کسب فیوضات الهی، آماده میکند. این، مجموعهی ماه رمضان، با نماز و با وظایف مقررهی همیشگی و با روزه و با دعاهایش است که اگر شما به اینها توجه کنید و تلاوت قرآن را هم به آن اضافه نمایید - که گفته اند ماه رمضان، بهار قرآن است - یک دورهی بازسازی و بازیابی و نجات خود از پوسیدگیها و فسادها و امثال اینها خواهد بود؛ دورهی خیلی مغتنمی است.

اصل قضیه این است که ما بتوانیم در ماه رمضان، این سیر الی الله را بکنیم و میشود. عرض کردم، گاهی که پس از پایان ماه رمضان، خدمت امام (رضوان الله تعالی علیه) میرسیدم، برایم محسوس بود که ایشان نورانیتر شده اند و حرف زدن و نگاه و اشاره و حرکت دست و اظهار نظرشان، با قبل از ماه رمضان فرق کرده است. دورهی ماه رمضان، برای یک انسان مؤمن و والا، این طوری است. آن قدر به او و به قلب و باطنش، نورانیت میبخشد که انسان این را در مشاهدهی حضوری او حس میکند و از حرف زدنش میفهمد که نورانیتر شده است. بندگان خدا همین طورند. ما باید از این فرصت، خیلی استفاده کنیم.

### 🌟 ترک گناه عامل اصلی قرب به خدا

یک نکته را در زندگی عملی خودمان عرض میکنم که شاید آن شاء الله برای خود من و برای همه ی شما برادران و خواهران، وسیلهی برای تحرک بهتر و بیشتر باشد. آن نکته، این است که برای نزدیکی به خدا، اصل قضیه، ترک گناهان است. انجام مستحبات و نوافل و توسلات و دعا و بقیه ی امور، فرع است. اصل قضیه، این است که انسان از صدور گناه و خلاف از خود، مانع بشود. این، همان تقوا را میطلبد. تقوا و پرهیزگاری، مهمترین - یا بگوییم اولترین - مظهری است که وجود انسان باید داشته باشد. همین است که مانع از گناه انسان میشود. گناه نمیگذارد که انسان، حتی خود را به لبه ی دریای عظیم مغفرت الهی برساند و از آن استفاده کند. گناه نمیگذارد که ما حال دعا و توجه پیدا کنیم. گناه نمیگذارد که ما به فکر بازنگری و بازسازی خودمان بیفتیم. کوشش بکنیم از گناه فاصله بگیریم. این، شرط اول قضیه است.

البته گناهان مختلفند؛ گناههای گوناگون فردی و اجتماعی، گناهیایی که به وسیلهی دست یا چشم یا زبان و از طرق گوناگون حاصل میشود. برای افراد مسلمان، شاید گناهان، مخفی نباشد و میدانند که چه

چیزی گناه است. آن کسی که دعا هم میخواند، مستحبات را هم انجام میدهد، وظایف شرعی را هم انجام میدهد؛ اما در کنار آنها، از گناه هم اجتناب ندارد، مثل آن کسی است که در حال سرماخوردگی و تب، هم داروهایی را که ضد سرماخوردگی است و شفابخش است، میخورد و هم از غذاهایی که برای سرماخوردگی مضر است، استفاده میکند. معلوم است که آن داروها، اثر نخواهد کرد. معلوم است که اگر آدم بیمار، آن غذایی که برای او مضر است، آن عملی که برای او زیان آور است، به آنها ارتکاب نکند، برای او، دارو اثری نخواهد کرد.

### 🌸 زمینه استفاده از رحمت و مغفرت الهی با ترک گناه

باید زمینه‌ی استفاده از رحمت و مغفرت و افاضات معنوی الهی را آماده کرد و آن، با ترک گناه است. لذا شما در دعای کمیل میبینید که امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) میفرماید: «اللهم اغفر لی الذنوب الّتی تحبس الدعاء»<sup>۲</sup>. یعنی خدایا! آن گناهایی که دعای مرا حبس خواهد کرد، آنها را ببامرز. گناهان، مانع از اجابت دعا میشوند. در همین شبها و سحرها، در دعای شریف ابوحمزه میخوانید: «فرّق بینی و بین ذنبی المانع لی من لزوم طاعتک»<sup>۳</sup>: خدایا! میان من و گناهم فاصله بینداز؛ آن گناهی که مانع از انجام وظایفم میشود و باعث میگردد که نتوانم خودم را به تو نزدیک کنم. اصل قضیه، مسأله‌ی ترک گناه است.

### 🌸 مهمترین حسن نظام اسلامی

مهمترین حسن یک نظام و حکومت اسلامی در این است که فضا را، فضای گناه‌آلود نمیکند. در نظامهای طاغوتی، فضا گناه‌آلود است. اگر انسان هم بخواهد گناه نکند، گویی برای او میسور نیست و همه چیز، انسان را به طرف گناه سوق میدهد. در نظام اسلامی، این طور نیست. در نظام اسلامی، فضا گناه‌آلود نیست. گناهکار هست، در سطوح مختلف و در مشاغل متعدد هم هست، با اختیارات گوناگون هم هست - نه این که نیست - اما گناه، ممکن است فقط جاذبه‌ی شخصی داشته باشد؛ یعنی هوی و هوس انسان، او را به طرف گناه بکشاند. این نظام، غیر از نظام طاغوتی و شیطانی است که گناه، معیار پیشرفت اجتماعی هم است! در نظام اسلامی، گناه نه فقط معیار پیشرفت نیست، بلکه ضد پیشرفت و ضد ارزش و معیار تنزل است.

### 🌸 لزوم شناخت گناه و ترک آن

گناه، از هر کسی که صادر بشود، نباید گفت چون این شخص انجام میدهد، پس اشکالی ندارد، یا لابد اشکالی ندارد. نه، گناه را بایستی شناخت و گناهکار را به وسیله‌ی گناه باید شناخت. هر کسی گناه را انجام داد، گناهکار است؛ هر که میخواهد باشد. این تصور غلط است که ما بگوییم چون فلانی این کار را میکند، لابد اشکالی ندارد که میکند؛ اگر اشکال داشت، که نمیکرد. البته حمل بر صحت، ایرادی ندارد؛

بلکه خوب و مستحسن است. در کار همه‌ی مؤمنین، انسان باید حمل بر صحت بکند. تا آن جایی که ممکن است، نباید حمل بر فساد کرد؛ اما وقتی یک عمل خلاف بین و واضح از کسی سر زد، هیچ تفاوت نمی‌کند که این کس، چه کسی باشد. هر کسی باشد، گناه، گناه است؛ بلکه وقتی افراد ممتاز گناه را انجام بدهند، جرم گناه در آن افراد، بیشتر هم خواهد بود.

بنابراین، اصل قضیه، اجتناب از گناه است که باید سعی کنیم در این ماه رمضان، ان شاء الله با تمرین و حدیث نفس و ریاضت، گناه را از خودمان دور کنیم. اگر گناه از ما دور شد، آن وقت راه برای عروج و پرواز در ملکوت آسمانها ممکن خواهد شد و انسان خواهد توانست، آن سیر معنوی و الهی و آن طیران معین شده برای انسان را انجام بدهد؛ اما با سنگینی بار گناه، چنین چیزی ممکن نیست. این ماه رمضان، فرصت خوبی برای دور شدن از گناه است.

امیدواریم که ان شاء الله خداوند، هم به شما برادران و خواهرانی که در این جا حضور دارید و هم به همه‌ی مسلمین و مؤمنین در سرتاسر کشور و همه جای عالم، این توفیق را عنایت کند که از این ماه رمضان بتوانند استفاده کنند و خودشان را متخلق به اخلاق الهی کنند. لااقل این سیر را شروع کنند که با پیشرفت انسان در این سیر، همه‌ی مشکلات بشریت هم کاسته خواهد شد و از بین خواهد رفت.

## روح عبادت، بندگی خداست

❦ احکام فطریه

❦ لزوم تلاش برای روئیت هلال ماه شوال

❦ ماه‌های قمری مبنا در سن تکلیف

❦ راه‌های استهلال ماه

❦ نماز بسیار با فضیلت عید فطر

❦ عبادات، ورزش و ریاضت روح انسان

❦ نماز با توجه، نزدیک کننده انسان به خدا

❦ روزه موجب تقوا و پرورش روح

❦ زکات، شکننده حرص و بخل آدمی

❦ ضرورت حفظ دستاوردهای معنوی ماه رمضان

❦ تحجر، نتیجه عدم توجه در عبادات

❦ بزرگترین اشتباه مقدس‌مآب‌ها، عدم شناخت

❦ حق از باطل

❦ ایمان سطحی، حاصل عدم توجه به خدا در عبادات

❦ بندگی خدا، روح عبادات

❦ و...

### احکام فطریه

اول، تذکر کوتاهی درباره‌ی مسایل مربوط به عید فطر مطرح میکنم. یک مسأله، مسأله‌ی فطریه است که مکرر گفته شده، واجب است که هر کس برای خود و هر کدام از عایله‌اش، تقریباً به قدر سه کیلو از قوت غالب ادا کند. قوت غالب، یعنی آن چیزی که مردم غالباً از آن برای تغذیه استفاده میکنند؛ مثلاً گندم. در باب این که آیا غیر از غلات اربع، جنس دیگری را میشود داد یا نه، یا کدام ترجیح دارد، نظرات مختلفی هست. چون در وضع کنونی مردم ایران، تقریباً این مسایل تفاوتی ایجاد نمیکند، لذا اگر برای هر فطریه، به قدر سه کیلو گندم، یا قیمت آن را در نظر بگیرید، قطعاً مجزی است. این واجب، از غروب روز آخر ماه - یعنی شب عید فطر - به عهده‌ی مکلف می‌آید و احتیاط این است که آن را قبل از ادای نماز عید فطر - برای کسی که در نماز عید فطر شرکت خواهد کرد و آن را بجا خواهد آورد - تأدیه کند. بنابراین، اگر شما امشب حساب کنید که چه قدر به عهده‌ی شماست و پولش را کنار بگذارید و فردا صبح قبل از آن که به نماز عید بروید، آن را ادا کنید، بهترین وجه است. البته اگر در آن موقع ادا نکردید، بعد از نماز عید فطر هم ادا کنید، ایرادی ندارد.

احتیاط این است که اهل هر شهر، زکات فطر خودشان را به فقرای همان شهر بدهند. دستگانهایی مثل کمپته‌ی امداد، که این پولها از مردم میگیرند و در موارد خودش مصرف میکنند - که کار مثبت و خوبی است - بهتر آن است که این جهت را رعایت کنند؛ یعنی موافق احتیاط است.

### 🌟 لزوم تلاش برای روئیت هلال ماه شوال

مسأله‌ی دیگر در مورد هلال ماه شوال است. حساسترین هلالهای دوازده ماه، همین هلال ماه شوال است. البته این را برادران و خواهران بدانند که در جستجوی هلال برآمدن و اول ماه را معلوم کردن، در همه‌ی ماهها و در همه‌ی شرایط، یک کار مثبت، بلکه لازم است؛ چون همه‌ی محاسبات شرعی و اسلامی ما، بر اساس همین محاسبه‌ی ماههای قمری است. فرض بفرمایید، اگر شما بخواهید فضیلت ایام متبرک اول رجب، سیزدهم رجب، بیست و هفتم رجب و نیمه‌ی شعبان را - که هر کدام اعمال مستحبیه‌ی دارد - درک کنید، باید آن روز را بشناسید؛ آن هم نمیشود، مگر با دانستن هلال آن ماه. از طرف دیگر، اعمال واجبی مثل همین روزه‌ی ماه رمضان، ایام حج، روز عرفه، روز قربان و واجبات متعدد دیگری وجود دارد که متوقف بر این است که شما ماه را بشناسید.

اما مسأله‌ی ماه شوال، از این جهت بیش از ماههای دیگر اهمیت دارد که امر دایر بین وجوب و حرمت است؛ یعنی اگر شما دیشب هلال را دیده بودید، روزه‌ی امروز حرام بود؛ حالا که ندیده‌اید، روزه‌ی امروز واجب است. پس، دوران امر در روز عید فطر، بین وجوب و حرمت است. بنابراین، استهلال - یعنی در جستجوی هلال برآمدن و تلاش کردن برای دیدن ماه شب اول - واجب است؛ مگر این که شما بدانید دیگرانی هستند که میبینند.

در حال حاضر، متأسفانه خیلی کم معمول است که استهلال کنند؛ سابق بیشتر بود. بخصوص من در مشهد میدیدم که استهلال خیلی رایج بود. معمول بود که در شب مظنون به اول شوال، مردم دسته دسته در گذرها، در خیابانها، سر بازارها، روی پشت بامها، مخصوصاً پشت بام مساجد جمع میشدند، تا ماه را ببینند. پس، یادتان باشد که باید این عادت را در خودمان به وجود بیاوریم که همه‌ی ماهها، بخصوص این ماههای حساس - مثل ماه شوال، ماه رمضان و ماه ذیحجه - را مواظب باشیم و اول ماه را به دست بیاوریم. البته من پارسال این نکته را گفتم و امسال هم بحمدالله تا حدود زیادی عمل شد؛ لیکن کافی نیست. ما دستگاهی لازم داریم، برای این که در همه‌ی ماهها، آدمهای متخصص، با دستگاههای فنی و چشمهای مسلح، در مظان پیدا کردن هلال بروند جستجو کنند و پیدا نمایند و به ما بگویند؛ ما هم به مردم بگوییم که اول ماه، کدام روز است.

### 🌟 ماههای قمری مبنا در سن تکلیف

تکلیف شرعی، بر اساس ماههای قمری است. یعنی دختر، وقتی که نه سال قمریش تمام شد، مکلف است. پسر هم وقتی که پانزده سال قمریش تمام شد، مکلف است. بعضیها سن شرعی فرزندان خود را به حساب ماههای شمسی حساب میکنند. شهر یور به دنیا آمده، محاسبه میکنند که تا شهر یور نه سال یا پانزده سال بعد، فرزندشان به سن تکلیف میرسد. نه، باید ببینید که در کدام روز از کدام ماه قمری به دنیا آمده است؛ آن را مبدأ قرار بدهید و حساب کنید، تا معلوم بشود.

## راه های استهلال ماه

غرض، استهلال چیز مهمی است. اول ماه، برای انسان چگونه ثابت میشود؟ در این خصوص، چند راه ذکر کرده‌اند: یکی رؤیت است. البته به شرط این که جای ماه را بدانید و وارد باشید؛ یک مقدار آشنایی لازم دارد.

یکی از علمای تهران - که خداوند رحمتش کند - میگفت: روی پشت بام مدرسه‌ی بزرگ آخوند در نجف، روز آخر ماه رمضان طلبه‌ها استهلال میکردند. مرد مسنی هم نشسته بود و بساط افطارش را پهن کرده بود؛ ولی او استهلال نمیکرد. طلبه‌های جوان یک طرف ایستاده بودند و به گوشه‌ی نگاه میکردند؛ بعد هم ماه را دیدند و به همدیگر نشان دادند. وقتی که خواستند از پشت بام پایین بروند، از کنار آن مرد مسن عبور کردند. یکی گفت که - مثلاً - آشیخ محمد! تو نیامدی استهلال بکنی؟ گفت: شما ماه را دیدید؟ گفتند: بله. گفت: کجا بود؟ گفتند: آن جا. پیرمرد سری تکان داد و گفت: حالا آن طرف را نگاه کنید. وقتی که طلبه‌ها نگاه کردند، دیدند که ماه آن جاست! جالب است که همه نیم ساعت خودشان را سرگرم کرده بودند، چیزی هم دیده بودند، به همدیگر هم نشان داده بودند و باورش‌شان هم آمده بود که ماه خیلی بلند و خوب و روشن و بیغباری را دیده‌اند!

غرض، یکی رؤیت خود انسان است که ماه را ببیند و یقین کند که ماه را دیده است. حتی اگر حکم حاکم هم برخلاف این بود، انسان بایستی به علم خودش عمل کند؛ یعنی همان چیزی که خودش دیده، ملاک است.

دوم این است که تواتر یا شیاعی باشد که برای انسان یقین بیاورد؛ یعنی معروف شده باشد که امشب اول ماه است. همه میگویند، افراد زیادی دیده‌اند، همه نقل میکنند، انسان اینها را از هر کسی میشنود، تا این که اطمینان و یقین پیدا میکند.

سوم این که دو نفر شاهد عادل شهادت دهند. مورد وثوق کافی نیست؛ باید عادل باشد. دیشب که ما از نقاط مختلف کشور تفحص میکردیم، بعضی جاها میگفتند که یک نفر پیش آقای آمده و گفته است که من دیده‌ام. دو، سه جا چنین چیزی گفته شد؛ لیکن از لحاظ شرعی، هیچکدام معتبر نیست؛ زیرا که خبر دهندگان، متصف به عدالت نبودند و کسی نمیدانست که اینها عادلند.

این، امر کوچکی نیست؛ روز عید مسلمین است. وقتی که انسان بخواهد طبق آن عمل بکند، یا حاکم بخواهد حکم بدهد، نمیشود پا را جایی بگذارد که لغزان و لرزان است و اطمینانی نیست. نه، باید عادل باشد؛ آن هم نه یک نفر، بلکه دو نفر انسان عادل و البته بااطلاع که به هیچ وجه دروغ و خلاف نمیگویند.

باید آدمهایی باشند که ماه را بشناسند و از حرفهایشان بشود فهمید که اینها درست فهمیده‌اند. گاهی افراد روی پشت بام میروند و ماه را میبینند؛ ولی اشتباه میکنند. من سابق دیده بودم که آدمهای خبره، شهود میخواستند و از افراد میپرسیدند، ماه را که دیدی، چگونه بود؟ مثلاً میگفت، ماه این گونه بود؛ یعنی دو طرف ماه، طرف پایین بود. معلوم بود که او ماه را ندیده است. ماه شب اول که این طوری نیست.

در شب اول، دو طرف ماه، به طرف بالاست. پس، اگر کسی عادل هم است، اما آمد و گفت که من ماه را دیده‌ام، این طوری بود - دو طرف هلال را به سمت پایین نشان داد - روشن است که دروغ نمی‌گوید؛ اما اشتباه کرده است؛ این هم مورد قبول نیست. باید دو شاهد عادل باشند که اشتباه نمی‌کنند. راه دیگر، حکم حاکم است. وقتی حاکم اسلامی حکم کرد که امروز اول ماه است، همه‌ی کسانی که قضیه برایشان روشن نشده است، ملزمند که به حکم او عمل کنند؛ مگر کسی که خودش دیده باشد، یا کسی بداند که حاکم در این حکم، به شهادت فلان کس استناد میکند که او عادل یا خبره نیست و اشتباه کرده است. اگر کسی این را بداند، واجب نیست به حکم حاکم عمل بکند؛ اما همه‌ی مردمی که در کوچه و بازار راه می‌روند و دنبال هلال نرفته‌اند، یا اطلاعی پیدا نکرده‌اند و میدانند که اوضاع و احوال چگونه است، یا تفحص هم کرده‌اند، ولی چیزی برای آنان ثابت نشده است، به مجرد این که حاکم حکم کرد که امشب یا امروز شب یا روز عید فطر است و یا اول ماه می‌باشد، بر همه‌ی آنها واجب است که اطاعت کنند؛ فرق هم نمی‌کند که مجتهد یا مقلد، عامی یا عالم یا جاهل باشند؛ همه موظفند که طبق حکم حاکم عمل کنند.

### 🕌 نماز بسیار با فضیلت عید فطر

البته یک بحث دیگر هم، بحث نماز عید فطر است، که نماز بسیار با فضیلت و باحالی است. در این نماز، دعا، تضرع، گریه و توجه به خدا هست. نماز عید فطر، خوب نمازی است. البته نظرات مختلفی وجود دارد که آیا در مثل این زمان، نماز عید فطر واجب است، یا مستحب است، و به جماعت چگونه است؟ به هر حال، اگر شما به قصد رجا در نماز عید فطر شرکت کنید و به جماعت بخوانید، قطعاً ثواب خواهید برد.

### 🕌 عبادات، ورزش و ریاضت روح انسان

جسم انسان بدون ورزش، ضعیف و لاغر و بی‌قدرت خواهد بود. هر کسی باشید، هر چه بنیه‌ی قوی و نیرومند داشته باشید، اگر ورزش نکرده‌اید و خورده‌اید و خوابیده‌اید، بدن ضعیف می‌ماند؛ شکی در این نیست. همچنانی که اگر ورزش نکنید، بدن شما آن رشد لازم را نمی‌کند، زیبایی‌هایی هم دارد که ورزش آنها را آشکار خواهد کرد؛ بدون ورزش نمیشود. روح شما هم عیناً همین‌طور است. بدون ورزش، بدون تمرین و ریاضت، ممکن نیست شما قوی بشوید.

ای بسا انسانهایی هستند با جسمهای نیرومند و زیبا، ولی با روحهایی لاغر، زشت، ناتوان و ضعیف؛ این به درد نمی‌خورد. تمام عبادات برای این است که ما ورزش کنیم، تربیت بشویم و پیش برویم. البته باید عبادات را شناخت. عبادات هم جسم و روحی دارند. جسم عبادات، به تنهایی کافی نیست. نماز را که انسان بخواند، ولی در حال نماز، توجه به خود ذکر نداشته باشد، ملتفت نباشد که چه می‌گوید و با چه کسی حرف می‌زند، مضامین نماز را بکلی از روی غفلت ادا بکند، این نماز، نماز بی‌فایده‌ی است.



### 🕌 نماز با توجه، نزدیک کننده انسان به خدا

البته کسانی که عربی نخوانده‌اند و معنای این جملات را نمیدانند، اگر در حال نماز، همین اندازه توجه پیدا کنند که با خدا حرف میزنند و به یاد خدا باشند، این هم بهره‌ی خوبی است؛ ولی سعی کنید که معنای نماز را بدانید. یاد گرفتن معنای نماز، کار خیلی آسانی است؛ خیلی زود میتوانید ترجمه‌ی این چند جمله را یاد بگیرید. نماز را با توجه به معنای آن بخوانید. این نماز است که «قربان کلّ تقیّ»<sup>۱</sup> خواهد بود. نماز، نزدیک کننده‌ی انسان به خداست؛ اما نزدیک کننده‌ی انسان با تقوا.

### 🕌 روزه موجب تقوا و پرورش روح

روزه، موجب تقوا و به وجود آورنده‌ی تقواست؛ اما روزه‌ی با توجه. در جلسات اول این مجلس، من به روایات روزه اشاره کردم؛ بعضی از آقایان دیگر هم که به این جا آمدند و افاضه کردند، اشاره نمودند. روزه فقط این نیست که انسان نخورد و نیاشامد؛ روزه یک نوع پرورش روح شماسست. شما میتوانید اندامهای روحتان را با روزه پرورش بدهید و تصفیه و پاکیزه بشوید و طهارت پیدا کنید.

### 🕌 زکات، شکننده حرص و بخل آدمی

این زکات و انفاق هم که یک عبادت بزرگ محسوب میشود، دارای جسم و روحی است. «و من یوق شح نفسه فاولئک هم المفلحون»<sup>۲</sup>. این زکات، باید آن حرص و بخل درونی ما را بشکند و آن دل بستگی ما به مال و به زخارف دنیوی را از بین ببرد. این زکات، زکات خوبی است.

### 🕌 ضرورت حفظ دستاوردهای معنوی ماه رمضان

امسال بحمدالله روزه‌ی ماه رمضان، سی روز شد. چند سال بود که ماه رمضان، بیست و نه روز بود و سی روز نمیشد؛ ولی امسال یک روز زیاده شد. شما سی روز روزه گرفتید و نماز با توجه خواندید و دعا کردید. این، قطعاً در وجود شما دارای محصولی است. همت ما باید این باشد که این محصول را حفظ کنیم. این، محصول باارزشی هم است. اگر نماز و روزه‌ی با توجه و ذکر آگاه‌گر و هشیار‌گر انسان، برای ما وجود داشته باشد، آن وقت مسلمانی خواهیم بود که روزه‌روز به سمت هدفهای اسلام پیش میرویم. اگر ببینید که در جوامعی مسلمانانی بودند یا هستند که به هدفهای اسلام نزدیک نشده‌اند و دور شده‌اند، یکی از عیوب کارشان این جاست. شاید عیبهای متعددی باشد، که این، یکی از آنهاست.

### 🕌 تحجر، نتیجه عدم توجه در عبادات

اگر در حال عبادت، توجه نبود و روح عبادت - که همان عبودیت و انس به خدا و تسلیم در مقابل اوست - مورد توجه قرار نگرفت، آن وقت خطرهای گوناگونی در سر راه انسان قرار میگیرد، که تحجر یکی از

آنهاست.

بعضی از همین خوار جی که در این ایام اسمشان را زیاد شنیدید، آن چنان عبادت میکردند و آیات قرآن و نماز را باحال میخواندند، که حتی اصحاب امیرالمؤمنین (علیه السلام) را تحت تأثیر قرار میدادند! در همان ایام جنگ جمل، یکی از یاران امیرالمؤمنین عبور میکرد، دید که یکی از آنها عبادت میکند و نصف شب، این آیات را با صدای خوشی میخواند: «آمن هو قانت اناء اللیل»<sup>۲</sup>. منقلب شد و پیش امیرالمؤمنین آمد. حتی انسانهای هوشمند و زیرک و آگاه - که اصحاب نزدیک امیرالمؤمنین (علیه السلام) غالباً این طور بودند - نیز اشتباه میکردند.

بیمورد نیست که امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: هیچ کس نمیتوانست این کاری را که من کردم، بکند و این فتنه را بخواباند. این کار، واقعاً شمشیر و آگاهی و آن ایمان علی به خودش و راه خودش را میخواست. حتی گاهی خواص متزلزل میشدند. امیرالمؤمنین (علیه السلام) به آن صحابه‌ی خود فرمود - طبق این نقلی که شده است - فردا به تو خواهم گفت. فردا وقتی که جنگ تمام شد و کمتر از ده نفر از مجموعه‌ی خوارج زنده ماندند و بقیه در جنگ کشته شدند، حضرت به عنوان وسیله‌ی برای عبرت و موعظه‌ی یاران و اصحاب خودش، در بین کشته‌ها راه افتاد و با بعضی از آنان به مناسبتی حرف زد. به یکی از این کشته‌ها که به پشت افتاده بود، رسیدند. حضرت گفت، این را برگردانید؛ برگردانند. شاید فرمود، او را بشانید؛ نشانند. بعد به همین کسی که از یاران نزدیکش بود، فرمود: او را میشناسی؟ گفت: نه، یا امیرالمؤمنین. فرمود: او همان کسی است که دیشب آن آیات را میخواند و دل تو را ربوده بود!

این، چه قرآن خواندنی است؟! این، چه نوع عبادت کردنی است؟! این، دوری از روح عبادت است. اگر انسان با روح عبادت و نماز و قرآن آشنا باشد، میفهمد که وقتی موجودیت و حقیقت و لبّ اسلام - که در علیبن ابیطالب مجسم است - در یک طرف قرار گرفته است، همه‌ی شبیه‌ها را از خودش دور میکند و به او میپیوندد. این دوری از قرآن و دوری از دین است که کسی نتواند این موضوع را تشخیص بدهد و نتیجتاً به روی علی (علیه السلام) شمشیر بلند کند.

### 🌟 بزرگترین اشتباه مقدس مآب‌ها، عدم شناخت حق از باطل

پس، یک طرف قضیه، همین تجرها و نیندیشیدن‌ها و اشتباههای عمده و بزرگ است که ما در طول دوران خلافت بنی امیه و بنی عباس، آن را مشاهده میکنیم. بعضیها آدمهای مقدس مآب و متدین و اهل عبادت و اهل زهد بودند و در کتابها اسمشان در شمار عبّاد و زهاد و اخلاقیون و آدمهای حسابی ثبت شده است؛ اما اشتباه میکردند؛ اشتباهی به عظمت اشتباه جبهه‌ی حق با باطل. بزرگترین اشتباهها این است. اشتباههای کوچک، قابل بخشش است. آن اشتباهی که قابل بخشش نیست، این است که کسی جبهه‌ی حق را با جبهه‌ی باطل اشتباه کند و نتواند آن را بشناسد.

عظمت امثال عمار یاسر، به همین است. عظمت آن اصحاب خاص امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) در

همین است که در هیچ شرایطی دچار اشتباه نشدند و جبهه را گم نکردند. من در موارد متعدد در جنگ صفین، این عظمت را دیده‌ام؛ البته مخصوص جنگ صفین هم نیست. در بسیاری از آن جاهایی که برای جمعی از مؤمنین، نکته‌ی مورد اشتباه قرار می‌گرفت، آن کسی که می‌آمد و با بصیرت نافذ و با بیان روشن‌گر خود، شبیه را از ذهن آنها برطرف می‌کرد، عمار یاسر بود. انسان در قضایای متعدد امیرالمؤمنین - از جمله در صفین - نشان وجود این مردِ روشن‌گرِ عظیم‌القدر را می‌بیند.

جنگ صفین ماه‌ها طول کشید؛ جنگ عجیبی هم بود. مردم افراد مقابل خود را میدیدند که نماز می‌خوانند، عبادت میکنند، نماز جماعت و قرآن می‌خوانند؛ حتی قرآن سرنیزه می‌برند! خیلی دل و جرأت می‌خواست که کسی روی این افرادی که نماز می‌خوانند، شمشیر بکشد.

در روایتی از امام صادق (علیه‌الصلاة والسلام) نقل شده است که اگر امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) با اهل قبله نمی‌جنگید، تکلیف اهل قبله‌ی بد و طغیانگر تا آخر معلوم نمی‌شد. این علین ابیطالب بود که این راه را باز نمود و به همه نشان داد که چه کار باید کرد. بچه‌های ما، وقتی که به بعضی از سنگرهای جبهه‌ی مهاجم وارد میشدند و آنها را اسیر می‌گرفتند، در سنگرهایشان مهر و تسبیح پیدا می‌کردند! بله، درست مثل همان کسانی که مقابل امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) قرار داشتند و نماز هم می‌خواندند و نتیجتاً یک عده هم به شبیه می‌افتادند. آن کسی که سراغ اینها می‌رفت، عمار یاسر بود. این، هوشیاری و آگاهی است و کسی مثل عمار یاسر لازم است.

### ایمان سطحی، حاصل عدم توجه به خدا در عبادات

اگر روح اعمال و عبادات - که عبارت از همان توجه به خدا و عبودیت اوست - برای انسان حل و روشن نشود و انسان سعی نکند که در هر یک از این واجبات، خودش را به عبودیت خدا نزدیک کند، کارش سطحی است. کار و ایمان سطحی، همیشه مورد خطر است و این چیزی است که ما در تاریخ اسلام دیده‌ایم.

قبلاً اشاره کردم، کسانی از متدینان، مقدسان، عباد و زهاد، می‌رفتند در کنار خلیفه‌ی ظالم غاصبِ فاجرِ خبیثِ دروغگوی دهر و دهرنگ مینشستند و او را چهار کلمه نصیحت می‌کردند؛ او هم یا از روی تقلب و ریا، یا شاید هم در گوشه‌ی قلبش چیزی تکان می‌خورد و اشکی می‌ریخت. بعضیها هم که مست بودند و در حال مستی، هیجان و احساسات پیدا می‌کردند، یک نفر را می‌آوردند که برایشان یک خرده حرف بزند؛ با حرفهای او گریه می‌کردند! آن‌گاه این آدمهای ساده‌لوح نادان - ولو عالم به ظواهر دین - مرید این خلیفه میشدند!

در تاریخ اسلام، انسان چیزهای عجیبی از این قبیل می‌بیند. همین «عمر بن عبید» عابد زاهد معروف، کسی است که خلیفه‌ی عباسی درباره‌ی او اظهار ارادت می‌کرد و می‌گفت: «کَلِّمَ یَمِشِی رَوِیدَ کَلِّمَ یَطْلُبُ صِیدَ غَیْرِ عَمْرُوبِ عَبِیدَ»؛ یعنی حساب «عمر بن عبید»، از دیگر مدعیان تقوا و زهد جداست! شما اگر

همین «عمروبن عبید» و «محمدبن شهاب زهری» و امثال آنها را نگاه کنید، میبینید که آنها در زمان خودشان، از جمله‌ی در دسرهای بزرگ جریان حق بودند. میرفتند با حضور خودشان، جبهه‌ی باطل را تقویت میکردند و جناح حق - یعنی جناح اهل بیت پیامبر - را تنها و مظلوم می‌گذاشتند و بر اثر همین ندانستن، دست دشمن را روی اینها دراز میکردند.

### 🕌 بندگی خدا، روح عبادات

غرض، این که روح عبادت، بندگی خداست. برادران و خواهران! ما باید سعی کنیم که روح بندگی را در خودمان زنده نماییم. بندگی، یعنی تسلیم در مقابل خدا، یعنی شکستن آن بتی که در درون ماست. آن بت درونی ما - یعنی من - در خیلی جاها خودش را نشان میدهد. وقتی که منفعت به خطر بیفتد، کسی حرفت را قبول نکند، چیزی مطابق میل تو - ولو خلاف شرع - ظاهر بشود، یا سر دو راهی قرار بگیری - یک طرف منافع شخصی، یک طرف وظیفه و تکلیف - در چنین تنگناها و بزنگاههایی، آن من درونی انسان سر بلند میکند و خودش را نشان میدهد.

### 🕌 مهار هوای نفس، راه اصلاح امور

اگر ما بتوانیم این من درونی، این هوای نفس، این فرعون باطنی، این شیطانی را که در درون ماست، مهار کنیم، یا اقلاً قدری مهار کنیم، همه‌ی امور اصلاح خواهد شد. قبل از هر چیز، خود ما آدم خواهیم شد و به فلاح خواهیم رسید. ماه رمضان، مقدمه‌ی این است. روزه، نماز با توجه، انفاقات، حتی جهاد فی سبیل الله، برای رسیدن به چنین دنیایی است که مردم بنده‌ی خدا باشند. پروردگارا! به محمد و آل محمد، ما را بنده‌ی خودت قرار بده.

### 🕌 ضرورت حفظ دستاوردهای ماه رمضان

امروز ماه رمضان تمام میشود. برادران و خواهران! سعی کنید این دستاوردی که در این ماه به دست آورده‌اید، حفظ کنید. حفظش هم به این است که از گناهان اجتناب کنید و یاد خدا را در دل خودتان زنده بدارید. هر چه میتوانید در حالات گوناگون - در هنگام کار، در برخورد با مردم، در برخورد با منافع مادی، در برخورد با شهوات و غیره - سعی کنید که یاد خدا را در خودتان زنده بدارید.



## ماه رمضان بهترین فرصت برای خودسازی

- ✪ خوردن و آشامیدن مبطلات روزه
- ✪ استفاده از ماه رمضان برای خودسازی
- ✪ ماه رمضان فرصت رفع بیماریهای معنوی انسان
- ✪ ماه رمضان فرصت کنترل هوای نفس
- ✪ اخلاص از ویژگیهای مهم مورد توجه در خودسازی
- ✪ نمونه های اخلاص در بزرگان
- ✪ وعده خداوند به مخلصین
- ✪ ماه رمضان فرصت مناسب انجام نوافل

## ماه رمضان بهترين فرصت براي خودسازي \*

### خوردن و آشاميدن مبطلات روزه

از جمله کارهایی که روزه‌دار باید از آن اجتناب کند و واضحترین مصداق روزه هم هست، خوردن و آشامیدن است؛ ولو آن چیزی که خورده یا آشامیده میشود، خیلی کم باشد. همین اندازه که صدق خوردن کرد، اگر عمداً باشد، روزه باطل میشود. بعضی چیزهاست که صدق خوردن نمیکند، اما همه‌ی مراجع فتوا داده‌اند که آنها هم مثل خوردن و آشامیدن، مبطل روزه است. از قبیل چه چیز؟ از قبیل سرمهای غذایی که وارد بدن میشود. این خوردن، عرفی نیست؛ اما مبطل روزه است. یا حتی آمپولهای تقویتی که داخل رگ یا عضله تزریق میشود، مبطل روزه است. اگر چه در مورد آمپولهای غیر تقویتی، که مربوط به تقویت و ویتامین و ایجاد ذخیره‌ی غذایی و غیره نیست، اشکال نکرده‌اند - و ظاهراً اشکال هم ندارد - اما بعضی احتیاط کرده‌اند. آب دهان را فرو بردن هم اشکالی ندارد؛ اما اگر مسواک را داخل دهان کردید و به آب دهان آغشته شد، بعد همان را آوردید بیرون و دوباره داخل دهانتان کردید و آن آب را فرو بردید، این، باز مبطل است. یعنی مسأله‌ی خوردن و آشامیدن مسأله‌ی دقیقی است. واضحترین مصداق روزه هم، امساک از خوردن و آشامیدن است. اگر چه موارد دیگر هم هست که ان شاء الله در طول ماه، مسائلتش را لابد آقایان خواهند گفت.

### استفاده از ماه رمضان براي خودسازي

ماه رمضان فرصت خوبی برای خودسازي است. ما همان ماده‌ی خام هستیم که اگر روی خودمان کار

کردیم و توانستیم این ماده‌ی خام را به شکل‌های برتر تبدیل کنیم، آن کار لازم در زندگی را انجام داده‌ایم. هدف حیات همین است. وای به حال کسانی که روی خودشان از لحاظ علم و عمل کاری نکنند و همان‌طور که وارد دنیا شدند، به اضافه‌ی پوسیدگیها و ضایعات و خرابیها و فسادها که در طول زندگی برای انسان پیش می‌آید، از این دنیا بروند. مؤمن باید به‌طور دائم روی خودش کار کند؛ به‌طور دائم. نه این که خیال کنید «به‌طور دائم» زیادی است یا نمیشود؛ نه. هم میشود، هم زیادی نیست. اگر کسی مراقب خود باشد؛ مواظب باشد کارهای ممنوع و کارهایی را که خلاف است انجام ندهد و راه خدا را با جدیت بپیماید، موفق میشود. این، همان خودسازی دائمی است و برنامه‌ی اسلام، متناسب با همین خودسازی به‌طور دائم است. این نماز پنجگانه - پنج وقت نماز خواندن - ذکر گفتن؛ «ایک نعبد و ایک نستعین» را تکرار کردن؛ رکوع کردن؛ به خاک افتادن و خدای متعال را تسبیح و تحمید و تهلیل کردن برای چیست؟ برای این است که انسان به‌طور دائم مشغول خودسازی باشد. منتها گرفتاریها زیاد است و همه گرفتاریم. گرفتاری زندگی؛ گرفتاری معاش؛ گرفتاری امور شخصی؛ گرفتاری اهل و اولاد، و انواع گرفتاریها مانع میشود که ما به خودمان، آن چنان که شایسته است، برسیم. لذا یک ماه رمضان را که خدای متعال قرار داده است، فرصت مغتنمی است. این ماه را از دست ندهید. مقصودم این است که اگر نمیتوانیم به‌طور دائم در حال مراقبت و ساخت و ساز خودمان باشیم، اقلأً ماه رمضان را مغتنم بشماریم. شرایط هم در ماه رمضان آماده است. یکی از بزرگترین شرایط، همین روزه‌ای است که شما میگیرید. این، یکی از بزرگترین توفیقات الهی است. توفیق یعنی چه؟ توفیق یعنی این که خدای متعال چیزی را برای انسان، مناسب بیاورد. با واجب کردن روزه، خدای متعال زمینه‌ی مناسبی را برای من و شما به وجود آورده است که قدری در این ماه به خودمان برسیم. روزه، نعمت بزرگی است. شکم خالی است و مبارزه با نفس، تا حدودی در اثنای روزه، از جهات مختلف وجود دارد؛ هر چه را دوست دارید، نمیخورید و نمیآشامید و بسیاری از مشتتهای نفسانی را برای خودتان به مدت چند ساعت ممنوع میکنید. این، یک مبارزه با نفس است؛ مبارزه با هواست، و مبارزه با هوا، در رأس تمام کارهای نیک و خودسازیها قرار دارد.

ماه رمضان زمینه‌ی بسیار خوبی است و خدای متعال این فرصت را به من و شما داده که در این ماه، چنین امکانی را برای خودسازی پیدا کنیم. علاوه بر این که ساعات این ماه بسیار با برکت است و خدای متعال، از لحاظ طبیعی این لحظات و ساعات را این‌گونه قرار داده است، ساعات بسیار مغتنمی هم هست. یک رکعت نماز شما؛ یک کلمه ذکر «سبحان الله» شما؛ مختصر صدقه دادن شما، و یک صله‌ی رحم کوچکی که در این ماه بکنید، مزیتی چند برابر بیشتر از همین امور، وقتی در غیر ماه رمضان انجام میشود، دارد. این، فرصت بسیار خوبی است. زمینه‌ی خوبی است که انسان در این ماه به خودش برسد. مثل طبیعی که با فردی بیمار مواجه است و آن بیمار به امراض متعددی مبتلاست - مرض قند دارد، فشار خون دارد، چربی خون دارد، استخوان درد دارد، رماتیسم دارد، زخم معده دارد و خلاصه انواع و اقسام مرض در او هست - طبیب حاذق که امراض او را میشناسد و راه علاجش را بلد است، با این بیمار چه کار میکند؟ اول سعی



میکند بیماریهای او را روی کاغذ بیاورد و ببیند به چه امراضی مبتلاست. اگر طبیب، بعضی از بیماریهای او را نشناسد و برای علاج بیماری دوایی بدهد که با بیماری دیگر ناسازگار باشد، ممکن است به جای این که او را علاج کند، بیچاره را به بیماریهای دیگری هم مبتلا سازد! مثلاً نداند که بیمار زخم معده دارد؛ بعد برای علاج رماتیسم او آسپرین بدهد! خوب، آسپرین علاج رماتیسم است؛ اما برای زخم معده بسیار مضر است. اگر طبیب، این مرض را نشناسد و نداند که بیمار این مرض را هم دارد، ممکن است به جای این که او را علاج کند، بیچاره را به خونریزی معده هم مبتلا سازد. پس اول باید با دقت نگاه کند؛ دلسوزانه بیماریها را پیدا کند و آنها را بنویسد؛ بعد ببیند کدام مهمتر است، کدام فوتیتر است و کدام اصولیتر است. فرض بفرمایید اگر کسی معده‌ی ناراحتی دارد، هر دوایی به او بدهند نمیتواند به خوبی آن را جذب کند. یا اگر روده‌ی خرابی دارد، هر غذای مقویای بدهند و از آن بهره ببرد، نمیتواند استفاده کند. راهش این است اول آن مرضی را که از بقیه‌ی بیماریها تأثیر منفیاش بیشتر است و اگر خوب بشود تأثیر مثبت شفایاش بیشتر است، پیدا کنند.

#### ماه رمضان فرصت رفع بیماریهای معنوی انسان

شما طبیب خودتان بشوید، برادر عزیز! هیچ کس مثل خود انسان نمیتواند بیماریهای خودش را بشناسد. برخی بیماریها در انسان هست که اگر مثلاً شما به من بگویید «تو دچار این بیماری هستی»، عصبانی میشوم و بدم می‌آید. بگویند: «آقا، شما مرد حسودی هستید.» مگر کسی تحمل میکند که به او بگویند «حسود؟» میگوید: «حسود خودت هستی! چرا اهانت میکنی؟ چرا بیخود می‌گویی؟» از دیگری حاضر نیستیم قبول کنیم. اما به خودمان که مراجعه میکنیم، میبینیم بله؛ ما متأسفانه از این بیماریها داریم. سر هر کس را انسان کلاه بگذارد؛ از هر کس که پنهان کند، با خودش که دیگر نمیتواند! پس بهترین کسی که میتواند بیماری ما را تشخیص دهد، خودمان هستیم. بیاورید روی کاغذ! بنویسید: «حسد.» بنویسید: «بخل.» بنویسید: «بدخواهی برای دیگران. وقتی کسی به خیری میرسد، ما ناراحت میشویم!» بنویسید: «تنبلی در کار.» بنویسید: «روح بدبینی به نیکان و صالحان.» بنویسید: «بیاعتنایی به وظایف.» بنویسید: «علاقه به خود. شدیداً به خودمان علاقه داریم.»

اگر بیماریهای ما اینهاست، اینها را روی کاغذ بیاوریم. ماه رمضان فرصتی است که یکی یکی این بیماریها را، تا آن جایی که بشود، برطرف کنیم. اگر برطرف نکنیم، این بیماریها مهلک خواهد شد؛ هلاک معنوی و واقعی. هلاک جسمی که چیزی نیست! اگر بیماری مهلکی در ما باشد یا احتمالش را بدهند، چقدر دستپاچه میشویم؟ شب خوابمان نمیبرد. بهترین دکترها را پیدا میکنیم، میگوییم: «نکنند این غده‌ای که در بدن من است، در دست من است، زیر پوست من است، سرطان باشد!» از تصورش کلی وحشت میکنیم. آخرش چه؟ آخرش مردن است. حالا نشد، یک سال دیگر است، دو سال دیگر است، ده سال دیگر است. به قول نظامی گنجوی: «اگر صد سال مانی ور یکی روز/بباید رفت از این کاخ دل افروز.» ماندنی که

نیستیم. چند صباحی، کمی این‌ور، کمی آن‌ور، تمام خواهد شد. هلاکت جسمانی این است و این قدر از آن میترسیم. هلاکت معنوی، یعنی برای ابد دچار خذلان و عذاب الهی شدن. یعنی در زندگی جاودان ابدی، از همه‌ی نعمتها و لذتها و چشم‌روشنیهایی که خداوند برای من و شما معین و مقرر کرده محروم ماندن. انسان به قیامت نگاه کند و ببیند خدای متعال به بعضی از بندگانش - همین افرادی که با آنها معاشریم و آنها را در کوچه و محله میبینیم؛ به همکار اداری، به دوست دوران تحصیل، یا به یک رفیق بگو بشنو - برای برخی کارها و مجاهداتی که در این دنیا داشته‌اند، مقامات عالی میدهد؛ آنها را به بهشت میبرد؛ از عذاب دورشان میدارد و از عقبات قیامت، نجاتشان میدهد، و ما به خاطر تنبلی؛ به خاطر نرسیدن به خود و به خاطر یک لحظه غفلت، از همه‌ی آنها محروم مانده‌ایم! آن وقت است که حسرت گریبان انسان را میگیرد: «وانذرهم یوم الحسرة اذ قضی الامر (۷۲)». کار هم دیگر از کار گذشته است و حسرت هم فایده‌ای ندارد. این، هلاکت معنوی است.

### ماه رمضان فرصت کنترل هوای نفس

برادران و خواهران! اگر به خودمان نرسیم، بدبختی است؛ روسیاهی است؛ محرومیت است؛ از چشم خدا افتادن است؛ از مقامات معنوی دور ماندن و از نعیم ابدی الهی، تهیدست ماندن است. پس باید به خودمان برسیم. ماه رمضان فرصت خوبی است. کتابهای اخلاق هم خوشبختانه در اختیار هست. لکن آن چیزی که آدم از مجموع میفهمد و آنچه مهم است، این است که انسان بتواند هوا و هوس خود را کنترل و مهار کند. این، اساس قضیه است.

### اخلاص از ویژگی‌های مهم مورد توجه در خودسازی

یکی از ویژگیها که بسیار مهم است تا برای خود سازی به آن توجه کنیم و شاید جنبه‌ی تقدیمی هم داشته باشد، «اخلاص» است. اخلاص عبارت است از کار را خالص انجام دادن و این که کاری را مغشوش انجام ندهیم. گاهی هست که کسی عبادت نمیکند و گاهی عبادت کند؛ اما مغشوش و ناخالص. این هم مثل آن است. خالص بودن عبادت و خالص بودن عمل، این است که برای خدا باشد. در بین مردم، متأسفانه خیلی رایج است که کارهای خوب خودشان را بر زبان بیاورند و بگویند. کانه توجه ندارند که نباید کار نیک را به زبان آورد و گفت که ما میخواهیم این کار را بکنیم یا ما این کارها را میکنیم. البته برخی جاها استثناست. در جاهایی، بعضی از کارها باید در علن انجام گیرد. در روایات در باب صدقه، آمده است که «صدقه‌ی سر» این ثواب را دارد و «صدقه‌ی علانیه» این ثواب را. یا مثلاً عبادات گروهی، جلوی چشم مردم انجام میگیرد و باید انجام گیرد؛ و این از شعائر الهی است. اما بسیاری از عبادات یا اغلب عبادات، آن روابطی که بین خود انسان و خداست - ذکر، توجه، دعا، نافلة، شب زنده‌داری، سحر خیزی، احسان و کارهای نیک - باید بین خود انسان و خدا بماند. مبدا انسان به خاطر این که دیگران ببینند،

کاری را انجام دهد! کاری که انسان به خاطر توجه دیگران به خودش انجام دهد، از نکردن آن کار بدتر است؛ زیرا نکردن کار، یعنی انسان کاری را انجام نمیدهد. کاری که انسان برای جلب توجه دیگران نسبت به خودش انجام داده، کانه انجام نداده است. البته بدتر بودنش هم از این جهت است که عمل شرکآلودی انجام داده و این عمل شرکآلود، فعل حرام است و دور کننده است. بنابراین همه‌مان در هر جا و در هر موقعیتی که هستیم، باید خیلی تلاش کنیم که کار را خالص انجام دهیم. اگر کار برای خدا انجام گیرد و نیت برای خدا خالص باشد، اشکالاتی که معمولاً در کارها مشاهده میشود، پیش نخواهد آمد. ما وقتی مصالح واقعی را فدای حرف این و آن میکنیم که بخواهیم کار را برای این و آن انجام دهیم. انسان وقتی کار را برای خدا میخواهد انجام دهد، فقط نگاه میکند ببیند تکلیفش چیست؟ نگاه نمیکند که یکی خوشش می‌آید، یکی بدش می‌آید؛ پیش چه کسی آبرو پیدا میکند و پیش دیگری از آبرو می‌افتد. امروز در جمهوری اسلامی، در همه‌ی شوؤن، کار برای خدا ساری و جاری است. هر کس در این کشور و این نظام، هر کاری که انجام میدهد، میتواند آن را برای خدا انجام دهد و از آن اجر و ثواب و بهره‌ی معنوی را ببرد و پیش خدا خودش را روسفید کند.

من روایتی را در باب اخلاص یادداشت کرده‌ام که برایتان میخوانم. از پیغمبر اکرم صلوات‌الله‌وسلامه‌علیه نقل شده است که فرمود: «ان لكل حق حقیقته». هر چیزی دارای حقیقتی است و یک روح و یک معنا و یک حقیقت دارد. «و ما بلغ عبد حقیقه الاخلاص». بنده به حقیقت اخلاص و به آن معنای حقیقی اخلاص نمیرسد «حتی لایحب ان یحمد علی شیء من عمل لله». (این خیلی سخت است؛ این، مرتبه‌اش از آن مراتب بسیار بالاست) مگر این که دوست نداشته باشد که مردم او را برای هیچ یک از کارهایی که برای خدا انجام میدهد، ستایش کنند. مثلاً فردی است که کار را برای دیگران انجام نمیدهد: برای خاطر خدا نماز میخواند، ختم قرآن میگیرد، کار خیری انجام میدهد، احسان و کمک و صدقه‌ای میدهد و مجاهدتی برای خدا میکند. اما دوست میدارد که مردم بگویند: «ایشان چقدر آدم خوبی است». کارش را برای مردم نکرده است. کار را برای خدا انجام داده و تمام شده؛ اما از مدح مردم و از این که مردم از او تعریف کنند، خوشش می‌آید. میفرماید این، آن مرتبه‌ی عالی اخلاص نیست. مرتبه‌ی عالی اخلاص این است که این را هم دوست نداشته باشد. اصلاً کاری به کار مردم نداشته باشد! میخواهند بدانند، میخواهد ندانند. میخواهد خوششان بیاید، میخواهد خوششان نیاید. نگاه کند ببیند خدا از او چه خواسته است و دقیقاً آن را انجام دهد.

### نمونه‌های اخلاص در بزرگان

من، این صفت و این روحیه را در امام رضوان‌الله‌تعالی‌علیه، در بسیاری از موارد مشاهده کردم. در موارد متعددی، بنده این خصوصیت را در ایشان دیده بودم. کاری نداشت که کسی خوشش می‌آید یا خوشش نمی‌آید. تکلیفش را انجام میداد. وقتیکه بار سنگین است؛ وقتیکه کار بزرگ است؛ وقتیکه کار خطرناک

است، اخلاص بیشتر به کار می‌آید. مثل امروز که وضع جمهوری اسلامی این چنین است. اگر ما اخلاص ورزیدیم، بنده‌ی مخلص می‌شویم؛ اخلاص ورزنده برای خدا، در عمل و نیت. اما فراتر از بنده‌ی مخلص، بندگان مخلص‌اند. مرحوم سید بحر العلوم رضوان الله تعالی علیه، در رساله‌ای که در سیر و سلوک به ایشان منسوب است، بین مخلص و مخلص فرق می‌گذارد. می‌گوید مخلص کسی است که عملی را فقط برای خدا انجام می‌دهد و کاری به کار دیگران ندارد. اما مخلص آن است که همه‌ی وجود خود را خالصاً و مخلصاً برای خدا قرار می‌دهد. همه‌ی هستی او فقط برای خداست. این، مرتبه‌ی بسیار والایی است که واقعاً دور از دسترس است. اما به نظر بنده، در این دوران، بخصوص جوانان و کسانی که در میدانهای عمل و مبارزه و جهاد واردند، میتوانند به این مرتبه هم برسند.

### 🌸 وعده خداوند به مخلصین

البته برای امثال ما مشکل و خیلی دشوار است. ما خیلی دوریم! اما جوانان و بخصوص جوانان مؤمن و پاک و خالص، با آن دلهای روشن و پاکی که دارند، میتوانند به این جا برسند. البته رساله‌ی مذکور، منسوب به مرحوم بحر العلوم است و قطعی نیست که مال ایشان باشد. بعد می‌فرماید: خدای متعال به این مخلصین سه وعده داده است؛ سه امتیاز بزرگ. یکی این است که فرموده است: «فانهم لمحضرون الآ عباد الله المخلصین. (۷۳)» یعنی در قیامت، همه‌ی مردم در محشر حاضر میشوند و مورد محاسبه‌ی الهی قرار می‌گیرند، مگر بندگان مخلص که آنها معافند. آنها چون ذره ذره‌ی اعمال و انفاس و حرکاتشان برای خدا بوده است، لذا از این که در این عرصه از عرصه‌ی حشر آفاقی وارد شوند و مورد سؤال قرار گیرند، معافند.

امتیاز دوم این است که می‌فرماید: «و ما تجزون الا ما كنتم تعملون الا عباد الله المخلصین (۷۴)». همه‌ی مردم، پاداش متناسب با عمل کاری را که انجام داده‌اند می‌گیرند، مگر بندگان مخلص خدا. اینها عملشان و پاداششان متناسب نیست. عملشان هر چه که باشد، پاداش آنها بینهایت است؛ زیرا این وجود متعلق به خدا، برای خدا و سرتا پا در خدمت اهداف الهی است. او، همه‌ی وجودش برای خدا خالص شده است. روایتی را دیدم - البته سند این روایات را فرصت نمی‌کنم نگاه کنم و نمیدانم سندش چگونه است - که مضمونش این بود که خدای متعال می‌گوید: «اگر به بنده‌ی مخلص یا مخلص، همه‌ی دنیا را هم بدهم، حق او ادا نشده است.» بنابراین، جزای او متناسب با عملی که انجام می‌دهد، نیست. یک نماز او برابر هزاران نمازی است که بندگان خوب خدا بخوانند.

امتیاز سوم که از همه‌ی اینها بالاتر است، این است که «سبحان الله عما یصفون الا عباد الله المخلصین (۷۵)». یعنی خدای متعال از آنچه که بندگان او توصیف کنند، منزّه است؛ مگر از آنچه که بندگان مخلص توصیف کنند. یعنی آنها میتوانند حق توصیف الهی را ادا کنند. بندگان دیگر، کمتر و کوچکتر از این هستند؛ و هر چه در باب پروردگار عالم بگویند «ما عرفناک حق معرفتک (۷۶)». اوصاف خدا

از زبان انسانها، ناقص و نارساست؛ مگر از ناحیه‌ی بندگان مخلص. آنها میتوانند خدای متعال را کماهو حقه توصیف کنند. و لذاست که انسان اگر خود را به دعاها یی که از ائمه علیهم‌السلام، مأثور است، انس بدهد و مرتبط کند، امید این هست که توانسته باشد با خدای متعال، درست مناجات کند و چنان که شایسته‌ی الهی است، با او حرف بزند. ضمناً ماه رمضان ماه دعاست. دعاها را فراموش نکنید. دعاها ی وارد شده در ماه رمضان، یکی از آن نعم و فرصتهای است که باید مغتنم بشمرید. این دعای ابیحمزه، این دعای افتتاح، این دعای جوشن وبقیه‌ی ادعیه‌ای که در روزها و شبها و سحرها و بقیه‌ی ساعات و اوقات مخصوص در ماه رمضان وارد شده است، واقعاً از نعمتهای بزرگ الهی است. فرصت را مغتنم بشمارید.

### 🕌 ماه رمضان فرصت مناسب انجام نوافل

من به ذهنم رسید که این توصیه را هم عرض کنم که این نوافل سیوچهار رکعتی که برای نمازهای روز و شب وارد شده است، بسیار با ارزش است. ماه رمضان فرصت خوبی است. ما غالباً اهل نوافل نیستیم. ولی ماه رمضان که میشود، چه مانعی دارد؟ کدام کار با دهان روزه، بهتر از نماز خواندن؟ چهار رکعت نماز ظهر است، قبل از این چهار رکعت، هشت رکعت نافله دارد؛ چهار دو رکعتی. چهار رکعت نماز عصر است و قبل از این چهار رکعت، هشت رکعت نافله‌ی نماز عصر است. این نوافل را بخوانید. همچنین نوافل مغرب را که از اینها مهمتر است؛ و نیز نوافل شب که یازده رکعت است. همچنین نافله‌ی صبح که دو رکعت است. کسانی هستند که در ایام معمولی سال، برایشان مشکل است پیش از اذان صبح برای نماز شب بیدار شوند. ولی در این شبها، به طور قهری و طبیعی بیدار میشوند. این یک توفیق الهی است. چرا از این توفیق استفاده نکنیم؟ ان شاءالله فرصتهای ماه رمضان را مغتنم بشمارید.

## تلاش برای حفظ نتایج ماه مبارک رمضان

- ❁ عید فطر، روز گرفتن پاداش برای مؤمنان
- ❁ ضرورت قدردان بودن عید فطر
- ❁ اتمام ماه رمضان و گرفتن نتیجه از آن
- ❁ لزوم حفظ ثمرات ماه رمضان
- ❁ جدی گرفتن موضوع قناعت
- ❁ اسراف تضييع و تلف کردن نعمت است

## تلاش برای حفظ نتایج ماه مبارک رمضان \*

### 🕌 عید فطر، روز گرفتن پاداش برای مؤمنان

روز عید مبارک فطر، روز گرفتن پاداش برای مؤمنان و روزی است که برای پیغمبر اکرم و اولیایش، روز عید، روز شرف و روز کرامت است. همه شما برادران و خواهران مسلمان نماز گزار را به رعایت تقوا و پرهیزگاری دعوت و توصیه میکنم؛ که تقوا و پرهیزگاری، نتیجه و غایتی است که باید به فضل پروردگار، بر روزه ماه رمضان مترتب شده باشد.

### 🕌 ضرورت قدر دان بودن عید فطر

روز عید فطر، روز مورد توجه پروردگار و روز نزول مغفرت و رحمت الهی بر مؤمنان است. این روز را هم باید مثل ایام ماه مبارک رمضان، قدر دانی کرد. امام مجتبی علیه السلام - طبق روایتی - در روز عید فطر، از راهی عبور میکرد. دید جمعیتی ایستاده اند و بازی میکنند و بیخیال و بیتوجه به اهمیت این روز، با غفلت خودشان سرگرمند و میخندند. کنار آن جمعیت ایستاد و فرمود: «ان الله جعل شهر رمضان مضماراً لخلقهِ»<sup>۱</sup> خداوند، ماه رمضان را میدان مسابقه‌ای برای بندگانش قرار داده است. «فیسْتَبِقون فیه بطاعته الی مرضاته.» که در این میدان مسابقه، به وسیله اطاعت او، به سوی رضایت او با یکدیگر مسابقه بگذارند و از یکدیگر پیشی گیرند. «فسبق قوم ففازوا.» در این ماه رضانی که گذشت، عده‌ای توانستند پیشی بگیرند و از دیگران جلو بیفتند؛ و اینها پیروز و موفق شدند «وقصر آخرون فخابوا.» اما عده دیگری، در همین ماه رمضان کوتاهی کردند. آنها نتوانستند خود را به درگاه رحمت الهی برسانند، و مأیوس و نومید شدند.

\* بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر (خطبه اول) ۱۳۷۲/۰۱/۰۴

۱. بحار الانوار: ج ۷۵، ص ۱۰۹

«فالعجب كل العجب من ضاحك لآعب فياليوم الذي يثاب فيه المحسنون و يخسر فيه المبطلون.» فرمود: تعجب است از کسانی که بیخیال میخندند و به لعب مشغول میشوند. در آن روزی که نیکوکاران خرمندگیشان ثواب را میچینند و میبرند و محرومان، خسارت خود را تحویل میگیرند؛ خسارت‌های آنان دامنگیرشان میشود. روز بزرگی است. مثل روز قیامت است. در این روز، کسانی که در ماه رمضان توانسته‌اند رضای الهی را به دست آورند، پاداش خود را از خدای متعال خواهند گرفت. امروز روزی نیست که انسان بتواند در آن، به غفلت سرکند. سپس در ادامه فرمود: «لو كشف الغطاء لعلموا أنّ المحسن مشغول بأحسانه، والمسيء مشغول بأسائه.» اگر چشم بصیرت، نافذ میشد و پرده حجاب مادی از مقابل چشمهای ما کنار میرفت، میدیدیم که نیکان مشغول جمع آوری پاداش خودند و به برداشتن ثواب، مشغول و سرگرمند؛ چنان که بدان سرگرم به نتایج کوتاهیهای خودشان هستند.

### اتمام ماه رمضان و گرفتن نتیجه از آن

ماه رمضان، با همه خیرات و برکاتش، با همه ساعات و لحظات پر بارش، با همه وعده‌هایی که خدای متعال به مؤمنان و نیکوکاران در آن داده بود، سپری شد. عده‌ای از این ماه، نتیجه‌ها گرفتند؛ پیمانهای خود را پر کردند و خود را تا آخر این سال، که باز به رضایی دیگر منتهی خواهد شد، بیمه کردند. خوشا به حال آنان. امیدوارم که شما برادران و خواهران، از زمره این گروه مردم باشید.

### لزوم حفظ ثمرات ماه رمضان

سعی کنید نتایج تلاش مبارک خود را در ماه رمضان، برای خود حفظ کنید. دلها را پاکیزه نگه دارید و مشغول مسائلی که شما را از خدا دور میکند، مپسندید. دلتان را مشغول یاد خدا بخواهید؛ آن را قدر بدانید و از نتایج و ثمرات آنچه که در ماه رمضان به دست آورده‌اید، سعادت خود را تا آخر سال تأمین کنید. به فضل الهی، در جمهوری اسلامی ایران، زمینه برای کسانی که بخواهند خوب باشند و خوب بمانند و خوب زندگی کنند، آماده است. آنهایی که بخواهند مسلمان زندگی کنند، در فضای جمهوری اسلامی میتوانند مسلمان زندگی کنند و مسلمان بمانند. در بسیاری از کشورهای دنیا، چنین فضایی وجود ندارد که در آن، جوان بتواند گناه نکند و کسی که میخواهد به گناه نزدیک نشود، بتواند نزدیک نشود. این فضا، از برکات جمهوری اسلامی است. این را باید قدر بدانیم.

### جدی گرفتن موضوع قناعت

در این روز مبارک و در این محشر عظیم مردمی، طبق رویه‌ای که در سالهای گذشته در مثل چنین روزی داشته‌ایم، با استفاده از این فضای روحانی، موردی را از دهها مورد که در زندگی ما میتواند مطرح شود، مطرح میکنم و آن، اجتناب از اسراف و زیاده‌روی است. به برادران و خواهران مسلمانان در سراسر کشور



عرض میکنم که موضوع قناعت را جدی بگیرید. منظورم از قناعت این نیست که دست به نعمتهای الهی زنید و از آنها بهره‌مند نشوید. مقصود این است که حد و اندازه نگه دارید؛ زیاده‌روی و اسراف نکنید؛ نعمتهای الهی را ضایع ننمایید؛ که متأسفانه بسیاری میکنند. در جمهوری اسلامی، کسانی هستند که دستشان به نعمتهای الهی نمیرسد. نه به خاطر این که کم داریم. به خاطر این که بسیاری به خودشان حق میدهند که نعمتهای الهی را بیحساب و کتاب مصرف کنند؛ بیاندازه مصرف کنند؛ هیچ ملاحظه‌ای نکنند؛ هیچ حدی نگه ندارند و حتی نعمتهای الهی را ضایع کنند. چقدر نان ضایع میشود! چقدر غذای طبخ شده ضایع میشود! چقدر میوه مصرف نشده ضایع میشود و از خانه‌ها بیرون ریخته میشود! چقدر لباس زیادتر از اندازه لازم - چند برابر اندازه لازم - خریداری میشود و در خانه‌ها و صندوقها میماند، برای این که یک بار در مراسمی پوشیده شود! اینها اسراف است.

#### اسراف تضييع و تلف کردن نعمت است

میخواهم این مطلب را ملت عزیزمان بدانند که اسراف، فعل حرام است؛ گناه است؛ خلاف شرع است؛ آنجایی که اسراف باشد و اسراف مال و اسراف نعمتهای الهی انجام گیرد، تضييع و تلف کردن نعمت است. تصمیم بگیرید این کار را نکنید. البته خانواده‌های کم درآمد، شاید وسعشان هم نرسد که بخواهند اسراف کنند؛ اما خانواده‌های پردرآمد و حتی بسیاری از خانواده‌های متوسط، متأسفانه اسراف میکنند. من این جمله را عرض کردم، بر آن تأکید و پافشاری میکنم و خواهش‌مندم که ملت عزیزمان، این سخن را مورد توجه قرار دهند، به آن اهمیت دهند، برای آن حسابی باز کنند و سعیشان بر اسراف نکردن باشد.

## نگاهی به وصایای امیرالمؤمنین (علیه السلام)

- ❖ اهمیت توجه به وصیت امیرالمؤمنین (علیه السلام)
- ❖ وصایای امیرالمؤمنین (علیه السلام) در آخرین لحظات حیات مبارکش
- ❖ ۱- معنای تقوا و ضرورت توجه به آن
- ❖ ۲- ندویدن دنبال دنیا
- ❖ ۳- تأسف نخوردن بر عدم دستیابی به امکانات مادی
- ❖ ۴- گفتن حق
- ❖ ۵- کار و عمل تنها برای پاداش الهی و حقیقی
- ❖ ۶- خصم داشتن نسبت به ظالم
- ❖ ۷- کمک به مظلوم
- ❖ ۸- توصیه مجدد به تقوا و اقامه حکومت اسلامی
- ❖ ۹- اصلاح ذات البین
- ❖ ۱۰- توجه به یتیمان
- ❖ ۱۱- توجه به همسایگان
- ❖ ۱۲- توجه به مفاهیم قرآن و عمل به آن
- ❖ و...

## نگاهی به وصایای امیرالمؤمنین (علیه السلام) \*

### اهمیت توجه به وصیت امیرالمؤمنین (علیه السلام)

امروز روز بیست و یکم ماه رمضان و روز امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام است. گر چه اگر در دنیای اسلام و در تاریخ اسلام با چشم انصاف نگاه کنیم، همه روزها متعلق به علی بن ابیطالب علیه السلام است؛ لکن شیعه آن حضرت، امروز حال و هوای دیگری دارد. امروز یاد امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام بر همه چیز و همه جا گسترده است.

بنده، امروز به مناسبت یاد امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام، خطبه اول را به بیان وصیتنامه آن حضرت اختصاص داده‌ام. آن حضرت چند وصیت خطاب به امام حسن و امام حسین علیهما السلام دارد و گفته‌های آن بزرگوار به دیگران نیز، همه در زمره وصیتهای اوست.

امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام، بعد از ضربت خوردن در شب نوزدهم، وصیت کوتاهی دارد که آن را ان شاء الله امروز برای شما ترجمه می‌کنم. علت هم این است که هر کس سعی میکند لب افکار و روحیات و نظرات و منش خود را، در لحظات آخر زندگی، برای بهترین و امین‌ترین اشخاص بیان کند. امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام، اعجوبه خلقت است. مسلمان درجه اول است. تالیتلو نبی اکرم است. مقامات او در آسمانها معروفتر است تا در زمین. مریدان و محبتین او در بین ملائکه آسمانها بیشترند تا در بین انسانها. این انسان متصل به ملکوت؛ این عارف به همه معارف عالیه و راقیه الهی؛ این مجاهد درجه اول فیسبیل الله که «جاهد فی الله حق جهاده» - همان طور که شایسته جهاد بود، در همه مراحل زندگی، جهاد کرد - آن زاهد درجه یک، سیاستمدار درجه یک، زمامدار درجه یک، انسانی با این خصوصیات والا، از دنیا میرود.

وقتِ او تنگ است و آن بزرگوار، این ضیق وقت را پیش از ضربت خوردن هم میدانست. ضربت که زدند، معلوم شد.

ساعت‌های آخر عمر را میگذرانند و میخواهد به فرزندان، به اهل کوفه، به مسلمانان سرگشته آن روزگار و به همه تاریخ، پیامی را خلاصه کند و بدهد. آن پیام، در یک صفحه میگنجد و عباراتش خیلی دقیق انتخاب شده است. با چشم معمولی که نگاه کنیم، جملات این وصیت، گاهی ممکن است به نظر، ناهمخوان بیاید. یک جا مطلب بسیار مهمی را از نظر دیدها و تحلیلهای معمولی ما بیان میکند، بعد ناگهان مطلبی را که از نظر ما دارای اهمیت چندانی نیست، میگوید. اما دید علی بن ابی طالب، علیه الصلاة والسلام، دید الهی است؛ دید صائب است. مثل نگاه خداوند متعال به موجودات عالم است. کوچک و بزرگ در معیار خدایی و در دید علوی، با کوچک و بزرگ در دید ما، فرق دارد. لذا، اگر کسی با این دید نگاه کند - که البته دست ما کوتاه است و از دور تحلیل میکنیم - با همین تحلیل، آن وقت عبارات همخوان است. مطالب، بسیار دقیق تنظیم شده است. گوش کنید:

«و من وصیت له، علیه السلام، للحسن و الحسین علیهما السلام، لما ضربه ابن ملجم لعنه الله.» این وصیت را به امام حسن و امام حسین علیهما السلام کرد. آنها را خواست؛ با آنها سخن گفت و این کلمات را بعد از ضربت خوردن، بر زبان آورد. مجروح است و بدن ناز نینش بر اثر زهر، تبار شده است. ضعف و بیماری، مانع آدمهای معمولی از ادای کلام میشود؛ اما مانع کسی مثل علین ابی طالب علیه السلام نیست. باید در همین ساعات کوتاه، بین ضربت خوردن تا شهادت، که کمتر از چهل و هشت ساعت است، همه کارهای واجب و لازم و درجه یک را انجام دهد؛ و انجام داد. یکی همین وصیت بود؛ که چنین شروع میشود: «اوصیکما بتقوی الله.» بيمقدمه، اولین کلمه تقواست.

## 🕌 وصایای امیرالمؤمنین (علیه السلام) در آخرین لحظات حیات مبارکش

### 🕌 ۱- معنای تقوا و ضرورت توجه به آن

در آن هفته که این جا آمدیم، اجمالاً مطالبی راجع به تقوا عرض کردم. تقوا، یعنی همه چیز یک انسان؛ دنیا و آخرت یک ملت و زاد و توشه حقیقی این راه طولانی که بشر مجبور است آن را بپیماید. اول و آخر در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام، تقواست. میفرماید: «پسران من! مراقب خودتان باشید؛ در راه خدا و با معیار خدایی.» «تقوی الله» یعنی این. بحث ترسیدن از خدا نیست؛ که بعضی تقوا را به «خدا ترسی» معنا میکنند. «خشیه الله» و «خوف الله» هم ارزش دیگری است. اما این، تقواست. تقوا، یعنی مواظب باشید هر عملی که از شما سر میزند، منطبق بر مصلحتی باشد که خدای متعال برای شما در نظر گرفته است. تقوا چیزی نیست که کسی بتواند یک لحظه آن را رها کند. اگر رها کردیم، جاده لغزنده است، دره عمیق است؛ خواهیم لغزید و سقوط خواهیم کرد، تا باز جایی دستمان به مستمسکی، سنگی، درختی و بوته‌ای

گیر کند، و بتوانیم خودمان را بالا بکشیم. «ان الذين اتقوا اذا مسهم طائف من الشيطان تذكروا فاذا هم مبصرون.<sup>۱</sup>» وقتی که آدم با تقوا، مسّ شیطان را احساس کرد، فوراً به خود می‌آید و حواسش جمع میشود. شیطان که از ما دور نمیشود! پس، اولین وصیت، تقواست.

## ۲- ندویدن دنبال دنیا

دنبال تقوا، مطلبی دیگر است: «وان لا تبغيا الدنيا وان بغتكما.» دنبال دنیا ندوید، اگر چه دنیا دنبال شما بیاید. این هم نکته دوم. این هم از لوازم تقواست. البته همه کارهای نیک، از لوازم تقواست. از جمله، همین ندویدن دنبال دنیا. نمیگوید که «ترک دنیا کنید.» میگوید: «لا تبغيا.» دنبال دنیا حرکت نکنید. دنیا را طلب نکنید. در حقیقت، با تعبیر فارسی ما، چنین معنی میدهد که «دنبال دنیا ندوید.» دنیا یعنی چه؟ یعنی آباد کردن روی زمین؟ یعنی احیا کردن ثروتهای الهی؟ این است معنای دنیایی که گفتند طلب نکنید؟ نه! دنیا یعنی آنچه که شما برای خودتان، تمتعات خودتان و لذات خودتان میخواهید. این را دنیا میگویند. و الا، آباد کردن روی زمین، اگر با هدف خیر و صلاح بشریت انجام گیرد، عین آخرت است. این، همان دنیای خوب است. دنیایی که مذمت شده است و نباید دنبالش برویم، دنیایی است که ما را، نیروی ما، تلاش ما و همت ما را متوجه خود میکند و از راه بازمان میدارد. خودخواهی ما، خود پرستی ما، ثروت را برای خود خواستن و لذت را برای خود طلبیدن، دنیای مذموم و نکوهیده است.

البته این دنیا، نوع حرام دارد، نوع حلال هم دارد. این طور نیست که برای خود خواستن، همه نوعش حرام باشد. نه! حلال هم دارد. اما همان حلالش را هم گفته‌اند دنبالش نروید. اگر دنیا به این معنا شد، حلالش هم خوب نیست. هر چه بتوانید مظاهر زندگی مادی را در جهت خدا قرار دهید، سود کرده‌اید و بهره برده‌اید. و این معنای آخرت است. تجارت هم، اگر برای رونق دادن به زندگی مردم باشد و نه اندوختن سرمایه برای خود، عین آخرت میشود. همه کارهای دیگر دنیا، از همین قبیل است. پس، نکته دوم این است که دنبال دنیا ندوید و در طلب دنیا روانه نگردید.

## ۳- تأسف نخوردن بر عدم دستیابی به امکانات مادی

آنچه امیرالمؤمنین علیه‌السلام در این وصیت فرموده، خود، آئینه تمام‌نمای آن بوده است. زندگی آن حضرت را که نگاه کنید، خلاصه همین جملاتی است که در وصیت کوتاه او آمده است. «ولا تأسفا علی شیء منها زوی عنکما.» دیگر این که، اگر از همین دنیای به این معنا مذموم، چیزی به دست شما نرسید و از شما منع شد، تأسف نخورید. این که فلان ثروت را، فلان لذت را، فلان مقام و فلان امکان رفاه را ندارید، تأسف نخورید. این هم جمله سوم.

#### ۴- گفتن حق

جمله بعد: «وقولا بالحق». یا بر طبق نسخه‌ای «وقول الحق». فرق نمی‌کند. معنایش این است که «حق بگویند». حق را بگویند و کتمان نکنید. اگر چیزی به نظر تان حق بود، آن را در جایی که باید بیان کرد، بیان کنید. حق را مکتوم نگه ندارید. آن وقتی که زبانداریا حق را پنهان و احياناً باطل را آشکار کردند، یا باطل را به جای حق گذاشتند، اگر حق بینان و حقدانان، حق را بگویند، حق مظلوم نمیشود؛ حق به غربت نمی‌افتد و اهل باطل در نابود کردن حق طمع نمی‌بندند.

#### ۵- کار و عمل تنها برای پاداش الهی و حقیقی

جمله بعد: «وأملاً للاجر». برای پاداش - یعنی پاداش الهی و حقیقی - کار کنید. بیهوده کار نکن، ای انسان! این کار تو، این عمر تو و این نفس زدن تو، تنها سرمایه اصلی توست. این را بیخود از دست نده! اگر عمری میگذرانی، اگر عملی انجام میدهی، اگر نفسی میزنی و اگر قوتی را مصرف میکنی، این همه را برای پاداشی بکن. پاداش چیست؟ چند تومان پول، پاداش وجود انسان است؟! این پاداش عمری است که من مصرف میکنم؟! خوش آمدن فلان و بهمان، پاداش یک انسان است؟! خیر! «فلیس لانفسکم ثمن الا الجنة علی فلا تبیعوهابه غیرها»<sup>۲</sup> این، جمله‌ای از امام سجاد علیه‌الصلاة والسلام است که میفرماید: «مزد شما و بهای مناسب عمر شما، فقط بهشت است. هر چه کمتر بگیرید، سرتان کلاه رفته است. پس، برای اجر و پاداش اخروی کار کنید.»

#### ۶- خصم داشتن نسبت به ظالم

این هم عبارت بعد! آن وقت امام علی علیه‌السلام میفرماید: «وکونا للظالم خصماً و للمظلوم عوناً». خصم ظالم باشید. «خصم»، غیر از «دشمن» است. یک وقت کسی دشمن ظالم است؛ یعنی از ظالم بدش می‌آید و دشمن اوست. این، کافی نیست. «خصم او باش»، یعنی «مدعی‌اش باش». خصم یعنی «دشمنی که مدعی است»، «دشمنی که گریبان ظالم را را میگیرد و او را رها نمی‌کند. بشریت بعد از امیرالمؤمنین علیه‌السلام، تا امروز، به سبب نگرفتن گریبان ستمکاران، بدبخت و روسیاه شد. اگر دستهای با ایمان، گریبان ظالمان و ستمکاران را می‌گرفتند، ظلم در دنیا این قدر پیش نمی‌رفت؛ بلکه از بن برمی‌افتاد. امیرالمؤمنین این را میخواهد: «کونا للظالم خصماً». خصم ظالم باش. در دنیا، هر جا ظلم هست و ظالمی هست، تو که این جا هستی، خود را خصمش بدان. نمی‌گوییم «اکنون راه بیفت؛ و از این سوی دنیا به آن سوی دنیا برو و گریبان ظالم را بگیر». می‌گوییم «حتماً خصومت خودت را نشان بده. هر وقت و هر جا فرصتی دست داد، خصم او باش و گریبانش را بگیر». یک وقت انسان نمیتواند نزدیک ظالم برود و ابراز خصومت نماید؛ لذا از راه دور، مخاصمه میکند. ببینید امروز، به خاطر عمل نکردن به همین یک کلمه وصیت امیرالمؤمنین علیه‌السلام، در دنیا چه منجلابی ایجاد شده است و بشریت چه بدبختیهایی دارد! ببینید

۲. حکمت ۴۵۶ نهج البلاغه میفرماید: «لا حرّ يدع هذه اللماظة لاهلها؟ انه ليس لانفسکم ثمن الا الجنة فلا تبیعوهالا بها»

ملتها و بخصوص مسلمانان چه مظلومیتی دارند! اگر به همین یک وصیت امیرالمؤمنین علیه السلام عمل میشد، امروز بسیاری از ظلمها و مصیبت‌های ناشی از ظلمها، وجود نداشت.

#### ۷- کمک به مظلوم

«و للمظلوم عوناً.» هر جا مظلومی هست، به او کمک کن. نمیگوید «طرفدارش باش». نه! باید کمکش کنی. هر چه میتوانی و به هر نحو که میتوانی. تا این جا وصیت حضرت، خطاب به امام حسن و امام حسین علیهما السلام است. البته این حرفها مخصوص امام حسن و امام حسین علیهما السلام هم نیست. خطاب به آنهاست؛ اما اختصاص به همه دارد.

#### ۸- توصیه مجدد به تقوا و اقامه حکومت اسلامی

جملات بعدی وصیت را، امیرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام، عمومی میفرماید: «اوصیکما و جمیع ولدی.» به شما دو پسر و به همه فرزندانم وصیت میکنم. «و اهلی.» و به همه اهل و کسانم. «و من بلغه کتابی.» و به هر کس که این نامه من به او برسد.

با این حساب، شما که این جا نشستهاید و من که این وصیتنامه را برای شما میخوانم، همه مخاطب کلام امیرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام هستیم. میفرماید: «همه شما را وصیت میکنم.» به چه چیز؟ باز «بتقوی الله.» مجدداً «تقوا.» اولین و آخرین کلمه امیرالمؤمنین، علیه السلام تقواست. به دنبال آن: «و نظم امرکم.» نظم امرتان. یعنی چه؟ یعنی همه کارهایی که در زندگی میکنید، منظم باشد؟ معنایش این است؟ ممکن است معنایش این هم باشد. فرمود «نظم امورکم.» کارهایتان را منظم کنید. فرمود «نظم امرکم.» آن چیزی که باید منظم و محکوم نظم و انضباط باشد، «یک چیز» است. «نظم امور» فرموده است. فرموده است: «و نظم امرکم.» انسان میفهمد که این نظم امر، عبارت است از امری مشترک بین همه است. به نظر من میرسد که «نظم امرکم» عبارت از اقامه نظام و حکومت و ولایت اسلامی باشد. معنایش این است که با قضیه حکومت و نظام، منطبق با نظم و انضباط رفتار کنید و بلبشو نباشد.

دنیای اسلام بر اثر همان بلبشوها و به خودخوانیها بود که به آن روزگار رسید. اگر آن روز که امیرالمؤمنین علیه السلام زمام امور دنیای اسلام را به دست گرفت و امت اسلام، همه در آن روز با او بیعت کردند، بر آن بیعت میماندند، کار به نابسامانیها و تلخکامیها نمیکشید. پیغمبر فرموده بود: «اگر کسی امام شد و مردم او را پذیرفتند و مورد رضای خدا بود، کسی حق ندارد با او مخالفت کند.» اگر به همین جمله پیغمبر عمل میشد، آن جنگها پیش نمیآمد؛ نه جنگ جمل، نه جنگ صفین و نه جنگ نهروان. این که افرادی به میل و برای دل خود، مردم را متزلزل کنند (از این طرف بکش؛ از آن طرف بکش) و نظام حکومت را به هم بزنند و انضباط عمومی کشور را مختل کنند، همان بدبختی بزرگی است که امیرالمؤمنین علیه السلام در این عبارت از وصیتنامه، از آن نهی میکند و به خلاف آن امر میفرماید: «و نظم امرکم و صلاح ذات بینکم.»

## ۹- اصلاح ذات‌البین

سومین اصلی که در بخش دوم وصیت میفرماید، «اصلاح ذات‌بین» است. یعنی با هم خوب باشید. دلها باهم صاف باشد. اتفاق کلمه داشته باشید و اختلاف و جدایی میانتان نباشد. این جمله را که بیان میفرماید، یک شاهد نیز از کلام پیغمبر می‌آورد. پیداست که روی آن خیلی تکیه دارد و از آن می‌ترسد. نه این که صلاح ذات‌بین، اهمیتش بیشتر از نظم امر است؛ از باب این که صلاح ذات‌بین، آسیب‌پذیرتر است. لذاست که این عبارت را از پیغمبر نقل می‌کند: «فانی سمعت جد کما، صلی الله علیه و آله و سلم» یقول: از جدتان شنیدم که فرمود: «اصلاح ذات‌البین افضل من عامّة الصلوة والصّیام». صلاح ذات‌بین و صفای میان مردم از هر نماز و روزه‌ای بهتر است. نمی‌گوید «از همه نمازها و روزه‌ها بهتر است». میفرماید «از هر نماز و روزه‌ای بهتر است». شما میخواهید، دنبال نماز و روزه خود بروید. اما کاری هست که از هر دوی اینها، فضیلتش بیشتر است. آن چیست؟ آن، «اصلاح ذات‌البین» است. اگر دیدید جایی، در بین امت اسلامی، اختلاف و شکافی وجود دارد، بروید آن شکاف را پر کنید. این، از نماز و روزه، فضیلتش بیشتر است.

## ۱۰- توجه به یتیمان

بعد که این چند جمله را بیان فرمود، کلمات کوتاه، پرمغز و جانسوزی بیان کرد: «والله الله فی الایتام». یعنی «ای مخاطبین من! الله الله در یتیمان». «الله الله» ترجمه فارسی ندارد. ما در زبان فارسی، برایش معادل نداریم. اگر بخواهیم ترجمه کنیم، باید بگوییم «جان تو و جان خدا، در یتیمان». یعنی «هر چه میتوانید، به یتیمان برسید. مبادا فراموششان کنید!» خیلی مهم است. ببینید چقدر این انسان‌شناس خداشناس روانشناس دلسوز، نکته‌های ریز را میبیند! بله! رسیدگی به وضع یتیمان، فقط یک ترحم شخصی و عاطفه‌ای معمولی نیست. کودکی که پدرش را از دست داده، انسانی است که یکی از اساسی‌ترین نیازهایش را از دست داده است و آن، نیاز به پدر است. باید به گونه‌ای جبران کنید. گرچه نمیشود جبران کرد، اما باید مواظب باشید که جوان، نوجوان یا کودک پدر از دست داده، ضایع نشود. «والله الله فی الایتام. فلا تغبوا افواههم». مبادا بگذارید اینها گرسنگی بکشند! این طور نباشد که گاهی چیزی به اینها برسد و گاهی نرسد! «لا تغبوا» معنایش این است. از لحاظ وضع زندگی، به اینها برسید. «ولا یضیعوا بحضر تکم». مبادا اینها ضایع بمانند و با بودن شما، مورد بیاعتنایی قرار گیرند! اگر حضور نداشته باشید، بیاطلاعید؛ اما مبادا حضور داشته باشید و یتیمی - هر یتیمی - مورد بیاعتنایی و اهمال قرار گیرد! نباید هر کسی فقط دنبال کار خودش باشد و کودک یتیم، تنها بماند.

## ۱۱- توجه به همسایگان

جمله بعد: «والله الله فی جیرانکم». یعنی «الله الله در همسایگانتان!» موضوع همسایگی را کوچک نگیرید. امر بسیار مهمی است. یک پیوند عظیم اجتماعی است که اسلام به آن توجه دارد و طبق فطرت انسانهاست.



منتها در پیچ و خم تمدنهای دور از فطرت انسانی، این ارزشها گم شده است. بهمان فرد، چند سال در خانه‌ای زندگی میکند و نمیداند در همسایگیاش چه کسی ساکن است و چگونه زندگی رامیگذرانند! به نیازها و ضرورتها و اضطراها و بیچارگیهای افراد در هنگام بلاها و مشکلات، چه کسی باید رسیدگی کند؟ باید همسایگانتان را رعایت کنید. نه فقط از لحاظ بُعد اقتصادی و مالی - که آن هم البته مهم است - بلکه از همه جهات انسانی. آن وقت ببینید چه الفتی در جامعه به وجود می‌آید و چطور دردهای لاعلاج، دوا پیدا میکنند. «فانهم وصیة نبیکم». این، وصیت پیغمبر است، که: «ما زال یوصی بهم حتی ظننا انه سیورثهم». پیغمبر آن قدر سفارش همسایه را کرد که ما خیال میکردیم برایشان ارث معین خواهد شد!

### ۱۲- توجه به مفاهیم قرآن و عمل به آن

«والله الله فیالقرآن». الله الله در قرآن. «لایسبقکم بالعمل به غیرکم». مبادا دیگران مفاهیم قرآن را که اعتقاد به آن ندارند، عمل کنند و جلو بیفتند و شما که اعتقاد دارید، عمل نکنید و عقب بیفتید! یعنی همین امری که اتفاق افتاد! آنهايي که در دنیا جلو افتادند، با پشتکار، با دنبال گیری کار، با خوب انجام دادن کار، با صفاتی که خدای متعال آن صفات را دوست میدارد جلو افتادند، نه با فسادشان، با شرب خمرشان و یا با ظلمهایی که میکنند.

من مکرر عرض کرده‌ام: اگر برخی از صفات خوب و پسندیده در این کشورهای غربی، که علم را در دنیا پیشرفت دادند، نبود، آن پیشرفته‌ها پیدا نمیشد و همین ظلمی که به دیگران روا میدارند، نابودشان میکرد. صفات خوب، باعث ماندگاری و پیشرفت آنهاست. ما آن صفات را رها کرده‌ایم. آنها کارها را دنبال میکنند. برای وقت، ارزش قائلند، و به محصولی که میخواهند تولید کنند، اهمیت میدهند. اگر کار گرما، محصل ما، استاد ما، روحانی ما، بازاری ما، کشاورز ما و سایر اقشار، به خصوصیات مثبت و خوب عمل کنند، کشور یکبارہ گلستان خواهد شد. باید به صفات خوب و خصوصیات مثبت روی آوریم که این همان عمل به قرآن است. میفرماید: «مبادا دیگران در عمل به قرآن، از شما جلو بیفتند!» نه این که امیر المؤمنین علیه السلام نمیخواهد کسی به قرآن عمل کند. بلکه اگر همه دنیا به قرآن عمل کنند، آن حضرت، خوشحالتراست. میگوید مبادا آنهايي که به قرآن عقیده ندارند، به مفاهیم قرآن عمل کنند و بعد بر شما مسلط شوند. آنها جلو بیفتند و شما عقب بمانید.

### ۱۳- توجه به نماز

«والله الله فیالصلاة». فاتها عمود دینکم. «نماز پایه دین شماست. «و الله الله فی بیت ربکم». درباره خانه خدا، «لاتخلوه مابقیتم». تا هستید، نگذارید خانه خدا خالی بماند. «فانه ان ترک لم تناظروا». اگر خانه خدا ترک شود، شما مهلت داده نمیشوید (یا امکان زندگی نمییابید). از این عبارت، معانی مختلفی کرده‌اند.

### ۱۴- توجه به جهاد در راه خدا

«والله الله في الجهاد باموالكم وانفسكم والسنتكم في سبيل الله». یعنی الله الله در جهاد. مبدا جهاد در راه خدا را با مال و جان و زبان ترک کنید. این جهاد، همان جهادی است که امت اسلامی تا آن را داشت، ملت نمونه دنیا بود و وقتی آن را از دست داد، دلیل شد. نویسندگان مسیحی که در انجیلشان از قول مسیح نقل کرده‌اند که «اگر کسی به این طرف صورت سیلی زد، آن طرف را جلو بیار»، یعنی که «ما اصلاً اهل جنگ نیستیم و اهل صلح و سازش مطلق و مهربانی هستیم» - اینها شعارهایشان است. هنوز هم میگویند. هنوز هم از رو نرفته‌اند - شروع کردند به مسلمانان طعن زدن که «شما اهل جهادید. شما اهل جنگید. شما اهل شمشیرید. شما اهل خونریزی هستید». آن قدر گفتند و گفتند که مسلمانان را از رو بردند! آن وقت نویسندگان و دانشمندان مسلمان گفتند که «ما جهاد نداریم! در حقیقت جهاد ما، دفاع است!» خدای متعال میگوید: «جهاد کن!» دانشمند مسلمان میگوید: «جهاد، دفاع است!» خدا میگوید: «...اذا لقيتم الذين كفروا زحفاً فلا تولوهم الادبار. ۳»؛ به اینها پشت نکنید. با اینها مقاتله کنید: «قاتلوا الذين يلونكم من الكفار. ۴» نویسندگان مسلمان میگوید: «جهاد فی سبیل الله، جهاد نیست. تهاجمی نیست؛ تدافعی است!» این همه، عکس العمل تبلیغات مسیحیان است که از بس اسم «صلح و سازش» را آوردند و گفتند «جنگ و شمشیر کشی بد است و به کسی حمله نکنید»، مسلمانان اهل جهاد و عزتمند از جهاد را خانه نشین کردند. آن وقت خود آن آقایان اهل صلح، هر جا توانستند دمار از روزگار مسلمانان در آورند! کسانی که امروز در بوسنی هرزگوین و در حرم ابراهیمی - مسجد خلیل الرحمن - در فلسطین اشغالی، به کشتار مسلمانان کمر بسته‌اند، همانها هستند که از امریکا و اروپا آمدند. همین اروپاییها و امریکاییها و غربیهای هستند که یک عمر با مسلمانان سروکله زدند که «شما اهل جهادید. جهاد بد است.» آن وقت از جنگهای صلیبی به این طرف، مسیحیان به یک نحو، آنها را دیگر هم نحوی، هر چه توانستند با مسلمانان مبارزه کردند و جنگیدند و کشتند.

داستان این وقایع را ما نباید این جا بگوییم. خلاصه، داستان عجیبی است! کسی که تاریخ بخواند و کسی که تاریخ را بداند، از شرح چنین وقایعی خون میگیرد. هم به خاطر ظلمها، هم به خاطر دو روییها. این همه دم از صلح بزنند و این همه شمشیر و خنجر پنهان و آشکار داشته باشند؟! جهاد با همان شکل اسلامیاش - که البته حدودی دارد - ظلم نیست. در جهاد، تعدی و تجاوز به حقوق انسانها نیست. در جهاد، بهانه گیری و کشتن این و آن نیست. در جهاد، از بین بردن هر کسی که مسلمان نیست دیده نمیشود. جهاد، یک حکم الهی است که بسیار هم با عظمت است. اگر جهاد باشد، ملتها سربلند خواهند شد.

### ۱۵- ارتباط و کمک به هم

بعد میفرماید: «وعلیکم بالتواصل والتباضل». با هم ارتباط داشته باشید. به هم کمک کنید. بذل کنید.

«واياكم والتدابير والتقاطع.» به هم پشت نکنید. پیوندها را قطع نکنید.

### ۱۶- انجام امر به معروف و نهی از منکر

«لاتترکوا الامر بالمعروف والنهي عن المنکر.» امر بمعروف و نهی از منکر را، هرگز ترک نکنید که اگر ترک کردید «فیولئ علیکم شرارکم.» آن جا که نیکی، دعوت کننده و بدی، نهی کننده نداشته باشد، اشرار بر سر کار می آیند و زمام حکومت را در دست میگیرند. اگر مردم به مذموم شمردن بدها و بدیها عادت نکنند، بدها بر سر کار می آیند و زمام امور را در دست میگیرند. «ثم تدعون.» بعد شما خوبها دعا میکنید که «خدایا، ما از شرّ این بدها نجات بده!» «فلا يستجاب لکم.» خدا دعای شما را مستجاب نمیکند.

### ۱۷- مذمت انتقامجویی

این، وصیت امیر المؤمنین علیه السلام است که از اول تا آخر، حدود بیست موضوع از مهمترینها را دستچین و بیان فرموده است. بعد هم یک مطلب عمده اساسی و حساس را بیان میکند. آن مطلب عمده چیست؟ مسأله «انتقامجویی» است. فرمود: «یابنی عبدالمطلب! ای فرزندان عبدالمطلب و ای قوم و خویشهای من که خود را صاحب خون من میدانید! «لالفینکم تخوضون دماء المسلمین خوفاً.» مبادا بعد از من، به جان این و آن بیفتید؛ «تقولون قتل امیر المؤمنین.» به بهانه این که امیر المؤمنین کشته شده، با هر کس خرده حسابی دارید پای او را به میان بکشید و بخواهید پدرش را در آورید. «الا لا تقتلن بی الا قاتلی.» وقتی کشته شدم، بعد از من، فقط قاتلم را اعدام کنید و بس! «انظروا اذا انامت من ضربته هذه فاضربوه ضربتاً بضربة.» وقتی با این زخم از دنیا رفتم، او را فقط با یک ضربت از بین ببرید و قصاص کنید. یک ضربت، در مقابل یک ضربت. «ولا تمثلوا بالرجل.»

خوف این بود که بر سر آن مرد شقی خبیث - ابن ملجم - بریزند و تگه پاره اش کنند. لذا امیر المؤمنین علیه السلام، آن دل خدانشناس و خداجو و دقیق، مواظب این نکته هم بود که مبادا مردم به سراغ دشمن او بروند و از خشم و ناراحتی و جهت انتقام گیری، تگه پاره اش کنند. فرمود: «ولا تمثلوا بالرجل.» مبادا او را مثله و اعضای بدنش را قطع کنید! «فانی سمعت رسول الله، صلی الله علیه وآله وسلم، یقول: ایاکم والمثله ولو بالکلب العقور.» از رسول خدا شنیدم که فرمود: حتی سگ هار را هم تگه پاره و مثله نکنید؛ چه برسد به انسان.

این، آخرین وصیت امیر المؤمنین علیه السلام است و مخاطب این وصیت ماییم و باید به این وصیت عمل کنیم.

امیر المؤمنین علیه الصلاة والسلام این وصیت را فرمود و نمیدانم بعد از چند ساعت از دنیا رفت. این منبع حکمت و این انسان بزرگ، که در و دیوار کوفه و مسجد کوفه از کلمات حکمت آمیزش پر بود و یادگارهای او را آویزه گوش کرده بود و دردل داشت، درمثل دیشبی از دست مردم گرفته شد.



### شکایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله)

یک جمله دیگر هم در نهج البلاغه هست. آن را هم بنده بخوانم که در روز عزای امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام اگر خواستید، چشم شما به یاد آن بزرگوار قطره اشکی بریزد. این جمله در نهج البلاغه است که گویا خطاب به امام حسن علیه السلام، فرمود: «ملکتی عینی و آنجالس.<sup>۵</sup>» در شب نوزدهم، قبل از سحر، و قبل از آن که به مسجد روانه شوم، چشمم گرم شد. «فسنح لی رسول الله.» پیغمبر را در خواب دیدم. «فقلت: یا رسول الله! ماذا لقیتم من امتک من الأود و للدد.» به پیغمبر، از دست امت، شکایت کردم. امیرالمؤمنین، علیه السلام، در مقابل پیغمبر، مثل فرزندی در مقابل پدر است. او در آغوش پیغمبر بزرگ شده و پیغمبر، در همه ادوار، پدر او بوده است. اکنون هم که پیرمرد شصت و سه ساله‌ای است، وقتی پیغمبر را در خواب ببیند، باز همان احساس کودکی را در مقابل پیغمبر دارد. مثل کودکی است که نزد پدرش شکایت میکند.

باری! فرمود: «از دست امت، شکایت کردم.» «فقلت: یا رسول الله! ماذا لقیتم من امتک من الأود و للدد.» «عرض کردم: یا رسول الله! از دست امت تو، چه مصیبت‌ها کشیدم.» چه دشمنیها با من کردند، چه لجاجتها با من ورزیدند و چه سختیها از دست آنان کشیدم. در یک عبارت دیگر، چنین آمده است که «به پیغمبر عرض کردم: یا رسول الله! آنها از من خسته شدند، من هم دیگر از دست آنها خسته شده‌ام.» «فقال: ادع علیهم.» «پیغمبر فرمود: [علی جان! نفرینشان کن.» امیرالمؤمنین، علیه السلام، میخواهد امتی را که این قدر اذیتش کردند، نفرین کند. ببینید نفرین علی چیست: «فقلت: ابدلنی الله بهم خیراً منهم.» به جای آنها، بهتر از آنها را به من بدهد. «و ابدلهم بيشراً لهم منی.» و به جای من، کسی بدتر از من را به آنها بدهد! معنای جمله‌ها این است که «خدایا! مرگ علی را برسان.» و این دعا مستجاب شد.

### ذکر مصیبت شهادت امیرالمؤمنین (علیه السلام)

در مثل دیشبی، اصحاب، اطراف خانه امیرالمؤمنین علیه السلام را گرفتند. در این خصوص، روایت زیاد است. من در جایی ندیدم که نوشته باشند کودکان یتیم، با ظرفهای شیر، جلو خانه مولا صف کشیدند. اما بعید نیست. امر ممکن است؛ اگر چه جایی نوشته نشده باشد. وقتی شنیدند که امیرالمؤمنین علیه السلام شیر لازم دارد، هر کدام کاسه شیری تهیه کردند و برای آن حضرت آوردند. قدر مسلم این است که اطراف بیت ولایت از عاشقان علی محاصره شده بود، و همه میگریستند. یکدفعه امام حسن علیه السلام از خانه بیرون آمد و خطاب به مردم فرمود: «پدرم حال مناسبی ندارد. متفرق شوید.» و مردم متفرق شدند.

امیرالمؤمنین علیه السلام وصیت کرده است که بدن طیب و طاهر او را هنگام شب غسل دهند

و دفن کنند. به راستی در خاندان پیغمبر، عجب سنتی قرار داده شد! همان گونه که بدن فاطمه زهرا سلام الله علیها را شبانه غسل دادند و غریبانه در نیمه شب دفن کردند، بدن امیرالمؤمنین علیه السلام را نیز شبانه غسل دادند و غریبانه به خاک سپردند.

کسانی که سالها بر فراز منبرها، علی را لعن کردند، اگر میدانستند محل دفنش کجاست، بعید نبود بروند قبر را بشکافند و اهانتی به جسد مطهر امیرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام روا دارند. نیمه شب، بدن را برای تدفین بردند. چه کسانی بودند؟ لابد فرزندان امیرالمؤمنین علیه السلام و بعضی خواص اصحاب، جسد مطهر را بردند، دفن کردند و برگشتند. بنده با خود میاندم که در این قضایا، در این شهادت مظلومانه، در این تشییع مظلومانه، در این دفن مظلومانه، در خانه مصیبت زده علی، به چه کسی از همه سخت تر گذشت؟ به نظرم رسید که به زینب کبری سلام الله علیها از همه سخت تر گذشته است. زینب کبری سلام الله علیها پیش از آن، دفن مادر را در نیمه شب دیده بود و اکنون دفن پدر را در نیمه شب میدید. بعدها هم تشییع جنازه امام حسن علیه السلام را با آن وضع دید و تیرهایی را که به طرف جنازه آن حضرت پرتاب میشد. در روز عاشورا هم، آن منظره سهمگین و هولناک را دید که از همه سخت تر بود. و آن دم که فریاد بر آورد: «یا رسول الله! صلا علیک ملیک السماء: هذا حسینک مرمل بدماء و مقطع الاعضاء.» لاحول و لا قوه الا بالله العلی العظیم.

# پاداش ماه رمضان آمرزش گناهان گذشته

عید فطر، به مثابه روز جزا

پاداش ماه رمضان

خواستۀ امام سجاد (علیه السلام) از خداوند در

دعای بین نافله و فریضه صبح

در باره لبّ راجح

## پاداش ماه رمضان آمرزش گناهان گذشته \*

## عید فطر، به مثابه روز جزا

عید سعید فطر را به همه شما عزیزان نماز گزار و به همه ملت بزرگ ایران و به همه مسلمین عالم، تبریک عرض میکنم. روزی بزرگ، پس از روزها و شبهایی بسیار با عظمت است. امیرالمؤمنین، علیه الصلاة والسلام در یکی از خطبه های روز عید فطر چنین فرمود: «ایها الناس! ان یومکم، هذا یوم مثاب فیہ المحسنون (۱)»؛ ای مردم! امروز روزی است که در آن نیکوکاران پاداش و اجر خود را از خدای متعال میگیرند؛ اجر روزه، اجر عبادات ماه رمضان، اجر امساکها و جلوگیریها از هوای نفس. «و یخسر فیہ المبتلون»؛ و کسانی که حرکت و عمل نادرست داشته اند، در چنین روزی، خسارت بدکارگی خود را خواهند یافت. امروز، روز جزاست. «و هو اشفه یوم بیوم قیامکم»؛ امروز، شبیه روز قیامت است. «فاذکروا بخروجکم من منازلکم الی مصلّاکم، خروجکم من الاجداث الی ربکم»؛ از خانه که به طرف مصلای نماز عید فطر خارج میشوید، به یاد بیاورید هنگامی را که از قبرهای خود در روز قیامت خارج میشوید تا به طرف میدان عظیم قیامت و محل ثواب و عقاب الهی روانه گردید. «واذکروا بوقوفکم فی مصلّاکم و قوفکم، بین یدی ربکم»؛ در مصلّاه که برای نماز میایستید، به یاد بیاورید هنگامی را که در قیامت، در پیشگاه پروردگار ایستاده اید و برای حساب و کتاب آماده میشوید. «واذکروا برجوعکم الی منازلکم الی منازلکم فی الجنّه»؛ از مصلّاه که به خانه های خود برمیگردید، به یاد بیاورید وقتی را که از عرصه قیامت به سوی منازل بهشتی خود روانه میشوید تا در آنها سکنا گزینید.

## پاداش ماه رمضان

بعد فرمود: ای بندگان خدا! «آن ادنی ما للصائمین والصائمات»؛ کمترین پاداشی که خدای متعال برای مردان و زنان روزه‌دار در مثل امروز یا در مثل روز آخر ماه رمضان عطا خواهد کرد، این است که «ان ینادیهم ملک فی آخر یوم من شهر رمضان»؛ فرشته‌ای در آخرین روز ماه رمضان، آنها را مخاطب قرار دهد و گوید: «ابشروا عباده الله»؛ بشارت بر شما باد ای بندگان خدا! «فقد غفر لکم ما سلف من ذنوبکم»؛ گناهان شما آمرزیده شد.

این، پاداش ماه رمضان است. به یک روزه درست، یک عمل پر مغز و یک عبادت خالصانه و مخلصانه، در آخرین دقایق ماه رمضان و آخرین ساعات آن ماه عزیز، این گونه پاداش داده میشود: «فقد غفر لکم ما سلف من ذنوبکم». آمرزش گناهان گذشته، پاداش کمی نیست! «فانظروا کیف تکونون فی ما تستأنفون»؛ ببینید از امروز که میخواهید روزی نو را شروع کنید، چگونه شروع خواهید کرد. مبادا خیال کنید و با خود بگویید که «ما گناه کنیم، تا در ماه رمضان دیگر، آمرزیده شویم!» هیچ کس نمیداند که تا ماه رمضان دیگر زنده خواهد ماند یا نه. سال گذشته، در همین نماز عید و در همین مصّلی، کسانی حضور داشتند که امسال نیستند. سال آینده هم معلوم نیست کدام از ما باشیم و کدام نباشیم. به علاوه، گناهی که از روی تجرّی و تعمّد انجام گیرد، دل انسان را سیاه و تاریک میکند. از چنین انسانی، دیگر عبادت خالصانه، به آسانی سر نمیزند؛ تا گناه وی به خاطر آن عبادت آمرزیده شود. سعی کنید و سعی کنیم که از گناهان اجتناب نماییم و عمل صالح انجام دهیم. این است خصوصیتی که یک انسان را سعادت‌مند میکند.

## خواستۀ امام سجّاد (علیه السلام) از خداوند در دعای بین نافله و فریضه صبح

امروز، به مناسبت عید فطر و پس از این کلمات نورانی که از خطبه امیرالمؤمنین علیه الصّلاه و السلام نقل شد، یک نکته اخلاقی کوتاه را میخواهم عرض کنم. آن نکته این است که در یکی از دعاهای صحیفه سجّادیه - صحیفه ثالثه سجّادیه - در آخر دعایی که مابین نافله و فریضه صبح خوانده میشود، از امام سجّاد علیه السلام چنین نقل شده است: «اللهم الرزقنی عقلاً كاملاً و عزمًا ثاقباً و لباً راجحاً و قلباً زکياً و علماً کثیراً و ادباً بارعاً». آن حضرت، شش چیز از خدای متعال خواسته است. میفرماید: خدا! عاقل کامل، اراده نیرومند، لب راجح - که من روی این خواسته سوم میخواهم تکیه کنم - دل پاکیزه، دانش بسیار، و ادبی برجسته و درخشان به من عنایت کن!

## درباره لب راجح

نکته و خواسته سوم، «لب راجح» است. معنایش این است که «باطن و مغز کار من، از ظاهر و شکل کار من، بیشتر باشد». ببینید امام سجّاد، علیه السلام از خدا چه خواسته است! من میخواهم برای شما مردم مؤمن، برای ملت بزرگ ایران، برای دل‌هایی که به نور ایمان روشن شد و با سخن و عمل خود دنیایی را



روشن کرد، این نکته را تکرار کنم: «لباً راجحاً»

ما، دو نوع آدم داریم: یک نوع، آدمی است که هر چه هست، در ظاهر اوست. ظاهرش جذاب و چشمگیر و حیثاً خاشع کننده و خاضع کننده است. اما باطنش پوک و پوچ است؛ چیزی در او نیست. این، بدترین نوع آدمی است که می‌خواهد منشأ آثار بزرگ باشد. پناه بر خدا! اما یک نوع دیگر، آدمی است که باطن او بر ظاهرش ترجیح دارد. ظاهرش هر چه هست، باطن او بهتر و بیشتر از ظاهر، جذابیت دارد. امام سجاد علیه السلام به ما درس میدهد که از خدا بخواهیم آدمی از نوع دوم باشیم.

میدانیم که دعاها، فقط خواستن از خدا نیست؛ بلکه درس برای خود ما نیز هست. رباکاری، مالِ آدمِ نوعِ اول است. صومعه، از آن آدمِ نوعِ اول است. پوکی و بیمغزی، ویژه آدمِ نوعِ اول است. چنین آدمی، نه در جنگ به درد می‌خورد، نه در شدت به کار می‌آید و نه بارهای سنگین را میتواند بر دوش بگذارد. هر چه دارد، فقط ظاهر است! اما تربیت اسلامی، غیر از این است. تربیت اسلامی بر این مبناست که ظاهر را باید حفظ کنی، اما باطنت باید از ظاهر بهتر باشد. کسانی نگویند «ظاهر هر طور بود، بود. اصل، باطن است.» بله، اصل باطن است. اما ظاهر باید نمودار باطن باشد: «الظاهر عنوان الباطن.» (۲) ظاهر را هم باید درست کرد. هیچ کس نباید تظاهر به کار خلاف کند. اگر از عمل و سیمای کسی آثار عبادت خدا دیده و شناخته شود، تأثیر بسیار خوبی میگذارد. اما در همان حال، باید باطن از ظاهر، بهتر و سنگینتر باشد.

## فضائل ماه رمضان در دعای چهل و چهارم صحیفه سجادیه

- غنیمت شمردن فرصت توشه برداری از ماه رمضان
  - بهترین توشه ماه رمضان
  - ضرورت انس با صحیفه سجادیه
  - ماه رمضان راه نیل درک عظمت خدا
  - رمضان؛ ماه تسلیم نسبت به خدا
  - رمضان؛ ماه پاک کننده روح ها
  - رمضان ماه خالص شدن
  - گذرگاههای گمراهی انسان
  - قابل تغییر بودن رذایل اخلاقی انسان
  - مظلومیت ملت ایران
  - تذکر و توجه در ماه رمضان؛ جبران کرده‌های ناپسند
  - قدر دانستن ماه رمضان و توصیه به دعا کردن
- در این ماه

## فضائل ماه رمضان در دعای چهل و چهارم صحیفه سجادیه \*

### ❁ غنیمت شمردن فرصت توشه برداری از ماه رمضان

همه برادران و خواهران عزیز نمازگزار را به توشه برداری از این روز و این ماه دعوت می‌کنم. حقیقتاً اگر ما در این ایام پربرکت و ساعات مغتنم، با چشم باز و دل نورانی به روزها و شبها و دقائق نگاه کنیم، ارزش آنها را برای سعادت، معنویت، آینده و دنیای خود خواهیم دانست. چون این روزها و ساعات را، خداوند مالک الوجود و خالق الخلق که همه چیز متعلق به اوست، شرافت و ارزش بخشیده و ما را در استفاده از این ساعات و ایام و لیالی، مفتخر به اذن و هدایت خود فرموده است.

### ❁ بهترین توشه ماه رمضان

بهترین توشه‌ها در این ساعات با برکت، انس با خدای متعال، رو کردن به او، دل بستن به او، خواستن از او و سخن گفتن با اوست. عزیزترین چیزی هم که در این روزها و در این ماه از خدا می‌خواهید، «تقوا» باشد: «واسعدنی بتقواک و لا تشقنی بمعصیتک»<sup>۱</sup> «سعادت، در تقواست. دنیا، در تقواست. آخرت، در تقواست. فتح و پیروزی، در تقواست. و گشایش در همه امور و فرج الهی، در پرهیزکاری و تقواست. پس، از خدا بخواهیم که دل با تقوا به ما عنایت کند. یعنی به جای این که دل ما جذبِ هوسها و هواها شود و انگیزه‌های دنیایی و مادی و شخصی و حقیر، ما را به سوی خود جذب کند، اراده خدا جذمان سازد و محبت او، ما را به خود جذب نماید و این، بر همه کارهای ما، پرتو افکن باشد. این، توصیه اول خطبه بود.

\*. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه (خطبه اول) ۱۳۷۳/۱۱/۱۴

۱. اللهم اجعلنی اخشاک کانتی اراک و اسعدنی بتقواک و لا تشقنی بمعصیتک و جزلی فی قضائک و بارک لی فی قدرک حتی لا احبّ تعجیل ما آخرت و لا تأخیر ما عجلت... «فرازی از دعای عرفه امام حسین (علیه السلام) / مفاتیح الجنان

در خطبه اول، می‌خواهم سخنان مختصری در زمینه ماه مبارک رمضان - که امروز اولین جمعه آن است - عرض کنم و در خطبه دوم، در باب دهه مبارک فجر، که عید انقلاب، عید تاریخ ایران و عید امام بزرگوار است، به بیان مطالبی بپردازم.

### ❁ ضرورت انس با صحیفه سجادیه

در باب ماه رمضان، چند جمله از دعای چهل و چهارم «صحیفه سجادیه»، که مربوط به همین ماه است، انتخاب کرده‌ام و ان شاء الله، همین چند جمله را برای شما ترجمه می‌کنم. اما قبل از آن، خواهش می‌کنم عزیزان من، بخصوص جوانان، با صحیفه سجادیه انس بگیرند؛ زیرا همه چیز در این کتاب ظاهراً دعا و باطناً همه چیز، وجود دارد. امام سجّاد علیه‌الصلاة والسلام، در این دعا هم مثل بقیه دعاهای صحیفه سجادیه، با این که در مقام دعا و تضرع است و با خدای متعال حرف می‌زند، اما سخن گفتنش، کأنه از یک روال استدلالی و ترتیب مطلب بر دلیل و معلول بر علت، پیروی می‌کند. اغلب دعاهای صحیفه سجادیه - تا آن جا که بنده سیر کرده‌ام - همین حالت را دارد. همه چیز مرتب و چیده شده است. مثل این است که یک نفر، در مقابل مستمعی نشسته و با او به صورت استدلالی و منطقی حرف می‌زند. همان ناله‌های عاشقانه هم که در صحیفه سجادیه آمده است، همین حالت را دارد.

### ❁ ماه رمضان راه نیل درک عظمت خدا

در این جا نیز همین طور است. امام در اول دعای مورد اشاره می‌فرماید: «الحمد لله الذي جعلنا من اهله آ»؛ «ما را اهل حمد قرار داد.» ما از نعم الهی غافل نیستیم، و او را حمد و شکر می‌کنیم. او راههایی در مقابل ما باز کرده است، که به حمدش برسیم. همچنین، غایات و راههایی معین فرموده و ما را در این راهها به رفتن واداشته است.

بعد میرسد به این جمله: «والحمد لله الذي جعل من تلك السبل شهرة شهر رمضان»؛ «حمد خدای را که یکی از این راههایی که ما را به او؛ به کمال و به بصیرت نسبت به معدن عظمت میرساند، همین ماه رمضان است.» امام تعبیر میکند به «شهره»؛ یعنی «شهر خودش». شهر خدا را یکی از این راهها قرار داد. خیلی پر معناست. اگر فکر کنیم همه ماهها ماه خدا و مال خداست؛ وقتی که مالک همه وجود، بخشی از وجود را معین میکند و آن را به خود نسبت خاص میدهد، معلوم میشود نسبت به این بخش، توجه و عنایت ویژه‌ای دارد. یکی از این بخشها، همین «شهر الله» است؛ شهر خدا، ماه خدا. خود این نسبت، در فضیلت ماه رمضان، کافی است. «شهر رمضان، شهر الصيام و شهر الاسلام.» ماه روزه؛ ماهی که روزه آن، یکی از ابزارهای بسیار کار آمد برای تهذیب نفس است؛ چرا که در آن گرسنگی کشیدن و با هوسها و اشتهاها مبارزه کردن نهفته است.

### رمضان؛ ماه تسلیم نسبت به خدا

شهر اسلام، یعنی شهر «اسلام الوجه لدی اللّٰه»؛ «در مقابل خدا تسلیم بودن.» خوب؛ انسانی جوان است و وقتی روزه میگیرد، گرسنه است، تشنه است و تمام غرایز، او را به سمت هوس و اشتها میخواند. ولی او، در مقابل همه این غرایز میایستد. برای چه؟! برای اجرای امر پروردگار. و این، تسلیم در مقابل پروردگار است. در هیچ روزی از روزهای سال، یک مسلمان، به طور عادی، این همه در مقابل خدا تسلیم نیست که در روزهای ماه رمضان به طور عادی تسلیم است. پس، «شهر اسلام» شهر تسلیم است.

### رمضان؛ ماه پاک کننده روح ها

امام، در ادامه دعا میفرماید: «و شهر الطهور»؛ «شهر پاکیزه کننده است.» در این ماه، عواملی وجود دارد که روح ما را پاک و طاهر میکند. آن عوامل چیست؟ یکی روزه است؛ یکی تلاوت قرآن است و یکی دعا و تضرع است. این همه دعاها، ارزاق طیّبه و طاهره‌ای است از مائده‌های ضیافت الهی که خدای متعال در این ضیافت یک ماهه خود، مقابل مردم گذاشته است. مضمون کلام امام این است که خدا در این ضیافت، با روزه از شما پذیرایی میکند.

روزه یکی از مائده‌های الهی است. چنان که قرآن هم، در این ضیافت عظیم، یکی دیگر از مائده‌های الهی محسوب میشود. از این مائده‌ها، هر چه بیشتر استفاده کنید، بنیه معنویتان قویتر خواهد شد و خواهید توانست بارهای سنگین حرکت به سمت کمال و تعالی را راحت‌تر بکشید. آن گاه خوشبختی به شما نزدیکتر خواهد شد.

### رمضان ماه خالص شدن

بعد میفرماید: «و شهر التّٰمّٰحیص»؛ این ماه، ماه تمحیص است. «تمحیص» یعنی چه؟ یعنی خالص کردن. مقصود این است که در این ماه، ناب و خالص شویم.

عزیزان من! در وجود شما، زر ارزشمندی نهفته است که متأسفانه، در موارد بسیاری، این زر، با خاک، با مس و با اشیای کم قیمت، در هم آمیخته و مخلوط شده است. گنجی است در درون شما که در هم آمیخته با خار و خاشاک است. همه زحمت انبیای الهی برای این بود که من و شما بتوانیم آن زر، آن عنصر قیمتی را در وجود خودمان ناب و خالص کنیم و از بوته در آوریم. امتحانها و شدتها در دنیا برای این است. تکلیفهای سخت که خدای متعال به اشخاصی متوجه میکند، برای این است. مجاهدت در راه خدا، برای این است. شهید، که این قدر در راه خدا ارزش دارد، همه ارزشش برای این است که با آن مجاهدت بزرگ و نهادن جان در معرض فدا کردن، توانسته است خود را ناب و خالص کند؛ مثل خالص شدن طلا و بیرون آمدن از بوته.

این ماه، ماه خالص شدن است و اگر درست نگاه کنیم، خالص شدن در این ماه، از راههای دیگر خالص شدن، آسانتر است. ما با همین روزه و مبارزه کردن با نفس، میتوانیم خودمان را خالص کنیم. اغلب گمراهیهایی که وجود دارد، یا به خاطر گناهایی است که از ما سر میزند و یا به خاطر خصلتهای زشتی است که در وجود ما نهفته است. «ثم کان عاقبة الذین اسأوا السواى ان کذبوا بایات الله.»<sup>۳</sup> گناه، عاقبتش گمراهی است؛ مگر این که نور توبه در دل انسان بدرخشد. این که مدام به ما میگویند «اگر یک گناه کردید، پشت سر همان گناه توبه کنید. از تکرار گناه، پشیمان شوید و تصمیم بگیرید که دیگر گناه نکنید» برای این است که فرو رفتن در باتلاق گناه، کار خطرناکی است و گاهی انسان به جایی میرسد که دیگر راه برگشتی ندارد.

### گذرگاههای گمراهی انسان

یکی گناه است که وسیله گمراه شدن میگردد و یکی هم خصلتهای ناپسند است. خصلتهای زشت، بیشتر از گناهان فعلی به گمراهی انسان میانجامد. اگر ما در هر کار و هر حرف و هر عقیده‌ای، خودپرست و خودرأی باشیم، همدیگر را تخطئه کنیم و بگوییم «فقط من درست فهمیدم و من درست عمل میکنم»، آن گاه به هیچ مشورت و استدلال و منطقی اعتنا نکنیم و به هیچ حرف حقی گوش نسپاریم؛ اگر حسد در وجود ما چنان ریشه دوانیده باشد که به خاطر آن، زیبا را زشت ببینیم و حاضر نباشیم حقیقت درخشانی را در جایی تصدیق کنیم؛ اگر حبّ شهرت، حبّ مقام و حبّ مال، ما را از پذیرش حقیقت باز دارد، این جاست که پذیرای صفات خطرناک گمراه کننده شده‌ایم.

اغلب کسانی که میبینید در دنیا گمراه شدند، از این گذرگاهها گمراه شدند. والّا «کلّ مولود یولد علی الفطره.»<sup>۴</sup> پاکی در همه روحها وجود دارد، و همه وجدان حق بین دارند؛ اما این چشمه نورانی و درخشان را با هواهای نفسانی و خصلتهای زشت - که بعضی ارثی و بعضی کسبی است - گل اندود میکنند.

### قابل تغییر بودن ردایل اخلاقی انسان

در این خصوص میخواهم نکته‌ای به شما عرض کنم: علمای اخلاق، که در این رشته از رشته‌های دانش امروز بشری صاحب نظرند - اگر چه «اخلاق عملی» برای من و شما ارزش دارد؛ اما کسانی هستند که در علم اخلاق تخصص دارند - میگویند: حتی من و شما میتوانیم خلقیات ارثی را نیز تغییر دهیم و عوض کنیم. مثلاً تنبلی ذاتی، حرص ذاتی، بخل ارثی، حسد ارثی و لجبازی ارثی را میتوان تغییر داد. بعضی اشخاص لجبازند و هر چه انسان حقیقت را در مقابلشان قرار میدهد، روی موضع لجوجانه خود اصرار میکنند. چنین رویه‌ای، انسان را از حقیقت دور میکند. فرد لجوج، در ابتدای لجبازی، هنوز اندکی نور حقیقت را میفهمد و احساس میکند که کارش براساس لجبازی است. اما وقتی لجاجت وی تکرار شد، دیگر آن اندک نور حقیقت را هم نمیفهمد. در او، باطن و اعتقاد و عقیده‌ای دروغین به وجود می‌آید که اگر

به خود برگردد و تعمق کند، میبیند این که در ذهن اوست، عقیده نیست، «عن ظهر القلب» و از باطن جان، نیست. اما لجاجت نمیگذارد که او سرورش حقیقت و پیام معنویت و حق را به گوش جان بشنود. دیدید کسانی که در مقابل اسلام و انقلاب اسلامی و فرمایشات امام و حقانیت واضح و مظلومانه ملت ایران ایستادند و لجاجت کردند، چگونه این لجاجت به گمراهیشان انجامید!

### مظلومیت ملت ایران

به راستی چقدر ملت ایران مظلوم است! ای امیرمؤمنان! ای علیبن ابیطالب! ای مقتدرترین و مظلومترین انسان تاریخ! امروز در دنیا ملتی از پیروان تو زندگی میکند که مثل خود تو، مقتدرترین و مظلومترین است. ملت ایران، امروز قویترین ملتهاست. با یک محاسبه روشن میتوان پی برد که هیچ ملتی در دنیا، به این قوت نیست. آن محاسبه این است که ملتهای دنیا، با وجود اقتدار علمی و اقتصادی و صنعتی و برخورداری از بعضی خصلتهای خوب، مانند پشتکار و غیره، در مقابل هواهای نفسانی، حصار و مانع و رادعی درست و حسابی ندارند. اما ملت ایران، در سایه تمسک به دین و تقوا، هواهای نفسانی را از خود رانده است. جوان این ملت، در عنفوان جوانی، از لذتهایی چشم میپوشد که هیچ جوانی در ملتهای دیگر، از آنها روبرو نمیگرداند. در کجای دنیا چنین جوانانی سراغ دارید؟! ای منصفین دنیا و کسانی که نمیخواهید لجاجت کنید! شما را به خدا به این سؤال پاسخ دهید: شما در کجای دنیا سراغ دارید که جان سالم نبرومند، از شهوترانی به حرام که برای وی ممکن و میسر هم هست، چشم بپوشد؛ از لذتهای معمولی چشم بپوشد. امروز نه یک نفر، نه دو نفر و نه صد نفر و هزار نفر، بلکه جمع عظیمی از جوانان ملت ایران این گونه اند. البته جوانان شهوتران، هواپرست و بد هم داریم که آنها هم مثل بقیه جوانان دنیا هستند. اما آن طبقه جوان مؤمن، متذکر، خاشع، خاضع، اهل عبادت، اهل سلامت و اهل تقوایی که در همه جای ایران است، دیگر در کجای دنیا دیده میشود؟!

ملت ما، با این قدرت، در عین مظلومیت است. خیلی کسان، پیام مظلومیت این ملت را نشنیدند و به سبب لجاجت، حاضر نشدند حرف حقش را بشنوند. مسلماً لجاجت، گمراهی میآورد و شما بدانید که خصلتهای زشت بزرگ و عمده، از جاهای کوچکی شروع میشود.

### تذکر و توجه در ماه رمضان؛ جبران کرده‌های ناپسند

ماه رمضان، ماهی است که میشود با تذکر و توجه در آن، به جبران کرده‌های ناپسند پرداخت. در «دعای ابوحمزه»، عبارتی بسیار تکان دهنده وجود دارد؛ که آن عبارت، این است: «و اعلم أنّک للرجی بموضع اجابۀ و للملهوفین بمرصد اغائیة و انّ فی اللّهُف الی جودک و الرّضا بقضائک عوضاً من منع الباخلین و مندوحةً عمّا فی ایدی المستأثرین و انّ الراحل الیک قریب المسافۀ و أنّک لا تحتجب عن خلقک الاّ ان تحجبهم الاعمال دونک.»<sup>۵</sup> فرد دعا خوان و ثناگو، عرض میکند: «ای خدای من! من امید به تو را بر امید

به غير تو ترجيح دادم. پناه آوردن به تو را جايزگزين پناه بردن به ديگران كردم و ميدانم اگر كسي به سوي تو بيايد، راه نزديك است...»

### قدر دانستن ماه رمضان و توصيه به دعا كردن در اين ماه

هر جا هستيد، هر كه هستيد، در هر لباسي هستيد، در هر ستي هستيد؛ اي جوان! اي پسر و دختر جوان! اي مرد و زن ميانسال! اي پيرمردان و پيرزنان! اي فقرا! اي اغنيا! اي علما! اي متوسطاللسوادها! هر كه هستيد، اگر احساس نياز به خدا ميكنيد - كه هر انسان سالمی اين احساس را ميکند - بدانيد كه خدا نزديك است! يك لحظه دلتان را به خدا متوجه كنيد؛ جواب را خواهيد شنيد. ممكن نيست كسي با خدا از روي دل حرف بزند، ولي جواب الهی را نشنود! خدا به ما جواب ميدهد. وقتی ديديد دل شما ناگهان منقلب شد، اين همان جواب خداست. وقتی ديديد اشک شما جاري شد، وقتی ديديد روح شما به اهتزاز در آمد، وقتی ديديد طلب، با همه وجود از سر تا پای شما جاري شد، بدانيد اين همان پاسخ الهی است؛ اين همان جواب خداست و جواب بعدی هم اجابت است؛ اجابت اين خواسته‌ها ان شاء الله، كه در قرآن فرمود: «واسئلو الله من فضله». از خدا بخواهيد. «و ليس من عادتك ان تأمر بالسؤال و تمنع العطيّه». بگويد، سؤال كنيد، بخواهيد و مگر ميشود كه بخواهيد و ندهد؟! البته اقتضائات زمان و مكان و خصوصيات و نظاير آن هم، در خواستن از خدا مؤثر است.

غرض اين كه، ماه رمضان را قدر بدانيد و براي سعادت خود، تقواي خود، آينده خود و فرزندان خود؛ براي پيشرفت روزافزون اين ملت بزرگ و اين انقلاب عظيم؛ براي فتوح روح آن بزرگمردی كه همه اين اوضاع و احوال به برکت اراده، ايمان، تقوا و اقدام اوست - كه خداوند روح او را در ملكوت اعلى، با ارواح انبيا و اوليا محشور فرمايد - دعا كنيد.





کسب آمادگی در طول سال  
برای بهره بردن از ماه مبارک رمضان

- روز عید فطر، روز عرضه اعمال به خداوند
- کسب آمادگی پیش از ورود به ماه مبارک رمضان
- دنیا اردوگاهی بزرگ برای رسیدن به لقاءالله
- برنامه‌های آماده شده برای رسیدن به لقاءالله
- ماه رمضان فرصتی برای آماده سازی
- ورود به ماه رمضان با آمادگی زیاد جهت بهره‌وری بیشتر
- رعایت تقوا و توصیه آن به یکدیگر

## کسب آمادگی در طول سال برای بهره بردن از ماه مبارک رمضان \*

### روز عید فطر، روز عرضه اعمال به خداوند

عید سعید فطر را به همه مسلمانان جهان و ملت عزیز ایران و به شما خواهران و برادران نمازگزار، تبریک و تهنیت عرض میکنم. این روز، روز بزرگی است و متعلق به نبی اکرم، حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله و سلم و همه امت اسلامی در طول تاریخ است. روزی است که مسلمانان، بعد از گذراندن امتحان مهم سازنده تربیت کننده ماه مبارک رمضان، گویا در پیشگاه پروردگار عالم به حساب مینشینند و ماه رمضان خود را بر پروردگار خویش عرضه میکنند. در دعاهای شب و روز عید فطر، به این معنا اشاره شده است: «تَقَبَّلْ مِنَّا شَهْرَ رَمَضَانَ». ماه رمضان را در معرض قبول الهی قرار میدهند.

### کسب آمادگی پیش از ورود به ماه مبارک رمضان

یک نکته‌ی دیگر هم در روز عید فطر هست و آن تصمیم جدی برای آمادگی در طول سال، جهت حلول در ماه رمضان دیگر است. اگر کسی بخواهد در هر ماه رمضان، در ضیافت الهی وارد شود و اگر بخواهد در حوزه لیلۃ القدر و آن شبهای مبارک داخل گردد، باید از پیش خود را آماده کند. این آمادگی، آمادگی طول سال است که باید تصمیم آن را امروز بگیرید. بنا بگذارید که در سال آینده، در زندگی خود، آن چنان رفتاری داشته باشید که ماه رمضان، شما را بپذیرد و ضیافت الهی بر شما شیرین و مبارک شود. این، بزرگترین فیضی است که یک انسان میتواند ببرد و وسیله‌ای برای موفقیت در همه امور مربوط به دنیا و آخرت و مربوط به شخص و نزدیکان و جامعه اسلامی است.

### ❁ دنیا اردو گاهی بزرگ برای رسیدن به لقاء الله

برادران و خواهران عزیز! به این مطلب اجمالاً اشاره کنم که در این نشئه هستی در عالم دنیا، افراد بشر مثل کسانی هستند که برای گذراندن دورهای، به اردو گاهی برده میشوند. یک جمع دانش آموز یا نظامی یا اداری را در نظر بگیرید که برای آن که دورهای را بگذرانند و خود را به یک سطح عالی، ترقی دهند و چیزهایی فرا گیرند، آنها را به اردو گاهی میبرند و برایشان برنامه‌هایی میگذارند و وسیله زندگی در اردو گاه را فراهم میکنند و بعد از آن که این دوره را گذراندند و آنچه را که باید بفهمند، فهمیدند و آنچه را که باید به دست بیاورند، به دست آوردند، آنها را از اردو گاه بیرون میبرند تا در سطح بالاتری مشغول ادامه کار و زندگی شوند.

این جا، همان اردو گاه بزرگ است. هر روزی، هزارها هزار انسان، وارد این اردو گاه میشوند و هزارها هزار انسان، از این اردو گاه بیرون میروند تا خود را به مسیر هدف اصلی خلقت و سر منزل واقعی، نزدیکتر کنند.

### ❁ برنامه‌های آماده شده برای رسیدن به لقاء الله

برای مادر این اردو گاه، برنامه‌هایی قرار داده شده است که با آن میتوانیم خود را بالاتر ببریم و بسازیم و آماده ورود به سر منزل نهایی و حقیقی آفرینش انسان کنیم که همان لقاء الله است. ادیان، این برنامه‌ها را در طول زندگی، برای مردم معین کرده‌اند که چند گونه هم میباشد:

بعضی از این برنامه‌ها، از لحاظ معنوی و روحی و قلبی، رابطه انسان با خدای متعال را برقرار میدارد؛ مثل نماز و ذکر و توجه و تضرع و توسل به پروردگار و مثل بسیاری از عبادات دیگر.

بعضی از برنامه‌ها، اخلاقیات و ملکات انسان را تصحیح و عیوب را از روح انسان بر طرف میکند؛ مثل دستورهای اخلاقی که کبر و حسد و دنائت و لثامت و پستی و دروغ‌گویی و خیانت را از ما دور میکند و انسان را کریم و با معرفت و با سماحت و با محبت و آمیخته به خصال عالی انسانی میسازد.

بعضی از برنامه‌ها، روابط فردی و اجتماعی ما را با انسانهایی که در این جهان اردو گاه بزرگ هستند، تنظیم میکند. حتی رابطه ما با اشیاء و حیوانات را هم تعلیم داده‌اند و بعضی از تعالیم و برنامه‌ها، این رابطه را برای ما تنظیم میکنند.

بعضی از این برنامه‌ها، فضای زندگی را قابل زیست میسازد؛ مثل برنامه حکومت، تشکیل دولت، امر به معروف و نهی از منکر، دشمنی با ستمگران، خوبی و نیکی با مردمان صالح و مؤمن، کمک به اصلاح امور عمومی جهان و جامعه، کمک به از بین بردن فقر و دیگر برنامه‌هایی که مربوط به سطح جهان و محیط زندگی و جوامع است. مجموع این برنامه‌ها، در این اردو گاه بزرگ و در این دوران زندگی، برای من و شما گذاشته شده است.

علاوه بر اینها، در این محیط اردو گاه آموزشی تربیتی عظیمی که اسمش دنیاست، وسایل راحتی بشر هم گذاشته شده و به لذات جسمانی و جنسی او نیز توجه شده است؛ لذاتی که چشم و گوش و شامه و روح و عقل او را نوازش میدهد و او را خشنود میکند. اگر از این لذات، به شکل درستی استفاده شود، زندگی در این اردو گاه،



شیرین هم میشود؛ یعنی هم رشد و ترقی میکنیم و هم خود را به کمال نزدیک میسازیم و هم آمادهی ورود به سر منزل نهایی آفرینش میشویم و هم در این دنیا از لذایذ مباح خدا داده زندگی، استفاده میکنیم که فرمود: «قل من حرم زینة الله التي اخرج لعباده والطيبات من الرزق».

### ماه رمضان فرصتی برای آماده سازی

شما در ماه رمضان و در فرصتهای بزرگ عبادتی، در واقع برای آن که این مجموعه برنامه‌ها را درست انجام دهید، خود را آماده میکنید. کسی که این برنامه‌ها را درست انجام دهد و آنچه را بر او لازم است، بجا آورد و زندگی و رفتار خود را تصحیح کند، از هنگام بیرون رفتن از اردوگاه هم نمیترسد؛ چون دست او پُر است. در حلول ماه رمضان، بعد از هر نماز، مستحب است دعایی خوانده شود که در آن، این طور به پروردگار عرض شده است: «اللهم اصلح كل فاسد من امور المسلمين. اللهم سد فقرنا بغناك. اللهم غير سوء حالنا بحسن حالك». پروردگارا! بدی احوال ما را با نیکویی حال و لطف و فضل خود ترمیم و اصلاح کن. این را از خدا خواسته‌ایم. این، به دست خود من و شما هم هست.

### ورود به ماه رمضان با آمادگی زیاد جهت بهره‌وری بیشتر

باید مراقبت کنیم. باید در طول یازده ماه قبل از ماه رمضان، خود را آماده کنیم. اگر با آمادگی لازم، وارد ماه رمضان شویم، از ضیافت الهی بهره بیشتری خواهیم برد و برای سال آینده، یک درجه و یک سطح و یک کلاس بالاتر خواهیم رفت. آن وقت، هم در نفس و قلب خود و هم در محیط زندگی اجتماعی، آنچه شما را خشنود و راضی میکند، مشاهده خواهید کرد.

### رعایت تقوا و توصیه آن به یکدیگر

اساس برنامه تربیتی و همه برنامه‌های زندگی در اسلام، همین موارد است. هر کس باید واعظ خود باشد، خود را مراقبت کند، از تخطی خود مانع شود، امر به معروف و نهی از منکر هم بکند که آن امر خود به معروف و نهی خود از منکر و موعظه کردن خود، بر امر و نهی و موعظه دیگران مقدم است. این، همان تقوای الهی است که از ما خواسته‌اند. تقوا را مراقبت کنیم و به یکدیگر توصیه نماییم. من هم به شما برادران و خواهران توصیه میکنم که تقوای الهی را فراموش نکنید. بزرگترین محصول ماه رمضان، تقواست. آنچه را به دست آورده‌اید، حفظ کنید و برای سالهای آینده و ان شاء الله تا آخر عمر، افزایش دهید.

## ماه مبارك رمضان، ماه توبه و استغفار حقيقي و كارگشا

- روزه وسيله‌اي براي تقوا
- فواید استغفار
- استغفار، يکي از ارکان توبه
- ناکامی انسان بخاطر گناهان مرتکب شده
- اثرگذاري گناهان در مقابله با دشمن
- فراهم شدن حادثه و مصيبت، از گناهان
- اثرات معنوی گناه
- از خدا مغفرت بخواهيد
- استغفار کلید در توبه و مغفرت
- کسب استغفار با دور شدن از غفلت و غرور
- انسان غافل هرگز به فکر استغفار نمی افتد
- تقوا نقطه مقابل غفلت
- غفلت مانع اول استغفار
- غرور مانع دوم استغفار
- باز بودن راه توبه
- و...

## ماه مبارك رمضان، ماه توبه و استغفار حقیقی و کارگشا ❁

### ❁ روزه وسیله‌ای برای تقوا

ماه مبارك رمضان که ماه خدا و ماه توبه و تضرع و استغفار و استغاثه است، بر همه شما عزیزان و بر همه مسلمین عالم مبارك باد. در آغاز خطبه اول - که درباره برخی از شؤون این ماه، عرایضی خواهم داشت - همه شما نمازگزاران عزیز را به رعایت تقوای الهی دعوت میکنم که این ماه، ماه تقواست و روزه، وسیله‌ای برای تقواست و تقوا، ذخیره مؤمن - هم فرد مؤمن و هم جامعه مؤمن - برای دنیا و آخرت است. امیدواریم که خداوند در این ماه، از این ذخیره ارزشمند، به یکایک ما و به جامعه عظیم الشان ایران اسلامی عنایت فرماید و ما را از آن برخوردار کند.

در دعایی که در روزهای ماه مبارك رمضان وارد شده است، این طور میخوانیم که «و هذا شهر الانابة و هذا شهر التوبة و هذا شهر العتق من النار».<sup>۱</sup> ماه، ماه توبه و استغفار و بازگشت به خداست. امروز به همین مناسبت، در خطبه اول راجع به استغفار، عرایضی را مطرح میکنم.

### ❁ فواید استغفار

استغفار، یعنی طلب مغفرت و آمرزش الهی برای گناهان. این استغفار اگر درست انجام گیرد، باب برکات الهی را به روی انسان باز میکند. همه آنچه که یک فرد بشر و یک جامعه انسانی از الطاف الهی احتیاج دارد - تفضلات الهی، رحمت الهی، نورانیت الهی، هدایت الهی، توفیق از سوی پروردگار، کمک در کارها، فتوح در میدانهای گوناگون - به وسیله گناहانی که ما انجام میدهیم، راهش بسته میشود. گناه، میان ما و رحمت

\* بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران (خطبه اول) ۱۳۷۵/۱۰/۲۸

۱. المقنعة فی الفقه، ص ۳۳۳

و تفضّلات الهی، حجاب میشود. استغفار، این حجاب را برمی‌دارد و راه رحمت و تفضّل خدا به سوی ما باز میشود. این، فایده استغفار است. لذا شما چند جا در آیات قرآن ملاحظه میکنید که برای استغفار، فواید دنیوی و گاهی فواید اخروی، مترتّب دانسته شده است. مثلاً: «استغفروا ربکم ثم توبوا الیه ... یرسل السّماء علیکم مدرّاراً» و از این قبیل. همه اینها، این طور قابل فهم و قابل توجیه است که راه این تفضّلات الهی، به برکت استغفار، به سوی دل و جسم انسان و جامعه انسانی باز میشود. لذا استغفار مهم است.

### ❁ استغفار، یکی از ارکان توبه

خود استغفار، در واقع جزئی از توبه است. توبه هم یعنی بازگشت به سوی خدا. بنابراین، یعنی طلب آمرزش از خدای متعال. این، یکی از نعمتهای بزرگ الهی است. یعنی خداوند متعال، باب توبه را به روی بندگان باز کرده است، تا آنها بتوانند در راه کمال پیش بروند و گناه زمینگیرشان نکنند؛ چون گناه، انسان را از اوج اعتلای انسانی ساقط میکند. هر کدام از گناهان، ضربه‌ای به روح انسان، صفای انسانی، معنویت و اعتزاز روحی وارد می‌آورند و شفافیت روح انسان را از بین می‌برند و آن را کدر میکنند. گناه، آن جنبه معنویتی را که در انسان است و مایه تمایز انسان با بقیه موجودات این عالم ماده است، از شفافیت میاندازد و او را به حیوانات و جمادات نزدیک میکند.

### ❁ ناکامی انسان بخاطر گناهان مرتکب شده

گناهان در زندگی انسان، علاوه بر این جنبه معنوی، عدم موفقیت‌هایی را نیز به بار می‌آورند. بسیاری از میدانهای تحرّک بشری وجود دارد که انسان به خاطر گناهی که از او سرزده است، در آنها ناکام میشود. اینها البته توجیه علمی و فلسفی و روانی هم دارد؛ صرف تعبد یا بیان الفاظ نیست. چطور میشود که گناه، انسان را زمینگیر میکند؟ مثلاً در جنگ احد، به خاطر کوتاهی و تقصیر جمعی از مسلمین، پیروزی اولیه تبدیل به شکست شد. یعنی مسلمین، اول پیروز شدند، ولی بعد کماندارانی که باید در شکاف کوه می‌نشستند و پشت جبهه را نفوذناپذیر میکردند، به طمع غنیمت، سنگر خودشان را رها کردند و به طرف میدان آمدند و دشمن هم از پشت، آنها را دور زد و با یک شیبخون، حمله‌ای غافلگیرانه کرد و مسلمانان را تار و مار نمود. شکست احد، از این جا به وجود آمد.

### ❁ اثرگذاری گناهان در مقابله با دشمن

در سوره آل عمران، شاید ده، دوازده آیه و یا بیشتر، راجع به همین قضیه شکست است. چون مسلمانان از نظر روحی به شدت متلاطم و ناآرام بودند و این شکست برایشان خیلی سنگین تمام شده بود، آیات قرآن هم آرامشان میداد، هم هدایتشان میکرد و هم به آنها تفهیم مینمود که چه شد شما این شکست را متحمّل شدید و این حادثه از کجا آمد. بعد به این آیه شریفه میرسد که میفرماید: «انّ الذین تولّوا منکم



یوم التقی الجمعان آنما استزلهم الشیطان بعض ما کسبوا»<sup>۳</sup>. یعنی این که دیدید عده‌ای از شما در جنگ اُحد، پشت به دشمن کردند و تن به شکست دادند، مسأله اینها از قبل زمینه‌سازی شده بود. اینها اشکال درونی داشتند. شیطان اینها را به کمک کارهایی که قبلاً کرده بودند، به لغزش وادار کرد. یعنی گناهان قبلی، اثرش را در جبهه ظاهر میکند؛ در جبهه نظامی، در جبهه سیاسی، در مقابله با دشمن، در کار سازندگی، در کار تعلیم و تربیت، آن جایی که استقامت لازم است، آن جایی که فهم و درک دقیق لازم است، آن جایی که انسان باید مثل فولاد بتواند ببرَد و پیش برود و موانع جلو او را نگیرد. البته گناهانی که توبه نصوح و استغفار حقیقی از آنها حاصل نشده باشد.

در همین سوره، آیه دیگری هست که آن هم به صورت دیگری، همین معنا را بیان میکند.<sup>۴</sup>

### فراهم شدن حادثه و مصیبت، از گناهان

قرآن می‌خواهد بگوید، تعجبی ندارد که شما شکست خوردید و در جبهه جنگ، برایتان مشکلی پیش آمد. از این قبیل مسائل پیش می‌آید و قبلاً هم پیش آمده است. می‌فرماید: «و کأین من نبی قاتل معه ربیون کثیر فما وهنوا لما اصابهم فی سبیل اللّٰه و ما ضعفوا و ما استکانوا»<sup>۵</sup>. یعنی چه خبر است؟ شما از این که در جنگ اُحد، شکستی برایتان پیش آمده است و عده‌ای کشته شده‌اند، همه متلاطم و ناراحت شده‌اید و بعضیها احساس ضعف و یأس میکنند. نه؛ برای پیامبران قبلی هم در میدان جنگ حوادثی پیش می‌آمد که به خاطر آنچه که پیش می‌آمد، احساس ضعف و سستی نمیکردند. بعد می‌فرماید: «و ما کان قولهم الا ان قالوا ربنا اغفر لنا ذنوبنا و اسرافنا فی امرنا»<sup>۶</sup>. یعنی در گذشته، وقتی اصحاب و حواریون پیامبران، در جنگها و حوادث گوناگون، دچار مصیبتی میشدند، روی دعا به جانب پروردگار مینمودند و عرض میکردند: «ربنا اغفر لنا ذنوبنا و اسرافنا فی امرنا»؛ خدایا! گناهان و زیاده‌رویها و بیتوجهیهای را که در کار خودمان کردیم، بیامرز. این، در واقع نشان میدهد که حادثه و مصیبت، از آنچه که خود شما با گناهان فراهم کردید، ناشی میشود. این، مسأله گناهان است.

### اثرات معنوی گناه

پس ببینید! گناهانی که انسان انجام میدهد، این تخلفهای گوناگون، این کارهایی که ناشی از شهوترانی و دنیاطلبی و طمع‌ورزی و حرص ورزیدن به مال دنیا و چسبیدن به مقام دنیا و بخل نسبت به داراییهای موجود در دست آدمی و نیز حسد و حرص و غضب است، به طور قطعی دو اثر در وجود انسان میگذارد: یک اثر، معنوی است که روح را از روحانیت میاندازد، از نورانیت خارج میکند؛ معنویت را در انسان ضعیف میکند و راه رحمت الهی را بر انسان میبندد. اثر دیگر این است که در صحنه مبارزات اجتماعی، آن جایی که حرکت زندگی احتیاج به پشتکار و مقاومت و نشان دادن اقتدار اراده انسان دارد، این گناهان گریبان انسان را میگیرد و اگر عامل دیگری نباشد که این ضعف را جبران کند، انسان را از پا در می‌آورد. البته گاهی

ممکن است عاملهای دیگری مثل یک صفت و یا کار خوب در انسان باشد که جبران کند. بحث بر سر آن موارد نیست؛ اما گناه، فینفسه اثرش این است.

آن وقت، خدای متعال نعمت بزرگی به انسان داده که نعمت مغفرت است و فرموده است اگر شما از این کاری که کردید - که اثر این کار باید بماند - پشیمان شدید، باب توبه و استغفار باز است. شما با گناهی که مرتکب میشوید، مثل این است که زخمی به بدن خودتان زده و میکروبی را وارد بدنتان کرده باشید؛ بیماری اجتنابناپذیر است. اگر میخواهید اثر این زخم و این بیماری و این ضربه، در وجود شما از بین برود، خدای متعال بابتی باز کرده و آن باب توبه و استغفار و انابه و بازگشت به خداست. اگر برگردید، خدای متعال جبران خواهد کرد. این، نعمت بزرگی است که خدای متعال به ما داده است.

### از خدا مغفرت بخواهید

در دعای وداع ماه مبارک رمضان - که دعای چهل و پنجم صحیفه سجادیه است - امام سجّاد علیه الصّلاة و السّلام به ذات مقدّس ربوبی عرض میکند: «انت الّذی فتحت لعبادک باباً الی عفوک»؛<sup>۷</sup> تو آن کسی هستی که به روی بندگانت، دری به عفو خودت باز کردی. «و سمیته التوبه»<sup>۸</sup>؛ و اسم آن باب را باب توبه گذاشتی. «و جعلت علی ذلک الباب دلیلاً من وحیک لئلا یضلّوا عنه»<sup>۹</sup>؛ و یک راهنما هم از قرآن و وحی برای این در گذاشتی تا بندگان تو این در را گم نکنند. بعد از جملاتی میفرماید: «فما عذر من اغفل دخول ذلک المنزل بعد فتح الباب و اقامة الدلیل»<sup>۱۰</sup>؛ انسان، دیگر عذرش چیست که از این در گشوده و از این مغفرت الهی، استفاده نکند! راه مغفرت الهی هم، استغفار - یعنی طلب مغفرت - است. از خدا باید مغفرت را بخواهید.

### استغفار کلید در توبه و مغفرت

حدیثی از نبی مکرم اسلام دیدم که ایشان فرموده‌اند: «ان الله تعالی یغفر للمذنبین الا من لا یرید ان یغفر له»<sup>۱۱</sup>. یک روز، پیامبر به اصحابش این طور فرمود که خدای متعال گناهکاران را میآمرزد؛ مگر آن کسی را که خواسته نیامرزد. بعد اصحاب سؤال میکردند: «قالوا یا رسول الله من الذی یرید ان لا یغفر له»؛ آن کسی که خدای متعال میخواهد او را نیامرزد، کیست؟ «قال من لا یستغفر»؛ آن کسی که استغفار نمیکند. پس، استغفار کلید در توبه و مغفرت است. با استغفار، میشود آمرزش الهی را به دست آورد. استغفار، این قدر اهمیت دارد. استغفار، یعنی طلب مغفرت از خدا.

دو، سه نکته کوتاه در این باره عرض کنم، شاید ان شاء الله وسیله‌ای شود که ما در این ماه رمضان، استفاده کنیم و یک مقدار به خدای متعال برگردیم و از این باب رحمت گشوده الهی بهره ببریم که این برای دنیا و آخرت ملت و جامعه ما و پیشرفت در این میدانهای گوناگونی که در مقابل ماست، بسیار لازم و مفید است.

### ❁ کسب استغفار با دور شدن از غفلت و غرور

یک مطلب این است که اگر بخواهیم استغفار - این نعمت الهی - را به دست بیاوریم، دو خصلت را باید از خودمان دور کنیم: یکی غفلت و دیگری غرور. غفلت، یعنی انسان به کلی متوجه و متنبه نباشد که گناهی از او سر میزند؛ مثل بعضی از مردم. حالا عرض نمیکنم بسیاری - کار به کم و زیادش ندارم - ممکن است در بعضی از جوامع، کمتر باشند. به هر حال، این نوع آدمها در دنیا و در میان افراد انسانها هستند که غافلند و گناه میکنند؛ بدون این که متوجه باشند خلافی از آنها سر میزند. دروغ میگویند، توطئه میکنند، غیبت میکنند، ضرر میرسانند، شرّ میرسانند، ویرانی درست میکنند، قتل مرتکب میشوند، برای انسانهای گوناگون و بیگناه پاپوش درست میکنند، در افقهای دور تر و در سطح وسیعتر، برای ملتها خوابهای وحشتناک میبینند، مردم را گمراه میکند، اصلاً متنبه هم نیست که این کارهای خلاف را انجام میدهد. اگر کسی به او بگوید که گناه میکنی، ممکن است از روی بیخیالی، قهقهه‌ای هم بزند و تمسخر کند: گناه؟ چه گناهی!

بعضی از این افراد غافل، اصلاً به ثواب و عقاب عقیده‌ای ندارند. بعضی به ثواب و عقاب هم عقیده دارند؛ اما غرق در غفلتند و اصلاً ملتفت نیستند که چه کار میکنند. اگر این را در زندگی روزمره خودمان قدری ریز کنیم، خواهیم دید که بعضی از حالات زندگی ما شبیه حالات غافلان است. غفلت، دشمنی بسیار عجیب و خطر بزرگی است. شاید واقعاً برای انسان، هیچ خطری بالاتر و هیچ دشمنی بزرگتر از غفلت نباشد. بعضیها، این طورند.

### ❁ انسان غافل هرگز به فکر استغفار نمی‌افتد

انسان غافل هرگز به فکر استغفار نمی‌افتد. اصلاً به یادش نمی‌آید که گناه میکند. غرق در گناه است؛ مست و خواب است و واقعاً مثل آدمی است که در خواب حرکتی انجام میدهد. لذا اهل سلوک اخلاقی، در بیان منازل سالکان در مسلک اخلاق و تهذیب نفس، این منزل را که انسان میخواهد از غفلت خارج شود، منزل «یقظه»، یعنی بیداری میگویند.

### ❁ تقوا نقطه مقابل غفلت

در اصطلاحات قرآنی، آن چیزی که نقطه مقابل این غفلت است، تقواست. تقوا، یعنی بهوش بودن و دائم مراقب خود بودن. اگر از آدم غافل دهها گناه سر میزند و اصلاً حس نمیکنند که گناه کرده است؛ آدم متقی، در ست نقطه مقابل اوست. اندک گناهی هم که میکند، فوراً متذکر میشود که گناه کرده است و به فکر جبران می‌افتد. «انّ الذین اتقوا اذا مسهم طائف من الشیطان تذکروا»<sup>۱۲</sup> به مجرد این که شیطان از کنارش عبور میکند و باد شیطان به او میخورد، فوراً حس میکند که شیطان زده شده و دچار اشتباه و غفلت گردیده است؛ «تذکروا»: به یاد می‌افتد. «فاذا هم مبصرون»؛ چنین آدمی، چشمش باز است.

### ❖ غفلت مانع اول استغفار

عزیزان من؛ برادران و خواهران! هر که هستید ملتفت باشید. این خطاب، فقط به یک عده مردم خاص نیست که بگوییم مثلاً افراد کم‌اطلاع، کم‌سواد و یا جوان و کم‌سن، به آن توجه کنند. نخیر؛ همه باید ملتفت باشند. علما، دانشمندان، برجستگان، شخصیتها، بزرگان، کوچکان، پولداران، فقیران، همه باید ملتفت باشند که حداقل گاهی غفلت گریبان آنها را میگیرد و غافل میشوند. اصلاً گناه از آنها سر میزند و ملتفت نمیشوند که گناه انجام میدهند. خطر بسیار بزرگی است.

این گناهی که من و شما انجام میدهیم، ملتفت نمیشویم و چون نمیدانیم گناه کرده‌ایم، از آن گناه توبه و استغفار هم نمیکنیم. بعد روز قیامت که میشود، چشم ما که باز شد، آن وقت میبینیم، عجب چیزهایی در نامه اعمال ماست! انسان تعجب میکند، کی من این کارها را انجام دادم؛ اصلاً یادش نیست. این، گناه غفلت و اشکال آن است. پس، یک مانع استغفار، عبارت از غفلت است.

### ❖ غرور مانع دوم استغفار

مانع دوم، غرور است. اندک کار کوچکی که انسان انجام میدهد، مغرور میشود. در تعبیرات دعا و روایت داریم که «لاغرتر بالله». در دعای چهل و ششم صحیفه سجّادیه که روزهای جمعه خوانده میشود، عبارتی وجود دارد که خیلی تکان دهنده است. میفرماید: «و الشقاء الاشقی لمن اغترَبک<sup>۱۳</sup>»؛ بالاترین شقاوتها، متعلق به کسی است که به تو مغرور شود. «ما اکثر تصرفه فی عذابک و ما اطول تردده فی عقابک و ما ابعد غایته من الفرج و ما أقنطه من سهوله المخرج». کسی که مغرور میشود - به تعبیر این روایت - دچار حالت «اغترار بالله» میگردد. غرور، این گونه است. مغرور، خیلی دور از آبادی است، خیلی دستش کوتاه از رهایی و سلامتی است. چرا؟ به خاطر این که اندک کار کوچکی که انجام داد، دو رکعت نمازی که خواند، مثلاً خدمتی برای مردم انجام داد، پولی در فلان صندوق انداخت، یا کاری در راه خدا انجام داد، فوراً مغرور میشود که ما دیگر پیش خدای متعال، کار خودمان را درست کردیم و حساب خودمان را ساخته و پرداخته نمودیم و احتیاج به چیزی نداریم! این را به زبان نمیآورد، اما در دل او این گونه میگذرد.

### ❖ باز بودن راه توبه

مراقب باشید، این که خدای متعال باب توبه را باز کرده و فرموده است من گناهان را میآمرزم، معنایش این نیست که گناهان، چیزهای کم و کوچکی هستند؛ نه. گاهی گناهان، همه وجود حقیقی انسانی را ضایع میکنند، از بین میبرند و یک انسان در مرتبه عالی حیات انسانی را به یک حیوان درنده کثیف پلید بیارزش تبدیل میکنند. گناه، این گونه است. خیال نکنید گناه، چیز کمی است. همین دروغگویی، همین غیبت کردن، همین بیاعتنایی به شرافت انسانها، همین ظلم کردن - ولو با یک کلمه - گناهان کم و کوچکی نیست.

لازم نیست که اگر انسان میخواهد احساس گناه کند، حتماً بایستی سالهای متمادی غرق در گناه شده باشد. نخیر؛ یک گناه هم، یک گناه است؛ نباید گناه را کوچک دانست. در روایات، باب «استحقار الذنوب» داریم که حقیر شمردن گناهان را مذمت کرده‌اند. علت این که خدای متعال میفرماید: «می‌آمرزیم»، این است که بازگشت به خدا، خیلی مهم است؛ نه این که گناه، کم و کوچک است. گناه، عمل بسیار خطرناکی است؛ منتها بازگشت و توجه به خدا و ذکر او، این قدر اهمیت دارد که اگر کسی این را صادقانه و درست و حقیقی انجام دهد، آن وقت آن بیماری صعب‌العلاج، از بین می‌رود. بنابراین، اغترار و مغرور شدن به کار نیک - کار نیکی که ما خیال می‌کنیم کار نیک است؛ ولی ممکن است آن قدرها هم نیک نباشد، یا چندان اهمیت نداشته باشد - موجب میشود که شما سراغ استغفار نروید.

### 🕌 زمانی که انسان میتواند استغفار کند

امام سجّاد در دعای دیگری به خدا عرض میکند: «فأنت یا الهی فاهل ان لا یغترّ بک الصّدیقون».<sup>۴</sup> ببینید واقعاً چه بیان و چه معرفتی در این دعا وجود دارد! راه، این است. ایشان میفرماید، صدیقین هم که مقام بالایی از مقام بندگی انسانها را دارند، باید مغرور نشوند به این که ما راه خدا را درست رفتیم و دیگر احتیاج به کار و تلاش نداریم. نخیر؛ «ان لا یغترّ بک الصّدیقون». این هم مانع استغفار است. اگر غفلت نبود، «اغترار بالله» هم نبود، خودفریبی و خودشگفتی هم نبود، آن وقت انسان استغفار میکند.

### 🕌 طلب آمرزش حقیقی و تصمیم در ترک گناه

نکته بعدی این است که استغفاری کار گشاست که استغفار حقیقی و جدّی و حقیقتاً طلب باشد. فرض بفرمایید شما گرفتاری بزرگی دارید و میخواهید رفع این گرفتاری را از خدای متعال بخواهید. مثلاً خدای نکرده، عزیزی از عزیزان شما دچار مشکلی است؛ راههای عادی را هم رفته‌اید، ولی نتوانسته‌اید آن مشکل را حل کنید؛ حالا به پروردگار عالم متوسل شده‌اید و دعا و تضرّع میکنید. ببینید! انسان در آن حال که فرضاً فرزند یا عزیزی از عزیزانش دچار بیماری است و در خانه خدا رفته و حال دعا پیدا کرده است، چگونه از خدا طلب میکند؟ آمرزش گناهان را این گونه از خدا طلب کنید. حقیقتاً آمرزش را طلب کنید و تصمیم داشته باشید که آن گناه را دیگر انجام ندهید.

البته انسان ممکن است تصمیم هم داشته باشد که گناه را انجام ندهد، باز دچار لغزش شود و انجام دهد؛ باز دوباره توبه میکند. اگر انسان صد بار هم دچار توبه‌شکنی شد، باز دفعه صدویکم، باب توبه باز است. منتها شما که توبه و استغفار میکنید، از اول نباید تصمیم داشته باشید که حالا ما استغفار میکنیم، باز می‌رویم دوباره همان کار غلط و خلاف را انجام میدهیم! این که نشد.

### استغفار، یعنی برگشت انسان

روایتی دیدم که از قول یکی از ائمه این طور فرموده است: «من استغفر بلسانه و لم یندم بقلبه فقداستهزی بنفسه»؛<sup>۱۵</sup> کسی که به زبان استغفار میکند، اما در دل از گناه پشیمان نیست و خیلی هم خوشحال است که این گناه را انجام داده است - به زبان میگوید: «استغفرالله» - این آدم خودش را مسخره میکند. این، چگونه استغفاری است؟! این، استغفار نیست. استغفار، یعنی انسان برگردد، واقعاً به طور جدّ از خدای متعال بخواهد که او را به خاطر این کار خلاف ببخشد. چطور انسان تصمیم دارد که باز همان کار خلاف را انجام دهد؟ آیا رویش میشود که از خدای متعال، طلب بخشش کند؟

سبحه در کف، توبه بر لب، دل پُر از شوق گناه

معصیت را خنده میآید بر استغفار ما!

این، چطور استغفار کردنی است؟! این استغفار، کافی نیست. استغفار باید جدّی و حقیقی باشد. استغفار، مخصوص یک عده آدمهای معین هم نیست که بگوییم کسانی که خیلی گناه کردند، استغفار کنند؛ نه. همه انسانها - حتی در حدّ پیامبر - باید استغفار کنند. «لیغفر لک الله ما تقدم من ذنبک و ما تأخر». <sup>۱۶</sup> پیامبر هم باید استغفار کند.

### استغفار از گناهان اخلاقی

استغفار، یا از گناهی است که ما انجام داده‌ایم، یا از گناهان اخلاقی است. اگر فرض کنیم که یک انسان، هیچ گناهی هم انجام نداد؛ نه دروغ، نه غیبت، نه ظلم، نه خلاف، نه شهوترانی، نه اهانت به کسی، نه تعدّی به مال مردم - البته این طور آدمها، خیلی کمند - اما بسیاری از همین طور آدمهایی که این گونه گناهان جوارحی را هم ندارند، مبتلا به گناه جوانحی - گناه اخلاقی - هستند. اگر همین آدمی که هیچ گناهی نمیکند، وقتی که میان مردم راه می‌رود، نگاه کند و بگوید: این بیچاره مردم، همه مشغول گناهند؛ ولی ما الحمدلله خودمان را نگهداشتیم و گناه نمیکنیم - خود را بالاتر از آنها به حساب بیاورد - این خودش یک گناه و یک تنزل و یک سقوط میشود و استغفار لازم دارد. تحقیر انسانها، خود را بالاتر از دیگران دانستن، کار خود را ارزشی بیش از ارزش کار مردم دادن، یا بعضی از صفات اخلاقی زشت دیگری که در انسانها هست - مثل حسد و طمع و خود بزرگ بینی - اینها استغفار لازم دارد.

اگر فرض کنیم، انسانی است که این گناهان را هم ندارد؛ ولی مثلاً در باب علم توحید، پیش نرفت. در این صورت، یک قصور است و باید استغفار کند. باب علم توحید و معرفت به پروردگار، باب محدود و راه بن بست است؛ راه بینهایت است که همه انبیا و اولیا، در این راه مشغول پیشرفت و تکامل نفس و فراهم کردن معرفت بیشتر نسبت به ذات مقدّس پروردگار و صفات کمالیه حضرت حقّند. هر مقداری که این گونه افراد، در این راه پیش نرفتند، یک قصور و یک عقب ماندگی و یک ناتوانی معنوی است که استغفار لازم دارد.

### استغفار حقیقی امام سجاد (علیه السلام)

استغفار، برای همه است. لذا ملاحظه میکنید که ائمه علیهم السلام در این دعاها، چه سوز و گدازی دارند. بعضی خیال میکنند که امام سجاد این سوز و گداز را کرده است، برای این که به دیگران یاد بدهد. بله؛ یاد دادن به دیگران که هست - هم در شکل و هم در مضمون کار - اما اصل قضیه این نیست. اصل قضیه، آن حالت طلب خود این بنده صالح و انسان والا و بزرگوار است. این سوز و گداز، متعلق به خود اوست. این اظهار تضرع پیش پروردگار، متعلق به خود اوست. این ترس از عذاب خدا و میل به تقرب الی الله و رضوان الهی، متعلق به خود اوست. این استغفار و طلب از خدا، واقعاً متعلق به خود اوست. ممکن است مثلاً توجه به مباحات در زندگی - لذت‌های مباح، کارهای مباح - در نظر انسانی که در آن حد از علو درجه است، یک نوع سقوط و انحطاط محسوب شود. دلش میخواست که در چارچوب ضرورت‌های مادی و جسمانی قرار نمیداشت و همین نیم نگاه را هم به مباحات و به مسائل عادی زندگی نمیکرد و در راه معرفت و در آن وادی بینهایت به سوی رضوان الهی و بهشت معرفت الهی، بیشتر پیش میرفت. وقتی چنین چیزی نشده است، پس استغفار میکند. بنابراین، استغفار برای همه است.

### اغتنام ماه رمضان برای استغفار

عزیزان من! ماه رمضان را برای استغفار مغتنم بشمارید و از خدای متعال طلب مغفرت کنید. ملت ما با این روحیه فداکاری، با این استقامتی که نشان داده، با این کار بزرگی که کرده است، با جوانان نورانی و خوبی که دارد (این جوانان با این تعداد، غیر از جامعه ما، قطعاً در هیچ جای عالم وجود ندارد) با این زنان و مردان و مادران و فداکارهای گوناگونی که از این مردم سرزده است، استعداد پیشرفت زیادی در زمینه‌های مادی و معنوی، دنیایی و اخروی دارد. این ملت، با استغفار، رحمت الهی را به سوی خود جلب کند. همه استغفار کنید. آن کسانی که اهل عبادتند، آن کسانی که در امر عبادت متوسطند، آن کسانی که حتی کاهل در کار عبادتند و فقط به اقل واجبات اکتفا میکنند، آن کسانی که حتی گاهی خدای نخواستہ بعضی از عبادت واجب هم از آنها ترک میشود، همه و همه توجه داشته باشند که این رابطه بین آنها و خدا، کار را پیش میبرد. از خدای متعال، آمرزش و مغفرت بخواهید و طلب عفو کنید. از خدا بخواهید که مانع گناه را بردارد؛ این ابر را از مقابل خورشید فیض و لطف و تفضلات خودش برطرف کند، تا لطفش بر این دلها و جانها بتابد. آن وقت ببینید که تعالی و اعتزازی به وجود خواهد آمد.

## حفظ پاک دامانی و پاکیزگی روح، بعد از ماه مبارک رمضان

- روز عید فطر روز طهارت و تزکیه
- فطریه موجب طهارت روح از آلودگیها
- حفظ طهارت و پاکیزگی به دست آمده در ماه رمضان
- نیاز جهان بشریت به پیام تزکیه
- جوانها بیشتر از دیگران قدر دان طهارت باشند
- همه مواظب اعمال خود باشند



## حفظ پاک دامانی و پاکیزگی روح، بعد از ماه مبارک رمضان \*

### روز عید فطر روز طهارت و تزکیه

عید سعید فطر را به همه مسلمانان عالم و بخصوص به مردم عزیز و شریف و مؤمن و مجاهد ایران اسلامی و به شما نمازگزاران و به ویژه به ایثارگران، خانواده‌های شهیدان معظم، جانبازان عزیز، آزادگان، مفقودان و خانواده‌های آنها تبریک عرض میکنم.

آن طوری که از مجموع آنچه مربوط به عید فطر و عید قربان است، استفاده میشود، این روز شریف، روز طهارت و تزکیه و پاکی و پاکیزگی است. در یکی از این دو سوره‌ای که در نماز عید خوانده میشود، میفرماید: «قد افلح من تزکی» (۱) یعنی آن کسی که خود را پاکیزه کند و دامن و روح و دل خود را از آلودگیها نجات دهد، از فلاح برخوردار است. فلاح، یعنی موفقیت در میدان زندگی و رسیدن به هدف آفرینش. در سوره رکعت دوم میفرماید: «قد افلح من زکیها» (۲)؛ عیناً همان مضمون است. یعنی کسی که بتواند جان خود را تزکیه و پاکسازی کند، به فلاح و رستگاری دست یافته است. در هر دو سوره، صحبت از تزکیه و طهارت و پاکیزگی است.

### فطریه موجب طهارت روح از آلودگیها

علاوه بر اینها، در این روز، یک واجب مالی وجود دارد که عبارت از ادای زکات فطر است. زکات هم آن تعبیه مالیای است که موجب طهارت انسان میشود: «خذ من اموالهم صدقة تطهرهم و تزکیهم بها» (۳). گرفتن این واجب و این صدقه مالی از مردم، موجب طهارت روح و پاکسازی آنها از دنائتها و لغامتها و حرص و بخل

و بقیه آلودگیهاست.

### 🕌 حفظ طهارت و پاکیزگی به دست آمده در ماه رمضان

عزیزان، برادران و خواهران من؛ نماز گزاران عزیز! پس، روز عید فطر، روز طهارت و پاکیزگی است. ممکن است این پاکیزگی، به خاطر آن باشد که یک ماه روزه گرفته‌اید، ریاضت کشیده‌اید و خود را از آلودگیها پاک کرده‌اید. ممکن است علاوه بر این، به خاطر آن باشد که در چنین روزی، با حضور در این میدان عبادت، به عبادت دستجمعی روی آورده‌اید. به هر حال، مسأله این است که انسان مسلمان بعد از ماه رمضان در روز عید فطر، در عرصه طهارت و تزکیه است.

شما خود را تطهیر و تزکیه کردید. اگر روزه درست و نماز عید درست بجا آورده باشید - که البته آورده‌اید - این طهارت و این پاکیدامان و این پاکیزگی روح را قدر بدانید. آنچه یک انسان را نجات میدهد، همین پاکیزگی است. آنچه انسانها را گرفتار میکند، آلودگی است؛ آلودگیهای اخلاقی، آلودگیهای ناشی از شهوت و غضب، آلودگیهای ناشی از حرص و بخل و دیگر ذمائم اخلاقی. انسانها و افرادی از بشر، با همین اخلاق پلید، دنیا را تیره و تار کرده، روی زمین را آلوده ساخته و نعمتهای خدا را کفران نموده‌اند.

### 🕌 نیاز جهان بشریت به پیام تزکیه

در نظام جمهوری اسلامی - که نظام الهی و حکومت قرآنی است - انسانها بهتر از دیگر نظامها میتوانند طهارت خود را تأمین کنند. این را قدر بدانید. امروز جهان بشریت، به پیام تطهیر و تزکیه شما احتیاج دارد. این ظلم و زورگویی و تبعیضی که در سطح جهان است، این تیره روزی انسانها در بسیاری از کشورها، این سردرگمی جوانان در کشورهای پیشرفتهی دنیا، این روابط نامناسب زن و مرد، این آلودگیهای شهوانی، این آلودگیهای سیاسی و این آلودگیهای مالی، بر اثر آن است که انسانها در صدد تطهیر و تزکیه خود بر نیامده‌اند. قرآن، ندای تزکیه میدهد. پیامبر مقدس اسلام، انسانها را تطهیر میکند؛ هم با نمازش، هم با زکاتش، هم با روزه گرفتنش و هم با عید فطرش.

### 🕌 جوانها بیشتر از دیگران قدر دان طهارت باشند

در نظام اسلامی، این فرصت برای همه هست. جوانان عزیز من! پسران و دخترانی که دوران پاکیزگی و نورانیت دلها و جانها را میگذرانید! شما بیش از دیگران باید قدر دان این طهارت باشید و آن را حفظ کنید. کشور شما به فضل پروردگار و به برکت همین طهارت است که آباد و آزاد خواهد شد، توسعه پیدا خواهد کرد، ویرانیهایش از بین خواهد رفت و فقر و تبعیض و بدبختی و ناملایمهای گوناگون زندگی در آن، محو خواهد شد.

### همه مواظب اعمال خود باشند

همه باید به سمت خدا حرکت کنند، دست را به سوی خدا دراز کنند، از او کمک بخواهند، سعی کنند که دامن خود را پاک نگهدارند و از آلودگیها پرهیز نمایند. آن کسانی که در مسائل مالی اشتغال دارند، در خطر آلودگی مالی هستند. آن کسانی که در کارهای سیاسی و اجتماعی مشغول کارند، در خطر آلودگیهای آن چنانی هستند. آن کسانی که در معرض شهوات قرار دارند، در خطر آلودگیهای جنسی و شهوانی هستند. آن کسانی که زبردستانی دارند، در خطر آلودگی به ظلم و ستم هستند. آن کسانی که کاری در دست آنهاست، در خطر آلودگی به خیانت در کار هستند.

همه باید مراقب باشند. همه باید مواظب اعمال خود باشند و این مراقبت، همان تقواست که در نماز عید فطر، ما مأمور شده ایم که خودمان و مستمعان را امر به تقوا کنیم.

## روزه، ابزار تزکیه و تربیت

- تقوای الهی، هدف روزه
- تعلیم و تزکیه هدف همه انبیاء
- تمام عبادات و تکالیف ابزار تزکیه و تربیت
- روزه یعنی امساک بانیت خدایی
- نیت، شرط روزه
- مبارزه با نفس محور همه عبادات
- روزه تمام اعضاء و جوارح
- روزه نفس
- اغتنام فرصت ماه رمضان برای رسیدن به خدا

## روزه، ابزار تزکیه و تربیت \*

### تقوای الهی، هدف روزه

آنچه که امروز در خطبه اول عرض میکنم، اولاً توصیه همه شما برادران و خواهران عزیز به تقواست. هدف از روزه، تقوای الهی است و یکی از بزرگترین دستاوردهای ماه مبارک رمضان است. امیدوارم من و شما بتوانیم به برکت این ماه، در رفتار خود، در گفتار خود، در احساسات و اندیشه‌های خود، تقوای الهی و آن مراقبت عظیم را حاکم کنیم و خود را یک قدم به کمال انسانی نزدیک سازیم. بعد هم صحبت کوتاهی درباره روزه است که وظیفه عمده در این ماه مبارک به حساب می‌آید.

### تعلیم و تزکیه هدف همه انبیاء

خدای متعال بشر را طوری آفریده است که به تربیت احتیاج دارد. هم از بیرون باید او را تربیت کنند، هم از درون خودش باید خودش را تربیت کند. در مقوله مسائل معنوی، این تربیت، یکی تربیت فکر و قوای عقلانی اوست که محل این تربیت، تعلیم است و یکی تربیت نفس و قوای روحی و قوه غضبیه و شهویه اوست که نام این تربیت، تزکیه است.

اگر انسان تعلیم درست و تزکیه درست شود، همان ماده مستعدی است که در کارخانه مناسبی شکل مطلوب خود را پیدا کرده و به کمال رسیده است. هم در این نشئه وجود او منشأ برکت و خیر و مایه آبادی جهان و آبادی دل‌های انسانهاست، هم وقتی وارد نشئه دیگر شد و به عالم آخرت قدم گذارد، سرنوشت او همان سرنوشتی است که همه انسانها از اول تا امروز مشتاق آن بوده‌اند؛ یعنی نجات، زندگی ابدی

سعادت‌مندان و بهشت. لذا انبیا از اول تا نبی مکرم خاتم صلی الله علیه و آله سلم، هدف خود را تعلیم و تزکیه معین کرده‌اند: «یزکیهم و یعلمهم الكتاب والحکمة». انسانها را، هم تربیت عقلانی و فکری میکنند و هم تربیت روحی.

### تمام عبادات و تکالیف ابزار تزکیه و تربیت

تمام عبادات و تکالیف شرعیای که من و شما را امر کرده‌اند تا انجام دهیم، در حقیقت ابزارهای همین تزکیه یا همین تربیت است؛ برای این است که ما کامل شویم؛ ورزش است. همچنان که اگر ورزش نکنید، جسم شما ناتوان، بی‌قدرت و آسیب‌پذیر خواهد شد و اگر بخواهید جسم را به قدرت، به زیبایی، به توانایی، به بروز قدرتها و استعدادهای گوناگون برسانید، باید ورزش کنید. نماز، ورزش است؛ روزه، ورزش است؛ انفاق، ورزش است؛ اجتناب از گناهان، ورزش است؛ دروغ نگفتن، ورزش است؛ خیرخواهی برای انسانها، ورزش است. با این ورزشها، روح زیبا و قوی و کامل میشود. اگر این ورزشها انجام نگیرد، ممکن است به ظاهر خیلی پسندیده به نظر بیاییم؛ اما باطنمان یک باطن ناقص و نحیف و حقیر و آسیب‌پذیر خواهد بود. روزه، یکی از این ورزشهاست.

### روزه یعنی امساک با نیت خدایی

روزه فقط این نیست که انسان نخورد و نیاشامد. این نخوردن و نیاشامیدن، باید از روی نیت باشد، والا اگر شما یک روز به خاطر گرفتاری و یا اشتغال به کار، دوازده ساعت، پانزده ساعت فرصت نکنید چیزی بخورید، هیچ ثوابی به شما نخواهند داد. اما همین امساک را وقتی با نیت انجام دادید - «اجعلنا ممن نوى فعمل»؛ نیت کند و به دنبال آن، عمل انجام دهد - این همان گوهر درخشانی میشود که به شما ارزش میبخشد و روحتان را قیمتی میکند.

### نیت، شرط روزه

شرط روزه، نیت است. نیت یعنی چه؟ یعنی این عمل را، این حرکت را، این امساک و تمرین را، جهت دادن برای خدا، در راه خدا، به خاطر انجام دستور الهی. این است که به هر کاری ارزش میبخشد. لذا در دعای شب اول ماه مبارک میخوانید که: «اللهم اجعلنا ممن نوى فعمل ولا تجعلنا ممن شقى فکسل»<sup>۱</sup>. کسالت، بی‌ رغبتی و بینشاطی برای کار - چه کار معنوی و چه کار مادی - شقاوت است.

روزه، یکی از بهترین کارهاست. با این که به ظاهر اقدام نکردن است؛ اما در باطن اقدام است، عمل است، کار مثبت است. چون شما نیت این کار را دارید؛ لذا از هنگامی که وارد صحنه روزه‌داری میشوید - یعنی از بعد از لحظه طلوع فجر - تا آخر روز به طور دائم به خاطر این نیت، در حال عبادتید. اگر هم بخوابید، عبادت میکنید. همین طور راه بروید، عبادت میکنید.

این که از قول نبی اکرم علیه و علیاً له الصّلاة والسلام نقل شده است که فرمود: «انفاسکم فیہ تسبیح و نومکم فیہ عبادۃ<sup>۱</sup>»؛ خوابیدن و نفس کشیدن شما عبادت است، خواب چطور عبادت میشود؟ نفس کشیدن چطور «سبحان الله» گفتن میشود؟ این به خاطر آن است که شما بیکار هم که باشید، هیچ اقدامی هم که نکنید، چون با این نیت وارد این وادی شده‌اید، یکسره در حال عبادتید.

در روایت دیگر میفرماید: «نوم الصائم عبادۃ و صمته تسبیح<sup>۲</sup>»؛ سکوت هم که میکنید، مثل این است که «سبحان الله» میگویید. و «عمله مقبّل و دعائه مستجاب<sup>۳</sup>»؛ عمل شما مقبول، و دعایتان مستجاب است. سکوت شما عبادت است، نفس کشیدن شما عبادت است، خوابیدن شما عبادت است. چرا؟ چون شما این امساک و این دست کشیدن از بخشی از لذات جسمانی را، برای خدا در یک مدّت سی روزه - ماه رمضان - تجربه میکنید.

### مبارزه با نفس محور همه عبادات

همه این عبادت و دیگر عبادات، برگرد این محور میگردد که انسان با مشتتهیات نفسانی و با لذایذی که انسان را به پستی میکشانند و برده میکنند، مبارزه کند. افسار گسیخته کردن نفس انسانی، هنر نیست. هر چه در توان داری لذّت ببری، برای انسان کمال نیست؛ این از مقوله حیوانیت است. انسان هم یک جنبه حیوانی دارد؛ تقویت جنبه حیوانی است. البته جنبه حیوانی هم جزو ماست و نخواستند که ما آن را نداشته باشیم. خوردن، آشامیدن، استراحت کردن، لذّت مباح بردن، جزو وجود ماست؛ اشکال هم ندارد و کسی آنها را منع هم نکرده است. آنچه ممنوع است، این است که انسان در این جنبه غرق شود. مادّ بگری، انسان را به غرق شدن در این جنبه میکشاند. ادیان و روشهای عقلانی عالم - که روش الهی، مبتنی بر پایه‌های عقلانی است - جلو انسان را میگیرد، تا در این سرایش لذّت ببری از لذایذ و مشتتهیات زندگی، اختیار خود را از دست ندهد و فرو نغلتد. هر دعوتی که انسان را به لجام گسیختگی در لذّت بکشاند، دعوت به آتش و دعوت به بدبختی و هلاکت است. به طور کلی، دعوت انبیا، دعوت حکما، دعوت‌های الهی، در جهت کفّ نفس از این لذایذ است، که روزه هم از این قبیل است. به همین خاطر است که در روایات ما، ماه رمضان یک صحنه مناسب شمرده شده است؛ برای این که انسان در این ماه تمرین کند و مجموعه گناهان را ترک گوید.

### روزه تمام اعضاء و جوارح

یک روایت از امام صادق علیه الصّلاة والسلام است که خطاب به «محمّد بن مسلم» میفرماید: «یا محمّد! اذا صمت فلیصم سمعک و بصرک و لسانک و لحمک و دمک و جلدک و شعرک و بشرک<sup>۴</sup>». امام صادق به این یار و شاگرد نزدیک خودشان میفرمایند که وقتی روزه میگیری، باید شنوایی تو روزه گیر باشد، بینایی تو روزه بگیرد، زبان تو روزه بگیرد، گوشت و خون و پوست و موی و بشره تو روزه دار باشد؛ دروغ نگویی،

انسانهای مؤمن را دچار بلا نکنی، دل‌های ساده را اغوا نکنی، برای برادران مسلمان و جامعه اسلامی توطئه درست نکنی، بدخواهی نکنی، بددلی نکنی، تهمت نزنی، کم‌فروشی نکنی، امانتداری کنی. انسانی که در ماه رمضان با کفِ نفس خود، از خوردن و آشامیدن و مشتهیاتِ نفسانی و جنسی روزه میگیرد، باید زبان خود، چشم خود، گوش خود، و همه اعضا و جوارح خود را روزه‌دار بداند و خود را در محضر خدای متعال و دوری گزیده از گناهان بینگارد. دنباله روایت میفرماید: «ولایکون یوم صومک کیوم فطرک»؛ روز روزه تو، مثل روز فطر تو نباشد؛ مثل روزهای عادی باشد. روز ماه رمضان هم همان‌گونه رفتار کنی که در روزهای عادی رفتار کردی. باید به تربیت نفس توجه کنی و این فرصت را مغتنم بشماری.

### روزه نفس

در یک روایتی دیگر میفرماید: «صوم النفس امساک الحواس الخمس عن سائر المأثم». از امیرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام نقل شده است که روزه نفس، غیر از روزه جسم و روزه شکم است. روزه نفس انسان این است که همه حواس پنجگانه او از گناهان امساک کنند. «و خلّو القلب من جمیع اسباب الشر»؛ دل از همه موجبات و اسباب شرّ و فساد خالی شود. با خدای متعال و با بندگان خدا، دل را صاف و بیغلّ و غش کنیم. در این جهت، روایات زیادی هست.

### اغتنام فرصت ماه رمضان برای رسیدن به خدا

برادران و خواهران عزیز! از این فرصت استفاده کنیم. ماه رمضان یک فرصت بسیار مغتنم است، برای این که خودمان را به خدا نزدیک کنیم، به کمال نزدیک کنیم، از مفاصد دور کنیم، از گناهان پاک کنیم. این دعاهایی که در این ماه هست، این استغفاری که در این ماه مستحب است، همه فرصت است؛ مبدا این فرصتها از دست برود. این ماه رمضان به زودی تمام خواهد شد. اگر تا ماه رمضان دیگر زنده بمانید، آن هم مثل برق و باد خواهد گذشت. این فرصتهای ذقیمت از دست خواهد رفت؛ از هر روز و ساعتش باید استفاده کنید. من به شما برادران و خواهران نمازگزار؛ بخصوص به جوانان توصیه میکنم که از این بهار رحمت الهی استفاده کنید، استغفار کنید، در خانه خدا بروید، از گناهان تن و گناهان روح و گناهان فکر و قلب استغفار کنید. آن جامعه‌ای که این طور محلّ استغفار الهی و توبه الیالله باشد، جامعه نورانی خواهد بود و به برکت آن نورانیت، پروردگار متعال خیرات را بر جامعه نازل خواهد کرد؛ همچنان که به برکت همین دل‌های پاک و ارواح طیبه شما مردم در طول این هجده، نوزده سال پیروزی انقلاب، برکات و خیرات و لطف خودش را بر این ملت و بر این کشور نازل کرده است. برای حفظ و جلب رحمت الهی، باید به در خانه خدا رفت.





## شب قدر، فرصتی برای استغفار و عذرخواهی

- تقوا، یکی از هدفهای مهم روزمره ماه رمضان
- نیاز به استغفار حتی در حد
- امیرالمؤمنین (علیه السلام)
- احتیاج همیشگی به استغفار
- شب قدر، فرصتی برای مغفرت و عذرخواهی
- قدر دانستن شبهای قدر
- نزدیک شدن به عصمت با رفتن در خانه خدا
- آبادی دنیا با کار برای خدا
- شبی بهتر از هزار ماه

## شب قدر، فرصتی برای استغفار و عذرخواهی \*

## تقوا، یکی از هدفهای مهم روز تیره ماه رمضان

همه برادران و خواهران عزیز نمازگزار را در این ساعات و روزها و شبهای مغتنم و متبرک، به اغتنام فرصت و بهره‌گیری از برکاتی که برای مؤمنین، در ایام و لیالی این ماه، به وفور از سوی پروردگار عالم اعطا میشود، توصیه میکنم. همه را و خودم را به رعایت تقوای الهی، مراقب خدا بودن، مراقب رفتار خود و گفتار خود در برابر خدا و مراقب خارراهها، لغزشگاهها و جاهایی که نفس انسان قدرت آن را ندارد که با استقامت و با عدم تزلزل، به راحتی آن راه را بییماید، توصیه میکنم. انسان باید در زندگی فردی و اجتماعی، مراقب وسایلی که خدای متعال برای عبور از این لغزشگاهها قرار داده است، باشد. وسیله‌ای قرار داده است که انسان بتواند خود را حفظ و به مقصد نزدیک کند و از امکاناتی که برای رسیدن به سرمنزل مقصود، در اختیار مؤمنین گذاشته است، بهره‌برداری کند.

مراقب این امور بودن، تقواست و همان طور که بارها شنیده‌اید، یکی از هدفهای مهم روز تیره ماه رمضان این است که ما تقوا پیدا کنیم؛ «لعلکم تتقون». و بنده وقتی اعمالی را که در ماه رمضان، از سوی شارع مقدس مورد اهتمام است، ملاحظه میکنم - یعنی روزه ماه رمضان، تلاوت قرآن مجید، خواندن دعاها، مآثور و توسلاتی که به ذیل عنایات حضرت باریتعالی وجود دارد - میبینم در میان این چهار عنصر بسیار مهم که روزه ماه رمضان، واجب هم هست، آنچه برای ما خیلی اهمیت دارد، استغفار است؛ طلب مغفرت، طلب گذشت از سوی پروردگار عالم نسبت به آنچه از روی قصور، از روی جهالت و خدای نکرده از روی تقصیر، از ما سر زده است.

### نیاز به استغفار حتی در حد امیرالمؤمنین (علیه السلام)

من در سال گذشته در همین ایام ماه مبارک رمضان، درباره توبه و استغفار در این ماه مبارک، مفصلاً عریضی را عرض کردم. امروز قصد ندارم که مجدداً درباره استغفار، به عنوان یک بحث فکری یا یک بحث قرآنی و حدیثی صحبت کنم؛ بلکه میخواهم به مناسبت نزدیکی لیلی مبارک که قدر - این شبهای عزیز و بسیار مهم - مسأله استغفار را یادآوری کنم.

عزیزان من؛ برادران و خواهران! قدم اول، طلب مغفرت کردن از خدای متعال و به خدا بازگشتن است. توبه، یعنی به سوی خدا برگردیم. هر جا که شما باشید، در هر حدی از کمال که باشید - حتی در حد امیرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام - باز به استغفار احتیاج دارید! خدای متعال به پیغمبرش میفرماید: «واستغفر لذنبک»،<sup>۱</sup> «فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ». بارها در قرآن، خدای متعال به پیغمبر میفرماید «استغفار کن». با این که پیغمبر معصوم است، گناه از او سر نمیزند و از دستور الهی تخلف نمیکند، اما به او هم میفرماید «استغفار کن»!

البته این که استغفار اولیا و بزرگان از چیست، خود مقوله قابل بحثی است. استغفار آنها از گناهی چون گناهان امثال ما نیست؛ آن گناهان از آنها سر نمیزند. مقام آنها بالاست. قرب به حضرت ربوبی و مقام ربوبیت، در حد اعلاست. در آن مقام قرب، گاهی چیزهایی که برای ما مباح است - شاید حتی چیزهایی که برای ما مستحب است - برای آن بزرگواران مانع و رادع است. آنها مناسب با شأن آن قرب است؛ که استغفار میکنند؛ آن هم استغفار جدی، نه استغفار صوری.

دعای کمیل را ببینید! امیرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام در دعای کمیل - که طبق روایات، این دعا از آن بزرگوار صادر شده است - انشاءً و در اول بار، با شروع دعا به استغفار میپردازد. اول، خدا را به اسمش، به قدرتش، به عظمتش، به صفات جلال و جلالش سوگند میدهد و بعد از آن همه قسم دادن، شروع میکند به استغفار کردن: «اللهم اغفر لی الذنوب التی تهتک العصم»<sup>۲</sup>، تا آخر. دعای ایحزمه ثمالی و دعاها گوناگون دیگر از این انسانهای بزرگ،

### احتیاج همیشگی به استغفار

همین طور است. من و شما به استغفار احتیاج داریم. ای مؤمنین؛ عزیزان؛ ای دلهای پاک و صاف! مبدا مغرور شوید و بگویید ما که گناهی نکرده ایم! چرا! غرق قصوریم، غرق تقصیریم! «و ما قدر اعمالنا فی جنب نعمک». آنچه کار خوب که ما به خیال خودمان انجام میدهیم، در مقابل نعم پروردگار و در مقابل حق شکر الهی، چه ربطی و چه نسبتی دارد؟! چقدر قابل ذکر است؟! ما نمیتوانیم آن حق شکر را ادا کنیم؛ نمیتوانیم! «لا الذی احسن استغنی عن عونک»<sup>۳</sup> مگر میشود انسان از تفضل و لطف الهی، در آنی از آنات، مستغنی باشد؟! همیشه محتاجیم؛ همیشه هم لطف پروردگار میرسد: «خیرک الینا نازل». ما هم از ادای شکر عاجزیم و این قصور، یا تقصیر است و به هر حال طلب مغفرت میخواهد.

۴. الاقبال باعمال الحسنه، ج ۱، ص ۱۶۱

۵. الاقبال باعمال الحسنه، ج ۱، ص ۱۵۷

۶. الاقبال باعمال الحسنه، ج ۱، ص ۱۶۲

۱. غافر: ۵۵

۲. نصر: ۳

۳. الاقبال باعمال الحسنه، ج ۳، ص ۳۳۲

### شب قدر، فرصتی برای مغفرت و عذر خواهی

شب قدر، فرصتی برای مغفرت و عذر خواهی است. از خدای متعال عذر خواهی کنید. حال که خدای متعال به من و شما میدان داده است که به سوی او برگردیم، طلب مغفرت کنیم و از او معذرت بخواهیم، این کار را بکنیم، و الاً روزی خواهد آمد که خدای متعال به مجرمین بفرماید: «لایؤذن لهم فیعتذرون<sup>۷</sup>». خدای نکرده در قیامت، به ما اجازه عذر خواهی نخواهند داد. به مجرمین اجازه نمیدهند که زبان به عذر خواهی باز کنند؛ آن جا جای عذر خواهی نیست. این جا که میدان هست، این جا که اجازه هست، این جا که عذر خواهی برای شما در جه میآفریند، گناهان را میشوید و شما را پاک و نورانی میکند، از خدای متعال عذر خواهی کنید. این جا که فرصت هست، خدا را متوجه به خودتان و لطف خدا و نگاه محبت الهی را متوجه و شامل حال خودتان کنید. «فاذکرونی اذکرکم<sup>۸</sup>»؛ مرا به یاد آورید، تا من شما را به یاد آورم. در همان لحظه‌ای که شما دلتان را متوجه خدای متعال و خدا را در دل خودتان حاضر میکنید و به یاد خدا میافتید، خدای متعال در همان لحظه، چشم لطف و مهر و عطوفتش متوجه شماست؛ دست لطف و بذل و بخشش او به سوی شما دراز است. خدا را به یاد خودتان بیندازید، و الاً روزی خواهد رسید که خطاب الهی به سمت گناهکاران میآید که «آنا نسیناکم<sup>۹</sup>»؛ ما شما را فراموش کردیم، ما شما را به دست فراموشی سپرده‌ایم، بروید! عرصه قیامت این گونه است.

امروز که خدای متعال اجازه داده است که شما به زاری، تضرع و گریه پردازید، دست ارادت به سوی او دراز کنید، اظهار محبت نمایید و اشک صفا و محبت را از دل گرم خودتان به چشمهایتان جاری سازید. این فرصت را مغتنم بشمارید، و الاً روزی هست که خدای متعال به مجرمین بفرماید: «لاتجأوا الیوم<sup>۱۰</sup>»؛ بروید، زاری و تضرع نکنید، فایده‌ای ندارد: «انکم منّا لاتنصرون<sup>۱۱</sup>». این فرصت، فرصت زندگی و حیات است که برای بازگشت به خدا در اختیار من و شماست و بهترین فرصتها ایامی از سال است که از جمله آنها ماه مبارک رمضان است و در میان ماه مبارک رمضان، شب قدر!

### قدر دانستن شبهای قدر

شب قدر هم در میان این سه شب است. طبق روایتی که مرحوم «محدث قمی» نقل میکند، سؤال کردند که کدام یک از این سه شب - یا دو شب بیست و یکم و بیست و سوم - شب قدر است؟ در جواب فرمودند: چقدر آسان است که انسان، دو شب - یا سه شب - را ملاحظه شب قدر کند. چه اهمیت دارد بین سه شب مردّد باشد. مگر سه شب چقدر است؟ کسانی بوده‌اند که همه ماه رمضان را از اول تا آخر، شب قدر به حساب می‌آوردند و اعمال شب قدر را انجام میدادند! قدر بدانید.

### نزدیک شدن به عصمت با رفتن در خانه خدا

ملتی که دل خود را با خدای خود این گونه صاف کند که در خانه خدا برود، از خدا صادقانه بخواهد و به

خدا صادقانه پناه ببرد، هرگز بدبخت و روسیاه نخواهد شد؛ دچار فساد، دچار ذلت، اسیر دشمن و دچار اختلاف داخلی نخواهد شد. آنچه از این بدبختیها بر سر ملتها میآید، «فبما کسبت ایدیکم»<sup>۱۲</sup>؛ بر اثر کوتاهیها، غفلتها، گناهان و فسادهایی است که خودمان برای خودمان درست میکنیم! کسی که در خانه خدا میرود، خود را یک قدم به عصمت و به حفظ و نگهداری از گناه نزدیک میکند.

### آبادی دنیا با کار برای خدا

به خدا پناه ببریم، از خدا بخواهیم، برای خدا کار کنیم و قدم برداریم و دلها را به خدا بسپरیم. صفای دلهايمان را با یاد خدا روزافزون کنیم. وقتی دلها با صفا شد؛ وقتی دلها چنگ در دنیا نزد و اسیر دنیا و مادیات نشد، آن وقت جامعه، جامعه‌ای میشود با مردمی حقیقتاً نورانی و باصفا و پاک. چنین مردمی، خوب تلاش میکنند، خوب کار میکنند، دنیای خودشان را هم خوب میسازند. دلبسته نبودن به دنیای شخصی، معنایش نساختن دنیا نیست؛ آبادی دنیا، کاری برای خدا و جزو کارهای آخری است. آنچه که به آبادی زندگی مادی میانجامد، چیزی است که خدا از ما خواسته است و این هم یک عمل آخری است. همین هم وقتی با یاد خدا همراه باشد، بهتر، روانتر، شیرینتر و کاملتر انجام میگردد.

### شبی بهتر از هزار ماه

این روزها را قدر بدانید. شبهای قدر را حقیقتاً قدر بدانید. قرآن صریحاً میفرماید: «خیر من الف شهر»<sup>۱۳</sup>؛ یک شب بهتر از هزار ماه است! این خیلی ارزش دارد. شبی است که ملائکه نازل میشوند. شبی است که روح نازل میشود. شبی است که خدای متعال آن را به عنوان سلام دانسته است. سلام، هم به معنی درود و تحیت الهی بر انسانهاست، هم به معنای سلامتی، صلح و آرامش، صفا میان مردم، برای دلها و جانها و جسمها و اجتماعات است. از لحاظ معنوی، چنین شبی است! شبهای قدر را قدر بدانید و برای مسائل کشور، مسائل خودتان، مسائل مسلمین و مسائل کشورهای اسلامی دعا کنید. کشورهای اسلامی چقدر مشکلات دارند! حل آن مشکلات را از خدا بخواهید. برای همه انسانها دعا کنید. برای هدایت انسانها، برای خودتان، برای زندگیتان، برای مسوولینتان، برای کشورتان، برای گذشتگانتان و برای آن چیزی که میخواهید خدای متعال به شما بدهد، دعا کنید. این ساعات و دقائق را قدر بدانید. بنده هم از همه شما برادران و خواهران عزیز، در شبهای مبارک قدر، ملتمس دعا هستم.



## دعا کردن یکی از وظایف ما در ماه رمضان

- ❦ قدردانی فرصت امساک و عبادات در ماه رمضان
- ❦ وعده الهی در استجابت دعا
- ❦ جواب خدای متعال به هر خواسته‌ای
- ❦ خدای متعال هیچ تلاشی را بی نتیجه نمی گذارد
- ❦ خلیفه خدا در زمین شدن با ایمان و عمل صالح
- ❦ نشان دادن راه به مجاهدین راه خدا
- ❦ استجابت دعا در چارچوب قوانین طبیعی
- ❦ ماجرای قرآنی در خصوص تحقق وعده الهی
- ❦ شروط تحقق وعده الهی
- ❦ ایستادگی در مقابل دشمن تا تحقق پیروزی
- ❦ رفع مشکلات مادی در گرو جامعه با تقوا و با معنویت



## دعا کردن یکی از وظایف مادر ماه رمضان \*

### ❏ قدر دانی فرصت امساک و عبادات در ماه رمضان

اولاً حلول ماه مبارک رمضان را به شما برادران و خواهران نماز گزار و روزه دار و مؤمن و به همه ملت عزیزمان که تکیه گاه ایمانی و پایگاه اعتقادی و عملی آنها در دنیای اسلام بحمدالله ممتاز است، تبریک عرض می کنم. امیدوارم این ماه برای این کشور و این ملت و این مسؤولان، مبارک باشد و برکات الهی - چه معنوی و چه مادی - شامل حال همه بشود. ثانیاً از این فرصت استفاده می کنم، برای این که خودم و شما را تذکر دهم و به تقوای الهی دعوت کنم.

عزیزان من! فرصت روزه و امساک و فضای عبادت و معنویت را قدر بدانیم و قدری خودمان را به خدا نزدیک کنیم. از گناهان دوری کردن، به قربات و اعمال عبادی هر چه نزدیکتر شدن، اخلاق و رفتار و صفات و خصال انسانی را هر چه در خود زنده تر و فعالتر کردن، اموری است که در این ماه می تواند حقیقتاً برای هر کسی و برای هر مجموعه ای مایه برکت باشد. از قرآن درس بگیریم. از دعاها درس و حکمت بیاموزیم. قدری در هدف از خلقت خود، در آفرینش خود، در نعمتهای بزرگ خدای خود و در وظایف عظیمی که بر دوش ماست، تأمل و تدبیر کنیم. در مرگ و حساب الهی و ارزش عبادات و اعمال - آن گاه که همراه با اخلاص باشد - تأمل کنیم. آن وقت ماه رمضان، حقیقتاً ماه مبارکی خواهد شد که امیدوارم برای همه ما چنین چیزی در این ماه مبارک پیش بیاید.

### 🕌 وعده الهی در استجاب دعا

امروز در خطبه اول می‌خواهم صحبت کوتاهی در باب وعده الهی در استجاب دعا عرض کنم. یکی از وظایف ما در ماه رمضان، دعا کردن است. دعا انسان را به خدا نزدیک می‌کند؛ معارف را در دل انسان ماندگار و مؤثر می‌کند؛ ایمان را قوی می‌کند؛ علاوه بر این که مضمون دعا - که خواستن از خداست - ان شاء الله مستجاب می‌شود و خواسته انسان برآورده می‌گردد؛ یعنی دعا از چند سو دارای برکات بزرگ است. لذاست که در قرآن کریم، بارها در باب دعا و دعایی که بندگان صالح خدا کرده‌اند، سخن گفته شده است. همه اینها برای آن است که به ما درس داده شود. انبیای الهی در مواقع سختی دعا می‌کردند و از خدای متعال کمک می‌خواستند: «فدعا ربه آتی مغلوب فانتصر»<sup>۱</sup> که از قول حضرت نوح علیه السلام نقل شده است. یا از قول حضرت موسی علیه السلام نقل شده است: «فدعا ربه ان هؤلاء قوم مجرمون»<sup>۲</sup>. موسی به خدا شکایت کرد و به او پناه برد.

### 🕌 جواب خدای متعال به هر خواهسته‌ای

خدای متعال در چند آیه از آیات قرآن وعده کرده است که دعا را مستجاب خواهد کرد. یکی از آیات، همین آیه مبارکه «و قال ربکم ادعونی استجب لکم»<sup>۳</sup> است؛ یعنی پروردگار شما فرموده است که مرا دعا کنید، تا استجاب کنم. ممکن است استجاب به معنای برآورده شدن صددرصد آن خواسته هم نباشد. گاهی ممکن است قوانین خلقت، اقتضای این را نکند که خدا آن حاجت را حتماً برآورده کند. در مواردی قوانینی وجود دارد که آن خواسته برآورده شدنی نیست، یا به زودی برآورده شدنی نیست. در غیر این موارد، قاعدتاً خدای متعال پاسخ این است که خواسته شما را برآورده می‌کند؛ همچنان که در دعای شریف ابی حمزه ثمالی<sup>۴</sup> - که در سحرهای ماه رمضان خوانده می‌شود - به همین معنا اشاره می‌کند. در قرآن فرموده است: «و سئلوا الله من فضله ان الله کان بکل شیء علیماً»<sup>۵</sup>؛ اگر چه خدا عالم است و نیازهای شما را می‌داند، اما شما از خدا بخواهید و به خدا عرض کنید. این آیه را در دعا ذکر می‌کند. البته در دعای شریف: «ان الله کان بکل شیء رحیماً» دارد؛ اما در قرآن «کان بکل شیء علیماً» است. بعد می‌فرماید: «و لیس من صفاتک یا سیدی ان تأمر بالسؤال و تمنع العطیة». امام سجاده علیه السلام عرض می‌کند: پروردگار! عادت تو این نیست که مردم را به خواستن امر کنی؛ اما آنچه که آنها خواستند به آنها ندهی. یعنی معنای کرم الهی و رحمت الهی و قدرت محیطه الهی این است که اگر می‌گویند بخواهید، اراده فرموده است که آن خواسته را اجابت کند. این همان وعده الهی است که در همین آیه‌ای که در اول خطبه تلاوت کردم، صریح این معنا را بیان می‌کند: «و اذا سألتک عبادی عنی فانی قریبٌ اجیب دعوة الداع اذا دعان»<sup>۶</sup>؛ هر گاه بندگان من درباره من از تو سؤال کنند که کجاست، بگو ای پیامبر، من نزدیکم و پاسخ می‌گویم و دعوت و خواسته آن کسی را که از من می‌خواهد و مرا می‌خواند، اجابت می‌کنم. هر کس خدا را بخواند، پاسخی در مقابلش هست: «لکلّ مسألة منك سمع حاضر و جواب عتید»<sup>۷</sup>؛ هر سؤالی از خدا، هر خواهسته‌ای از خدا، یک پاسخ قطعی در مقابل دارد. این خیلی مهم است و باید

بندگان مؤمن خدا آن را خیلی قدر بدانند. حالا کسی که ایمان ندارد، طبیعی است که از این موقعیت - مثل خیلی از موقعیتهای دیگر - استفاده نمی کند. این وعده قطعی الهی است؛ یعنی خدای متعال هر خواسته‌ای را جواب خواهد داد. این یک وعده است و البته هر وعده‌ای هم شرایطی دارد. من در این جا آیاتی را درباره وعده‌های الهی جمع کرده‌ام که حالا نمی‌خواهم تفصیلاً وارد بحث شوم؛ اما به‌طور مختصر نکاتی را یادآور می‌شوم:

### ❏ خدای متعال هیچ تلاشی را بی نتیجه نمی‌گذارد

خداوند متعال، وعده‌های فراوانی به بندگان خود داده است. مثلاً یکی از وعده‌های الهی این است: «من عمل صالحا فلنفسه و من اساء فعلیها»<sup>۸</sup>؛ هر کس کار بد بکند، این بدی به خود او بر می‌گردد و علیه خود اوست. یکی دیگر از وعده‌های الهی این است: «انا لانضیع اجر من احسن عملا»<sup>۹</sup>؛ کسی که کار خوب انجام دهد، خدای متعال پاداش او را ضایع نمی‌کند. فقط هم در آخرت نیست. شامل دنیا و آخرت است؛ یاد در دنیا، یا در آخرت. وعده دیگر این است: «من کان یرید العاجله عجلنا له فیها ما نشاء لمن نرید»<sup>۱۰</sup>؛ هر کس که خیر نزدیک - یعنی دنیا - را هدف گیرد و به آخرت کاری نداشته باشد، «عجلنا له»؛ ما کمک می‌کنیم آنچه را که او هدف گرفته است؛ یعنی او را به آن هدف می‌رسانیم: «ما نشاء لمن نرید». البته قید و شرطهایی هم دارد: اگر تلاش کند، اگر زحمت بکشد و اگر بکوشد به آن هدفها می‌رسد. مثل این که می‌بینید بعضی از ملتها تلاش کردند، کوشش کردند، زحمت کشیدند، قناعت کردند، آن جایی که باید صرفه‌جویی کرد، صرفه‌جویی کردند و توانستند به جاهای بزرگی برسند. در دنباله همین آیه می‌فرماید: «و من اراد الاخره و سعی لها سعیها و هو مؤمن فاولئک کان سعیهم مشکورا. کلاً نمدّه هؤلاء و هؤلاء»<sup>۱۱</sup>؛ هم کسانی که در صدد کسب دنیا هستند، ما کمکشان می‌کنیم، هم کسانی که در صدد کسب آخرت هستند. در این جا تلاش دنیوی را با رضای الهی تطبیق می‌کنند. می‌فرماید آنها را هم کمک می‌کنیم. این سنت آفرینش است، این سنت الهی در عالم است؛ یعنی اگر تلاش کردید و زحمت کشیدید، حتماً به نتیجه خواهید رسید. خدای متعال هیچ تلاشی را بی نتیجه نمی‌گذارد؛ حتماً نتیجه‌ای دنبالش هست. گاهی افراد انسان می‌توانند آن نتیجه را بشناسند، همان را هدف می‌گیرند و به آن هم می‌رسند؛ اما گاهی آن نتیجه‌ای که بر آن عمل مترتب است، آن را درست نمی‌شناسند و دنبال نتیجه دیگری می‌گردند؛ ولی آن عمل نتیجه خودش را می‌دهد و بالاخره به نتیجه می‌رسند. بنابراین، خدای متعال هیچ تلاشی را بدون پاداش نگذاشته است.

### ❏ خلیفه خدا در زمین شدن با ایمان و عمل صالح

وعده الهی دیگر این است: «وعد الله الذین امنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم»<sup>۱۲</sup>. این هم یک وعده قطعی است. هر قومی، هر ملتی و هر جمعیتی که ایمان و عمل صالح داشته باشد، خلیفه خدا در زمین خواهد شد؛ یعنی قدرت را در زمین خواهد گرفت. بروبرگرد

ندارد. آنهایی که ایمان داشتند، اگر عمل صالح را با آن همراه کردند، همین اتفاق افتاد؛ کمالین که در ایران اسلامی اتفاق افتاد؛ کمالین که در هر دوره‌ای از دوره‌های تاریخ خود ما که چنین چیزی پیش آمد، اتفاق افتاد؛ «لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم»<sup>۱۳</sup>. اگر ایمان باشد، ولی عمل صالح نباشد، خلیفه خدا در زمین نخواهند شد. ایمان خشک و خالی و ایمان بی عمل، نتیجه‌ای ندارد؛ اما اگر ایمان با عمل همراه باشد، حتماً محقق خواهد شد.

### 🌸 نشان دادن راه به مجاهدین راه خدا

وعدۀ الهی دیگر «والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا»<sup>۱۴</sup> است. هر کس که در راه خدا مجاهدت کند، خدا قطعاً راه را به او نشان خواهد داد. اینها چیزهایی است که یک روز خودمان در دوره جوانی - اوایلی که با معارف اسلامی و با این حرفها آشنا می‌شدیم - می‌خواندیم، می‌گفتیم، اعتقاد هم داشتیم، ایمان هم داشتیم؛ اما برای ما به وضوح اتفاق نیفتاده بود. می‌دانستیم کلام خدا راست است؛ اما آن را تجربه نکرده بودیم. امروز تجربه شده است. همان اوقات در زمان مبارزات نهضت اسلامی در ایران - که شما جوانان هیچ یادتان نیست، میانسالان هم بعضی یادشان است، بعضی یادشان نیست - اگر کسی می‌خواست در این کشور، که امروز مهد اسلام و مأذنه اسلام است، یا در این تهران فقط خودش مسلمان زندگی کند، واقعاً ممکن نبود؛ مشکل بود! یعنی اگر کسی می‌خواست منهای هدایت و تربیت دیگران، خودش به‌طور کامل مسلمان زندگی کند، نمی‌شد و انواع و اقسام موانع وجود داشت! اگر کسی می‌گفت این نهضتی که در قم آن آقا شروع کرده است و عده‌ای طلبه هم دور و برش هستند و تافریدی هم می‌کشند، فوراً آنها را می‌گیرند و به زندان می‌برند و می‌زنند و می‌کوبند و شکنجه می‌کنند، یک روز بر اثر صبر و استقامت مردان خدا و مردان راه حق و آن رهبری راشده مهدیه، همه کشور را به خود متوجه خواهد کرد و همه دلها را جذب خواهد نمود و آحاد ملت را به صحنه خواهد آورد، کسی باور نمی‌کرد! و اگر می‌گفتند یک روز به برکت ورود مردم در صحنه، حکومت اسلامی خواهد شد، کسی باور نمی‌کرد؛ اما وعده الهی بود و محقق گردید؛ چون عمل شد.

### 🌸 استجاب دعا در چارچوب قوانین طبیعی

لازم نیست دعا همیشه قوانین طبیعی را به هم بزند و برخلاف قوانین طبیعی عمل کند؛ نه. دعا در چارچوب قوانین طبیعی مستجاب می‌شود و خواسته شما برآورده می‌گردد. این قدرت خداست که قوانین را جور می‌آورد، کنار هم می‌گذارد و مقصود شما برآورده می‌شود. البته آن جایی که دعای شما با یک قانون الهی دیگری تصادم پیدا کند، مستجاب نمی‌شود. وعده الهی حق است؛ اما آن وعده هم درست است. آدمهایی که بی‌کار باشند و در راه اهداف خودشان تلاش نکنند، تضمینی نیست که به هدف و مقصد برسند. حالا شما دعا کن، معلوم است که این دعا خیلی اقبال استجاب ندارد. البته یک وقت هم دیدید مستجاب شد؛ اما تضمینی نیست. در جایی برخلاف یک قانون طبیعی مسلم، شما دعا کنید؛ معلوم نیست تضمینی داشته

باشد. اگر چه در مواردی بلاشک دعا قوانین را هم خرق می کند؛ اما این طور نیست که وقتی می گوئیم دعا مستجاب می شود، یعنی دعای شما اگر با قوانین دیگر الهی منافات داشته باشد و عملی همراهش نباشد و یا حتی خود دعا از روی توجه هم نباشد، باز مستجاب می شود؛ نه. در دعا، طلب کردن و خواستن از خدای متعال و حقیقتاً مطالبه کردن لازم است. این دعا مستجاب می شود. اگر عمل و تلاش در راه اهداف بزرگ، همراه این دعا باشد، اقبال استجاب این دعا واقعاً بیشتر است. آن وقتی که دعا استمرار پیدا کند، حتماً اقبال استجاب در این دعا بیشتر است. اگر دیده شد که یک دعا چند بار تکرار گردید و مستجاب نشد، نباید مأیوس شد؛ بخصوص در مسائل بزرگ، بخصوص در مسائل مربوط به سرنوشت انسان و سرنوشت کشور و سرنوشت ملتها؛ چون گاهی طبیعت کارهای بزرگ چنین است که تحققش زمان می طلبد.

### ماجرای قرآنی در خصوص تحقق وعده الهی

من در پایان صحبتیم یک ماجرای قرآنی را برای شما عرض می کنم، تا هم شاهدی بر این گفته باشد و هم دلهای شما در روز جمعه ماه رمضان، با ذکر این ماجرا نورانی شود. وقتی در آن حکومت استبدادی ظالمانه فرعونى، مادر موسی، موسی را به دنیا آورد و مسلم بود که این بچه پسر را خواهند کشت، این مادر ماند که چه کند. اگر دختر بود، خیالش راحت بود. دل مادر مالا مال از محبت بچه است، اما مانده است که چه کند. این جا وحی الهی به این مادر رسید: «و اوحینا الی ام موسی ان ارضعیه»<sup>۱۵</sup>؛ شیرش بده، نترس. «فاذا خفت علیه فالقیه فی الیم»<sup>۱۶</sup>؛ وقتی خطر زیاد شد و ترسیدی که بچه به دست دشمن بیفتد، نگذار او را از تو بگیرند؛ او را به دریا بینداز. در چند جای قرآن، این داستان را خدای متعال ذکر کرده است. در هر جایی با یک ظرافت و لطافتی آن را بیان کرده است. این مادر در شرایطی قرار گرفت که فهمید خطر تهدید می کند. به خانه این خانواده محترم بنی اسرائیلی ریختند، تا بچه را بگیرند. مادر موسی فهمید که بالاخره بچه از دست خواهد رفت؛ این جا بود که بچه را به رود نیل انداخت. تعبیر قرآن «فی الیم» است؛ اما قرائن نشان می دهد که مراد همان رود نیل است. خیلی مهم است؛ مادر چطور طاقت می آورد بچه خود را داخل صندوقی بگذارد و او را داخل رودخانه ای بیندازد که خروشان می رود؟! اما وحی الهی به مادر چنین گفت: «انارادوه الیک و جاعلوه من المرسلین»<sup>۱۷</sup>. خدای متعال در این جا دو وعده به این مادر داد: اول این که این بچه را به تو بر می گردانیم، دوم این که او را از مرسلین قرار می دهیم. بعد که این بچه را در میان رود خروشان انداخت، به خواهر موسی گفت: «و قالت لاخته قصیه»؛ برو دنبالش ببین چه می شود و سرنوشت این بچه به کجا خواهد انجامید؟ نگراند؛ بچه کوچک، شیر خوار، چند روزه! تا این که این بچه از طریق رود نیل به نزدیک خانه فرعون رسید. «فالتقطه آل فرعون»؛ خانواده فرعون او را گرفتند و خدا در دلشان انداخت که او را نگهدارند. زن فرعون گفت که این بچه را برای خودمان نگهداریم: «قرّة عین لی و لک». «و حرمنّا علیه المرضع»؛ پستانها را نگرفت. هر چه دایه آوردند که به این بچه شیر بدهند، پستان آنها را نگرفت. گرسنه است و شیر می خواهد. در این بین، خواهر موسی آمد و گفت: «هل ادلکم علی اهل بیت یکفلونه لکم»<sup>۱۸</sup>؛ می خواهید من یک مرضعه پیدا

کنم؟ ببینید وقتی خدای متعال می‌خواهد دعا را مستجاب کند و وعده را محقق نماید، این‌گونه شرایط را جور می‌آورد؛ به دل این دختر می‌اندازد و به او شجاعت می‌دهد که بیاید و به مأموران فرعونی این چنین پیشنهادی بکند. آنها گفتند عیبی ندارد. او رفت مادر موسی را برداشت آورد و گفت که این زن، زن شیردهی است. موسی را به او دادند؛ بوی مادرش را شنید و بنا کرد به شیر خوردن! در این جا سوءظن فرعونیه‌ها تحریک نشد و به ذهنشان نرسید که شاید او مادر این بچه باشد. خدای متعال می‌خواهد وعده خود را عمل کند. «فرددناه الی امه»<sup>۱۹</sup>؛ این بچه را به مادرش برگردانندیم. «کی تفر عینها و لاتحزن»<sup>۲۰</sup> تا چشمش روشن شود و محزون نگردد. «ولتعلم ان وعدالله حق»<sup>۲۱</sup>؛ تا بداند وعده خدا درست است. این وعده را که خودش دید درست است؛ اما وعده‌ی بعدی: «وجاعلوه من المرسلین»<sup>۲۲</sup>. در واقع پیام بعثت موسی پس از گذشت سالها همین جا داده شد: همه بنی اسرائیل بدانند که این بچه، پیامبر خواهد شد و مبعوث خواهد گردید و شما را نجات خواهد داد، و شد. البته از آن روزی که خدای متعال به دل مادر موسی وحی کرد که «وجاعلوه من المرسلین»، تا آن روزی که موسی در طور مقام نبوت و رسالت را گرفت و مأمور شد که بیاید بنی اسرائیل را نجات دهد، شاید سی، چهل سال فاصله شد. البته در روایات چیزهایی هست، منتها آدم به سندهای این روایات خیلی مطمئن نیست؛ لیکن آنچه که از قرائن آیات به دست می‌آید، اقلأ حدود سی سالی فاصله شد.

### 🔷 شروط تحقق وعده الهی

عزیزان من! این‌گونه است که وعده الهی تحقق پیدا می‌کند؛ منتها بعد از مدّت زمانی. وعده الهی این است که ملت‌های مسلمان را عزیز کند. این یک‌شبه که ممکن نیست؛ بدون تلاش و عمل هم ممکن نیست. وعده الهی این بود که هر ملتی در راه خدا مبارزه کند و ایمان داشته باشد، پیروز شود. بسیار خوب؛ شما ملت ایران ایمان داشتید، مبارزه کردید، پیروز شدید. وعده الهی این است که شما بعد از این پیروزی، با دشمنان خدا درگیر خواهید شد و اگر پافشاری و صبر و ایستادگی کنید، باز هم پیروز خواهید شد؛ یعنی هم وعده پیروزی هست، هم وعده درگیری هست. آری؛ وقتی که قدرت الهی، قدرت اسلام، قدرت قرآن، قدرت معنویت، در یک جا علم برمی‌افزاید، کسانی که مخالف معنویتند، دشمنی می‌کنند؛ کسانی که اهل ظلمند، دشمنی می‌کنند؛ کسانی که اهل فسادند، دشمنی می‌کنند؛ کسانی که به هر جهتی معنویت و دین را بر نمی‌تابند، دشمنی می‌کنند. «ولما رأى المؤمنون الاحزاب قالوا هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله»<sup>۲۳</sup>. وقتی در جنگ احزاب، قریش از یک طرف، یهود از یک طرف، سقیف از یک طرف و انواع و اقسام دشمنان از اطراف حمله کردند و مدینه را محاصره نمودند، در آن جا مردم دو دسته شدند؛ مؤمنین یک‌طور، غیرمؤمنین و کسانی که «فی قلوبهم مرض»<sup>۲۴</sup> بود، یک‌طور دیگر. آنهایی که در دلشان مرض بود می‌گفتند: «ما وعدنا الله ورسوله الا غرورا»<sup>۲۵</sup>؛ ما فریب خوردیم؛ اسلام نتوانست به ما عزّت و امنیت دهد و ما را نجات بخشد. ببینید؛ اطراف مؤمنین را محاصره کرده بودند. این حزبها و گروههای دشمن، شرقی‌اش، غربی‌اش، همسایه‌اش، دوردستش، همه دست به دست هم داده بودند، سر به هم آورده بودند و به دولت اسلامی حمله کرده بودند؛ اما مؤمنین

می گفتند: «هذا ما وعدنا الله ورسوله»؛ ما تعجب نمی کنیم. این همان چیزی است که خدا و پیامبر به ما وعده کرده بودند. وعده خدا و پیامبر این است که «الَّذِينَ آمَنُوا يقاتلون في سبيل الله والَّذِينَ كَفَرُوا يقاتلون في سبيل الطاغوت»<sup>۲۶</sup>. شما که مؤمنید، در راه خدا مبارزه می کنید. آنهایی که با خدا میانه‌ای ندارند، در راه طاغوت مبارزه می کنند. آری؛ آنها هم مبارزه می کنند؛ ولی «فقاتلوا اولياء الشيطان ان كيد الشيطان كان ضعيفا». اگر مبارزه کردید، اگر ایستادید، اگر صبر و ثبات خودتان را از دست ندادید، شما پیروزید؛ اما اگر رها کردید، احساس ضعف کردید، احساس نومیدی کردید، عقبگرد کردید، نه. پس، حضور دشمن و حمله دشمن، مایه تعجب نیست؛ «هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله وما زادهم الا ايمانا و تسليما». بنابراین، وعده الهی مسلم است؛ یعنی هم در صورت مبارزه، در صورت صبر و در صورت ایستادگی، پیروزی به دست می آید و هم در صورتی که شما صادق باشید، دشمنیها به سمت شما توجه پیدا می کند.

### ایستادگی در مقابل دشمن تا تحقق پیروزی

شما ببینید چند کشور در دنیا هستند که اینها ادعای اسلامیت دارند؛ اما در رادیوهای بیگانه، در تبلیغات استکبار جهانی و امپراتور تبلیغی دنیا هیچ‌گاه شنیده نشده است که آن کشورها را به خاطر مسلمان بودنشان سرزنش کنند. ایران اسلامی از روز پیروزی انقلاب به این طرف، به خاطر مسلمان بودنش، در تمام بوقهای تبلیغاتی، مورد حمله و سرزنش و تهمت و افترا و بدگویی قرار گرفت. اگر در راهتان صادق باشید، این صدق شما در راه خدا، حتماً دشمنی دشمنان خدا را جلب خواهد کرد؛ اما اگر ایستادگی کردید، پیروزی شما بر آنها هم قطعاً تحقق پیدا خواهد کرد. همه اینها وعده خداست.

### رفع مشکلات مادی در گرو جامعه با تقوا و با معنویت

عزیزان من! ماه رمضان است؛ دعا کنید، دعا را قدر بدانید، زمان را قدر بدانید، حاجات بزرگ را، حاجات امت اسلامی را، حاجات کشور اسلامی را، حاجات ملت خودتان را، حاجات شخصی خودتان را، مورد توجه قرار دهید و آنها را متضرعانه و مجدانه از خدای متعال بخواهید و هر کس، تعهد کند این دعایی که می کند، هر آنچه که از عملکرد او احتیاج دارد، پای آن بایستد و بگوید من حاضرم در راه خدا تلاش کنم. البته این تلاش، همیشه به معنای جنگیدن و جبهه رفتن و کتک خوردن و امثال اینها نیست - موارد خاصی است که آن طور پیش می آید - اما همیشه به معنای صادق بودن، بر سر مبنا و اصل ایستادن، به آینده امیدوار بودن، دشمن را دشمن دانستن است. فرصت دعا را مغتنم بشمارید؛ خدای متعال این دعاها را مستجاب خواهد کرد و خواسته‌ها برآورده خواهد شد. جامعه ما اگر جامعه تقوا و دعا و معنویت باشد، بسیاری از مشکلات مادی او هم قطعاً برطرف خواهد شد.

## مراحل سه گانه روزه داری

- روزه یک تشریف الهی و یک نعمت خداست
- ابعاد روزه در مرحله پرهیز از محرّمات
- مرحله دوم روزه داری، اجتناب از گناهان
- مرحله سوم روزه داری، پرهیز از هر چیزی که انسان را از یاد خدا غافل کند



### روزه یک تشریف الهی و یک نعمت خداست

قال الله تبارک و تعالی: «یا ایها الذین امنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم.»<sup>۱</sup>

از خدای متعال مسألت می کنیم این ماه را که ماه ضیافت الهی است بر همه امت اسلامی، بخصوص بر ملت عزیز ایران و بالاخص بر شما نماز گزاران عزیز، مبارک فرماید.

در آیه شریفه‌ای که قرائت کردم، مسأله روزه و این که این فریضه الهی بر امت‌های قبل از امت اسلام هم قرار داده شده بود، مطرح شده است. از جمله فرایض و واجباتی که بشر در طول ادوار گوناگون به آن نیازمند است، یکی همین روزه گرفتن است؛ همچنان که نماز خواندن و ذکر الهی چنین است. در همه ادوار، در همه احوال، در همه تمدن‌ها و در همه دوره‌های حیات بشری، در هر حالی که بشر باشد، به خاطر خاصیت بشری خود، به بعضی از این اعمال و فرایض نیازمند است که یکی از آنها هم همین روزه است. امروز در خطبه اول، چند جمله‌ای در باب روزه عرض می کنیم و در خطبه دوم هم ان شاء الله به بعضی از مسائل جاری کشور و جامعه مان خواهیم پرداخت.

روزه که از آن به عنوان تکلیف الهی یاد می کنیم، در حقیقت یک تشریف الهی است؛ یک نعمت خداست؛ یک فرصت بسیار ذی قیمت برای کسانی است که موفق می شوند روزه بگیرند؛ البته سختیهایی هم دارد. همه کارهای مبارک و مفید، از سختی خالی نیست. بشر بدون تحمل سختیها به جایی نمی رسد. این مقدار سختی که در تحمل روزه گیری وجود دارد، در مقابل آنچه که از روزه عاید انسان می شود، چیز کم و سرمایه اندکی است که انسان مصرف می کند و سود بسیاری را می برد.

\* بیانات در خطبه‌های نماز جمعه (خطبه اول) ۱۳۸۷/۰۹/۲۶

### ابعاد روزه در مرحله پرهیز از محرّمات

سه مرحله برای روزه ذکر کرده‌اند؛ هر سه مرحله هم برای کسانی که اهل آن هستند، مفید است. یک مرحله، همین مرحله‌ی عمومی روزه است؛ یعنی پرهیز از خوردن و نوشیدن و سایر محرّمات. اگر تنها محتوای روزه ما همین امساک باشد، این منافع زیادی دارد. هم ما را می‌آزماید و هم به ما می‌آموزد؛ هم درس هست، هم آزمایش برای زندگی است. تمرین و ورزش است؛ یک ورزش بسیار با اهمیت‌تر از ورزش جسمانی در این کار وجود دارد. روایاتی از ائمه علیهم‌السلام وارد شده است که به همین مرحله از روزه توجه دارد. یک روایت از امام صادق علیه‌السلام است که می‌فرماید: «لیستوی به الغنی و الفقیر آ»؛ خدای متعال روزه را واجب کرده است، تا در این ساعات و روزها، فقیر و غنی با یکدیگر برابر شوند. انسانی که تهیدست و فقیر است، نمی‌تواند در طول روز هر چه هوس کرد، بخورد و بخورد و بیاشامد؛ اما آدم‌های غنی، در طول روز، هر چه که هوس می‌کنند و هر چه که می‌خواهند، برایشان فراهم است. غنی، حال فقیر و گرسنگی فقیر و تهیدستی او را از به‌دست آوردن چیزهایی که مورد اشتیاق او است، درک نمی‌کند؛ اما در روزی که روزه می‌گیرد، همه یکسانند و با اختیار خودشان، از مشتهیات نفسانی محرومند. یک روایت دیگر از امام رضا علیه‌السلام نقل شده است که به نکته دیگری اشاره دارد. می‌فرماید: «لکی يعرفوا الم الجوع و العطش و يستدلوا علی فقر الآخره آ» در این روایت، به تهیدستی و گرسنگی و تشنگی روز قیامت اشاره می‌شود. در روز قیامت، یکی از ابلائات انسان، تشنگی و گرسنگی است که در آن حالت، انسان در مقابل مؤاخذه و سؤال و جواب الهی قرار می‌گیرد. انسان باید در گرسنگی و تشنگی روز ماه رمضان، به آن حالت روز قیامت توجه کند و به آن لحظه بسیار سخت و دشوار متنّب شود.

باز روایت دیگری از امام رضا علیه‌السلام است که به بُعد دیگری از ابعاد روزه در همین مرحله گرسنگی و تشنگی کشیدن توجه می‌کند. آن، این است که می‌فرماید: «صابراً علی ما اصابه من الجوع و العطش آ». قدرت صبر به انسان داده می‌شود که بتواند گرسنگی و تشنگی را تحمل کند. انسان‌های نازپرورده - کسانی که معنای گرسنگی و تشنگی را نچشیده‌اند و نفهمیده‌اند - قدرت صبر و تحمل هم ندارند؛ در بسیاری از میدانها، خیلی زود از پا درمی‌آیند و امتحانهای گوناگون زندگی، آنها را درهم می‌فشرود و له می‌کند. انسانی که گرسنگی و تشنگی را چشیده است، معنای اینها را می‌داند و در مقابل دشواریهایی که از این راه ممکن است پیش بیاید، قدرت تحمل دارد. ماه رمضان، این قدرت تحمل و این صبر را به همه می‌دهد. یک روایت دیگر هم در همین زمینه عرض می‌کنم که آن هم از امام رضا علیه‌السلام است؛ گرچه شاید این یکی، دو مورد، فقره‌های یک حدیث باشد. «و راضاً لهم علی اداء ما کلفهم»؛ یعنی تحمل گرسنگی و تشنگی و اجتناب از مشتهیات نفسانی در روز ماه رمضان، یک نوع ریاضت است که انسان را بر اداء تکالیف گوناگون زندگی قادر می‌سازد. البته منظور، ریاضتهای شرعی و ریاضتهای الهی و ریاضتهای اختیاری است. یکی از چیزهایی که انسان را قدرتمند می‌کند و بر پیمودن راههای دشوار زندگی توانا می‌سازد، ریاضت کشیدن است که خلیها به آن پناه می‌برند. این یک ریاضت شرعی است.

۵. علل الشرایع، ص ۲۷۰

۲. فضائل الاشهر الثلاثة، ص ۱۰۲

۳. علل الشرایع، ص ۲۷۰

۴. علل الشرایع، ص ۲۷۰

بنابراین، در همین چند حدیثی که خوانده شد، می‌بینید که همین مرحله از روزه - یعنی مرحله تحمّل گرسنگی و تشنگی - در اغنیا احساس همسانی با فقرا ایجاد می‌کند؛ احساس گرسنگی روز قیامت را به انسان منتقل می‌کند؛ صبر و تحمّل در مقابل شدائد را به انسان می‌بخشد؛ صبر بر اداء تکلیف را به عنوان یک ریاضت الهی به انسان اهداء می‌کند؛ یعنی این همه فواید در همین مرحله است. علاوه بر خالی بودن شکم از غذا و اجتناب از کارهایی که در حال عادی برای انسان مباح است، نورانیت و صفا و لطافتی هم به انسان می‌دهد که بسیار مغتنم است.

### 🌿 مرحله دوم روزه‌داری، اجتناب از گناهان

مرحله دوم روزه، پرهیز از گناه است؛ یعنی نگاهداری گوش و چشم و زبان و دل - حتی طبق بعضی از روایات - نگاهداری بشره انسان، پوست بدن و موی بدن انسان از گناه. از امیرالمؤمنین علیه‌السلام نقل شده است که «الصّیام اجتناب المحارم كما یمتنع الرّجل من الطّعام و الشّراب»؛ همان طوری که از غذا و از آشامیدنی و از مشتهیات نفسانی اجتناب می‌کنید، از گناه هم اجتناب کنید. این یک مرحله بالاتر برای روزه است. این فرصت ماه رمضان، فرصت مغتنمی است که انسان تمرین اجتناب از گناه کند. بعضی از جوانان در مراجعاتی که دارند، به بنده التماس دعا که می‌کنند، از جمله مکرّر می‌گویند شما دعا کنید که ما بتوانیم گناه نکنیم. البته دعا کردن خوب و لازم است و می‌کنیم؛ اما گناه نکردن، به اراده انسان احتیاج دارد. باید تصمیم بگیرید که گناه نکنید و وقتی تصمیم گرفتید، این کار بسیار آسانی خواهد شد. اجتناب از گناه، چیزی است که مثل یک کوه در چشم انسان جلوه می‌کند؛ اما با تصمیم، مثل یک زمین هموار می‌شود. در ماه رمضان، بهترین فرصت است که همه این را تمرین بکنند. روایت دیگری از فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها نقل شده است که فرمود: «ما یصنع الصائم بصیامه اذا لم یصن لسانه و سمعه و بصره و جوارحه»؛ انسان از روزه چه بهره‌ای خواهد برد، اگر زبان و گوش و چشم و جوارح خود را از گناه باز ندارد؟ در یک روایت نقل شده است که زنی به خدمتکار خود اهانت کرد. ظاهراً آنها در همسایگی پیامبر، یا مثلاً در سفری همراه آن حضرت بودند. پیامبر اکرم طعامی در دستشان بود، به او تعارف کردند و فرمودند: از این بخور. آن زن گفت من روزه‌ام. نقل شده است که پیامبر به او این‌طور فرمودند: «کیف تکونین صائمه و قد سببت جاریتک»؛ چطور تو روزه‌ای؛ در حالی که به خدمتکار خودت دشنام داده‌ای؟ «ان الصوم لیس من الطعام و الشّراب»؛ روزه فقط این نیست که از خوراک و نوشیدنی اجتناب کنید. «و انما جعل الله ذلک حجاباً عن سواهما من الفواحش من الفعل والقول»<sup>۹</sup>؛ خدا خواست که انسان روزه‌دار به سراغ گناهان و آلودگیها نرود؛ و از جمله این گناهان، گناهان زبان است؛ بدگویی و اهانت به دیگران است. از جمله این گناهان، گناهان دل است؛ دشمنی و کینه دیگران را در دل پروراندن است. بعضی گناهان به معنای اصطلاح شرعی است؛ بعضی گناهان اخلاقی است؛ مراتب گوناگونی دارد. پس، مرحله دوم روزه‌داری این است که انسان بتواند از گناهان، خود را جدا کند و بخصوص شما جوانان عزیز از این فرصت استفاده کنید. شما

جوانید. جوان، هم قدرت و توانایی دارد و هم صافی دل و نورانیت دل برای او یک فرصت است. در طول ماه رمضان، از این فرصت استفاده کنید و اجتناب از گناهان را - که مرحله‌ی دوم روزه‌داری است - تمرین نمایید.

### 🌟 مرحله سوم روزه‌داری، پرهیز از هر چیزی که انسان را از یاد خدا غافل کند

مرحله سوم از روزه‌داری، پرهیز از هر چیزی است که ذهن و ضمیر انسان را از یاد خدا غافل کند. این، آن مرحله بالای روزه‌داری است که در حدیث آن طور که وارد شده است، پیامبر به حضرت پروردگار (جلت عظمته) عرض می‌کند: «یا ربّ و ما میراث الصّوم»؛ دستاورد روزه چیست؟ ذات اقدس ربوبی فرمود: «الصوم یورث الحکمة و الحکمة تورث المعرفة و المعرفة تورث الیقین فاذا استیقن العبد لا یبالی کیف اصبح بعسر ام بیسر»<sup>۱۰</sup>؛ روزه سرچشمه‌های حکمت را در دل می‌جوشاند. وقتی که حکمت بر دل حاکم شد، آن معرفت نورانی و روشن به وجود می‌آید. معرفت که به وجود آمد، همان یقینی به وجود می‌آید که حضرت ابراهیم از خدای متعال آن را می‌خواست و در دعاهای این ماه مرتب درخواست شده است. وقتی کسی دارای یقین بود، همه دشواریهای زندگی بر او آسان می‌شود و انسان شکست‌ناپذیر از حوادث می‌گردد. ببینید چقدر اهمیت دارد! این انسانی که می‌خواهد در مدت سالهای عمر خود، یک راه تعالی و تکامل را بییماید، در مقابل مشکلات و حوادث زندگی و موانع راه، شکست‌ناپذیر می‌شود. یقین، چنین حالتی به انسان می‌دهد. اینها ناشی از روزه است. وقتی که روزه یاد خدا را در دل زنده کرد و فروغ معرفت خدا را در دل به وجود آورد و دل را روشن نمود، اینها به دنبالش می‌آید. هر چیزی که انسان را از یاد خدا غافل کند، به روزه برای این مرحله مضر است. خوشا به حال کسانی که می‌توانند خود را به این مرحله برسانند. البته ما باید آرزو کنیم و از خدا بخواهیم و همت کنیم که خودمان را به این مرحله برسانیم.



مبارزه با فقر و محرومیت  
در چشیدن گرسنگی و تشنگی ماه رمضان

- ذخیره تقوا در دل و جان نتیجه روزه ماه رمضان
- مجاهدت در راه ستردن غبار محرومیت از چهره مستضعفان
- تنها نگذاشتن خانواده های محرومان با مشکلات خود
- اسراف شکاف طبقاتی را بیشتر و عمیق تر میکند
- تشکیل اجتماعات خانوادگی توسط جوانان

## مبارزه با فقر و محرومیت در چشیدن گرسنگی و تشنگی ماه رمضان\*

### ذخیره تقوا در دل و جان نتیجه روزه ماه رمضان

نتیجه روزه ماه رمضان، ذخیره تقوا در دل و جان ماست که باید ما را در راههای پر پیچ و خم زندگی در طول سال مدد کند و صراط مستقیم را برای ما تضمین نماید. ماه رمضان با همه عظمت و کرامت و فضای انباشته از رحمتش سپری شد و مردم مسلمان در سراسر عالم در این ماه به برکت روزه روزها و توصل و دعا و ذکر و تلاوت قرآن، دلها و جانهای خود را نورانیتر و به خدا نزدیکتر کردند.

### مجاهدت در راه ستردن غبار محرومیت از چهره مستضعفان

به برکت ماه رمضان، برای مسلمان فرصتی پیش می آید که باید از آن در جهت تقویت حیات معنوی و نشاط مادی خود استفاده کند. یکی از درسهای بزرگ ماه رمضان که در خلال دعا و روزه و تلاوت قرآن در این ماه باید آن را فرا بگیریم و استفاده کنیم، این است که با چشیدن گرسنگی و تشنگی، به فکر گرسنگان و محرومان و فقرا بیفتیم. در دعای روزهای ماه رمضان می گوئیم: «اللهم اغن کل فقیر. اللهم اشبع کل جائع. اللهم اكس كل عریان<sup>۱</sup>». این دعا فقط برای خواندن نیست؛ برای این است که همه خود را برای مبارزه با فقر و مجاهدت در راه ستردن غبار محرومیت از چهره محرومان و مستضعفان موظف بدانند. این مبارزه، یک وظیفه همگانی است. در آیات قرآن می خوانیم: «أرأیت الذی یکذب بالذین. فذلک الذی یدع الیتیم. و لایحض علی طعام المسکین<sup>۲</sup>». یکی از نشانه‌های تکذیب دین این است که انسان در مقابل فقر فقیران و محرومان بی تفاوت باشد و احساس مسؤولیت نکند. در ماه رمضان، به برکت روزه، طعم

\* بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر ۱۳۸۱/۰۹/۱۵

۱. مفاتیح الجنان: دعای یومیه ماه مبارک رمضان

۲. ماعون: ۳-۱

گرسنگی و تشنگی و نرسیدن به آنچه اشتهای نفس انسان است را درک کردیم و چشیدیم. این باید ما را به احساس مسؤولیتی که اسلام در قبال مسأله مهم فقر و فقیر از یکایک مسلمانان خواسته است و بر دوش آنان وظیفه نهاده است، نزدیک کند.

البته علاج فقر به شکل اصولی در هر جامعه‌ای، از راه استقرار عدالت اجتماعی و نظام عادلانه در محیط جامعه است، تا کسانی که اهل دست‌اندازی به حقوق دیگرانند، نتوانند ثروتی را که حق همگان است، به سود خود مصادره کنند. این یک وظیفه دولتی و حکومتی است؛ اما مردم هم به نوبه خود وظیفه سنگینی بر دوش دارند. اجرای برنامه‌های اجتماعی فقط در بلندمدت و میان‌مدت و بتدریج امکان‌پذیر است؛ اما نمی‌شود منتظر ماند تا برنامه‌های اجتماعی به ثمر برسد و شاهد محرومیت محرومان و فقر گرسنگان در جامعه بود. این وظیفه خود مردم و همه کسانی است که می‌توانند در این راه تلاش کنند.

### تنها نگذاشتن خانواده‌های محرومان با مشکلات خود

همه باید خود را موظف به مواسات بدانند. مواسات یعنی هیچ خانواده‌ای از خانواده‌های مسلمان و هم‌میهن و محروم را با دردها و محرومیتها و مشکلات خود تنها نگذاشتن؛ به سراغ آنها رفتن و دست کمک‌رسانی به سوی آنها دراز کردن. امروز این یک وظیفه جهانی برای همه انسانهایی است که دارای وجدان و اخلاق و عاطفه انسانی هستند؛ اما برای مسلمانان، علاوه بر این که یک وظیفه اخلاقی و عاطفی است، یک وظیفه دینی است.

به همسایه‌ها و فقرا رسیدگی کنید. یکی از عواملی که نمی‌گذارد دست کسانی که توانایی کمک دارند، به یاری فقرا دراز شود، روحیه مصرف‌گرایی و تجمل در جامعه است. برای جامعه بلای بزرگی است که میل به مصرف، روز به روز در آن زیاد شود و همه به بیشتر مصرف کردن، بیشتر خوردن، متنوع‌تر خوردن، متنوع‌تر پوشیدن و دنبال نشانه‌های مُد و هر چیز تازه برای وسایل زندگی و تجملات آن رفتن، تشویق شوند. چه ثروتها و پولهایی که در این راهها هدر می‌رود و از مصرف شدن در جایی که موجب رضای خدا و رفع مشکلات جمعی از مردم است، باز می‌ماند!

### اسراف شکاف طبقاتی را بیشتر و عمیق‌تر میکند

مصرف‌گرایی برای جامعه بلای بزرگی است. اسراف، روز به روز شکافهای طبقاتی و شکاف بین فقیر و غنی را بیشتر و عمیق‌تر می‌کند. یکی از چیزهایی که لازم است مردم برای خود وظیفه بدانند، اجتناب از اسراف است. دستگاههای مسؤول بخشهای مختلف دولتی، بخصوص دستگاههای تبلیغاتی و فرهنگی - به‌ویژه صدا و سیما - باید وظیفه خود بدانند مردم را نه فقط به اسراف و مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی سوق ندهند؛ بلکه در جهت عکس، مردم را به سمت قناعت، اکتفا و به اندازه‌ی لازم مصرف کردن و اجتناب از زیاده‌روی و اسراف دعوت کنند و سوق دهند. مصرف‌گرایی، جامعه را از پای درمی‌آورد. جامعه‌ای که مصرف آن از



تولیدش بیشتر باشد، در میدانهای مختلف شکست خواهد خورد. ما باید عادت کنیم مصرف خود را تعدیل و کم کنیم و از زیاده‌ها بزنیم.

### تَشْكِیل اجتماعات خانوادگی توسط جوانان

جوانان اجتماعات خانوادگی تشکیل دهند و کمکهای افراد خانواده را جمع کنند و در درجه اول به مصرف فقرا و نادارهای همان خانواده و فامیل برسانند و اگر نیازی نبود، به فقرای دیگر رسیدگی کنند. امروز در جامعه ما فقر وجود دارد. وظیفه ما به عنوان نظام اسلامی، ریشه کن کردن فقر در جامعه است. نباید در جامعه محرومیت باشد. این تکلیف ماست به عنوان دولت، به عنوان نظام اسلامی، به عنوان آحاد مردم. «کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیتة<sup>۳</sup>»؛ این وظیفه همه است. هر کدام به نحوی تجمل و اسراف و زیاده‌روی را کم کنیم. این درس ماه رمضان است. این کار، همت و گذشت و بصیرت و آگاهی می‌خواهد. از خدای متعال کمک بخواهیم.

خانواده‌های بسیاری هستند که نه از روی تن‌پروری و تن به کار ندادن، بلکه به معنای واقعی کلمه محروم و مستمندند. باید اینها را شناسایی و پیدا کنید - کار مشکلی هم نیست - و به اینها کمک نمایید.

## دستاوردها و شرایط استجابت دعا

روزه ما به تصفیه روح و طهارت قلبی

روح عبادت دعاست

دستاوردهای دعا

۱. زنده نگهداشتن یاد خدا در دل

۲. تقویت و استقرار ایمان در دل

۳. دمیدن روح اخلاص در انسان

۴. خودسازی و رشد فضایل اخلاقی

۵. ایجاد محبت به خدای

۶. دمیدن روح امید در انسان

۷. برآمدن حاجات

شرایط استجابت دعا

۱. خواستن بادل با طراوت و بی آلایش

۲. انجام دعا با معرفت نسبت به آن

۳. داشتن همت بلند در دعا

۴. اجتناب از گناه و توبه

و...

## دستاوردها و شرایط استجابات دعا \*

### روزه مایه تصفیه روح و طهارت قلبی

این ماه، ماه ضیافت الهی است. پذیرایی خداوند از بندگان خود در این ماه - که یک پذیرایی معنوی است - عبارت است از گشودن درهای رحمت و مغفرت و مضاعف کردن اجر و ثواب اعمال خیری که بندگان در این ماه انجام می‌دهند. روزه‌ی ماه رمضان هم یکی از مواد همین ضیافت عظیم الهی است، که مایه‌ی تصفیه‌ی روح انسان و ایجاد زمینه‌ی طهارت قلبی روزه‌دار است. امام سجاد (علیه‌السلام) در خطبه‌ی فرمود: «شهر الطهور و شهر التمحيص»؛ رمضان، ماه پاک شدن و طهارت قلب و ماه مغفرت است؛ چون خدای متعال استغفار را در این ماه بیش از دیگر ایام سال مورد لطف و عنایت خود قرار می‌دهد. لذا در یک روایت وارد شده است که «فمن لم یغفر له فی رمضان ففی آی شهر یغفر له»؛ اگر کسی در ماه رمضان - که درهای رحمت و مغفرت الهی به روی انسانها گشوده است - نتواند به مغفرت و رحمت الهی دست پیدا کند، پس کی چنین توفیقی نصیب او خواهد شد؟

### روح عبادت دعاست

یکی از مواد این مائده‌ی الهی و ضیافت الهی، لیلۃ‌القدر است؛ که در باب وظایف لیلۃ‌القدر، بنده امروز در خطبه‌ی اول قدری صحبت کنم. فرمود «لیلۃ‌القدر خیر من الف شهر»؛ شبی که به عنوان لیلۃ‌القدر شناخته شده است و مردد است بین چند شب در ماه رمضان، از هزار ماه برتر و بالاتر است. در ساعت‌های کیمیایی لیلۃ‌القدر، بنده‌ی مؤمن باید حداکثر استفاده را بکند. بهترین اعمال در این شب، دعاست.

در باره‌ی دعا هم امروز مطالبی را به شما برادران و خواهران عرض می‌کنم. احیاء هم برای دعا و توسل و ذکر است. نماز هم - که در شب‌های قدر یکی از مستحبات است - در واقع مظهر دعا و ذکر است. در روایت وارد شده است که دعا «مَخَّ العِبَادَةِ»؛ مغز عبادت، یا به تعبیر رایج ماها، روح عبادت، دعاست. دعا یعنی چه؟ یعنی با خدای متعال سخن گفتن؛ در واقع خدا را نزدیک خود احساس کردن و حرف دل را با او در میان گذاشتن. دعا یا درخواست است، یا تمجید و تحمید است، یا اظهار محبت و ارادت است؛ همه‌ی اینها دعاست. دعا یکی از مهمترین کارهای یک بنده‌ی مؤمن و یک انسان طالب صلاح و نجات و نجات است. دعا در تطهیر روح چنین نقشی دارد.

### 🕌 دستاوردهای دعا

#### 🕌 ۱. زنده نگهداشتن یاد خدا در دل

دستاوردهای دعا چیست؟ وقتی ما با خدا سخن می‌گوییم، او را نزدیک خود احساس می‌کنیم، مخاطب خود می‌دانیم و با او حرف می‌زنیم، این دستاوردها از جمله‌ی فواید و عواید دعاست. زنده نگهداشتن یاد خدا در دل، غفلت را - که مادر همه‌ی انحراف‌ها و کجی‌ها و فسادهای انسان، غفلت از خداست - می‌زداید. دعا غفلت را از دل انسان می‌زداید؛ انسان را به یاد خدا می‌اندازد و یاد خدا را در دل زنده نگه می‌دارد. بزرگترین خسارتی که افراد محروم از دعا مبتلای به آن می‌شوند، این است که یاد خدا از دل آنها می‌رود. نسیان و غفلت از خدای متعال برای بشر بسیار خسارت‌بار است. در قرآن چند آیه در این باره ذکر شده و بحث مفصلی دارد.

#### 🕌 ۲. تقویت و استقرار ایمان در دل

دستاوردهای دوم دعا، تقویت و استقرار ایمان در دل است. خصوصیت دعا این است که ایمان را در دل پایدار و مستقر می‌کند. ایمان قابل زوال در مواجهه‌ی با حوادث عالم و سختی‌ها، خوشی‌ها، تنعم‌ها و حالات گوناگون انسان، در خطر از بین رفتن است. می‌شناسید کسانی را که ایمان داشتند؛ اما در مواجهه‌ی با مال دنیا، با قدرت دنیا، بالذات جسمی و شهوات قلبی، ایمان از دست آنها رفت. این، ایمان متزلزل و غیرمستقر است. خصوصیت دعا این است که ایمان را در دل انسان مستقر و ثابت می‌کند و خطر زوال ایمان با دعا و استمرار توجه به خدای متعال از بین می‌رود.

#### 🕌 ۳. دمیدن روح اخلاص در انسان

سومین دستاورد، دمیدن روح اخلاص در انسان است. با خدا سخن گفتن و خود را نزدیک او دیدن، به انسان روح اخلاص می‌دهد. اخلاص یعنی کار را برای خدا انجام دادن. همه‌ی کارها را می‌شود برای خدا

انجام داد. بندگان خوب خدا همه‌ی کارهای معمولی روزمره‌ی زندگی را هم با نیت تقرب به خدا انجام می‌دهند و می‌توانند. بعضی هم هستند که حتی قریب‌ترین و عبادی‌ترین کارها - مثل نماز - را نمی‌توانند برای خدا انجام دهند. بی‌اخلاسی، درد بزرگی برای انسان است. دعا روح اخلاص را در انسان می‌دمد.

#### ۴. خودسازی و رشد فضایل اخلاقی

دستاورد چهارم دعا، خودسازی و رشد فضایل اخلاقی در انسان است. انسان با توجه به خدا و با حرف زدن با خدای متعال، فضایل اخلاقی را در خود تقویت می‌کند؛ این خاصیت قهری و طبیعی انس با پروردگار است؛ بنابراین دعا می‌شود پلکان عروج انسان به سمت کمالات. متقابلاً دعا رذایل اخلاقی را از انسان می‌زداید؛ حرص و کبر و خودپرستی و دشمنی با بندگان خدا و ضعف نفس و جبن و بی‌صبری را از انسان دور می‌کند.

#### ۵. ایجاد محبت به خدا

دستاورد پنجم دعا، ایجاد محبت به خدای متعال است. دعا عشق به خدای متعال را در دل زنده می‌کند. مظهر همه‌ی زیبایی‌ها و خوبی‌ها ذات اقدس پروردگار است. دعا و انس و تکلم با خدای متعال، این محبت را در دل به‌وجود می‌آورد.

#### ۶. دمیدن روح امید در انسان

دستاورد ششم دعا، دمیدن روح امید در انسان است. دعا به انسان قدرت مقاومت در مقابل چالشهای زندگی را می‌دهد. هر کس در دوران زندگی خود با حوادثی مواجه می‌شود و چالش‌هایی پیدا می‌کند. دعا به انسان توانایی و قدرت می‌دهد و انسان را در مقابل حوادث مستحکم می‌کند؛ لذا در روایت از «دعا» تعبیر شده است به سلاح. از نبی مکرم نقل شده است که فرمود: «الا ادلکم علی سلاح ینجیکم من اعدائکم»؛ اسلحه‌یی را به شما معرفی کنم که مایه‌ی نجات شماست؛ «تدعون ربکم باللیل و النهار فانّ سلاح المؤمن الدعاء». در مواجهه‌ی با حوادث، توجه به خدای متعال، مثل سلاح برنده‌یی در دست انسان مؤمن است. لذا در میدان جنگ، پیغمبر مکرم اسلام همه‌ی کارهای لازم را انجام می‌داد؛ سپاه را می‌آراست، سربازان را به صف می‌کرد، امکانات لازم را به آنها می‌داد، توصیه‌های لازم را به آنها می‌کرد، اشراف فرماندهی خودش را اعمال می‌کرد؛ اما در همان وقت هم وسط میدان زانو می‌زد، دست به دعا بلند می‌کرد، تضرع می‌کرد، با خدای متعال حرف می‌زد و از او می‌خواست. این ارتباط با خدا، دل انسان را مستحکم می‌کند.

## ۷. برآمدن حاجات

دست‌آورد دیگر دعا، برآمدن حاجات است. یکی از دست‌آورد‌های دعا این است که حاجاتی که انسان دارد، از خدای متعال می‌خواهد و خدا آن حاجات را برآورده می‌کند. البته همه‌ی خواص دعا این نیست؛ این هم یکی در کنار بقیه‌ی دست‌آورد‌های دعاست. فرمود: «سَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ»؛ از خدای متعال بخواهید و نیازهای خودتان را از او بطلبید. در دعای ابوحمزه‌ی ثمالی از قول امام سجاد (علیه‌السلام) این‌طور عرض می‌شود: «و لیس من صفاتک یا سیدی أن تأمر بالسؤال و تمنع العطیة و انت المَنَّان بالعطیات علی اهل مملکتک»؛ تو به بندگان خودت دست‌آورده‌ی که از تو بخواهند، اما بنا داشته باشی که خواسته‌ی آنها را عملی نکنی؛ این امکان ندارد. وقتی خدای متعال به من و شما امر می‌کند که از او بخواهیم و طلب کنیم، معنایش این است که خدای متعال تصمیم دارد که آنچه را می‌خواهیم، به ما بدهد. لذا در روایت است که: «ما کان الله لیفتح لعبد الدعاء فیغلق عنه باب الاجابة والله اکرم من ذلک»؛ خدای متعال کریم‌تر از آن است که باب دعا را باز کند، اما باب اجابت را ببندد.

## شرایط استجاب دعا

### ۱. خواستن بادل با طراوت و بی‌آلایش

چه دعایی باید بکنیم که دنبال آن، اجابت باشد. گاهی انسان چیزی را از خدا می‌خواهد و به حسب ظاهر احساس می‌کند که این خواسته برآورده نشد. شرط مهم اجابت دعا این است که دعا به معنای حقیقی کلمه و با شرایط خود انجام بگیرد. اولین شرط دعا این است که بادل با طراوت و بی‌آلایش درخواست شود؛ مثل دل جوانها؛ لذا دعای جوانان اقبال و احتمال اجابت را بیش از همه دارد. گاهی بعضی‌ها به بنده می‌گویند برای جوانهای ما دعا کن. البته ما همیشه برای همه‌ی جوانها دعا می‌کنیم؛ اما در واقع این جوانها هستند که اگر قدر دل بی‌آلایش و با طراوت خود را بدانند، دعای آنها از هر دعایی می‌تواند به استجابت نزدیکتر باشد.

### ۲. انجام دعا با معرفت نسبت به آن

یکی دیگر از شرایط دعای مستجاب این است که انسان دعا را با معرفت انجام دهد؛ یعنی بداند که این دعا و این درخواست از کسی است که قدرت دارد همه‌ی آنچه را که انسان می‌خواهد، برای او انجام دهد؛ یعنی به اثر دعا باور داشته باشد. به امام صادق (علیه‌الصلاة والسلام) عرض شد که: «ندعوا فلا یتستجاب لنا»؛ دعا می‌کنیم، اما اثر اجابت را نمی‌بینیم؛ فرمود: «لأنکم تدعون من لا تعرفونه»؛ بی‌معرفت دعا می‌کنید. در روایتی درباره‌ی معرفت در دعا نقل شده است که: «یعلمون أنّی اقدر علی ان اعطیهم ما یسألونی»؛ به قدرت اجابت پروردگار باور داشته باشند.

### ۳. داشتن همت بلند در دعا

در دعا همت بلند داشته باشید؛ در خواست‌های بزرگ بکنید؛ سعادت دنیا و آخرت را بخواهید و نگویید اینها بزرگ است، اینها زیاد است؛ نه، برای خدای متعال اینها چیزی نیست. عمده این است که شما به معنای حقیقی کلمه و با همین شرایط، طلب کنید؛ خدای متعال این طلب را اجابت خواهد کرد. گاهی هم انسان نمی‌داند کاری که انجام گرفت، اجابت دعای او بوده؛ خود انسان غافل است.

### ۴. اجتناب از گناه و توبه

یکی دیگر از شرایط دعا، اجتناب از گناه و توبه است. این شب‌ها هم شب‌های توبه است. همه دچار گناه و تخلف هستیم. تخلف‌ها کوچک و بزرگ دارد. از خدای متعال باید عذر خواهی و استغفار و طلب بخشش و توبه کنیم و به سوی خدا برگردیم. عزم ما باید این باشد که از ما گناه سر نزنند. گاهی انسان عزم می‌کند و تصمیم می‌گیرد که گناه نکند؛ بعد دچار غفلت و اشتباه می‌شود و لغزش پیدا می‌کند؛ باز همین گناه سراغ انسان می‌آید؛ بار دیگر باید توبه و استغفار کند؛ منتها استغفار باید جدی و حقیقی باشد. گناه نکردن باید یک قصد واقعی و جدی باشد. درباره‌ی دعا و استجاب دعا در روایت دارد که: «ولیکرج من مظالم الناس»؛ انسان باید از مظلومی مردم خارج شود تا دعایش قبول شود. در روایت دیگر دارد که خدای متعال به حضرت موسی خطاب فرمود: «یا موسی ادعنی بالقلب النقی واللسان الصادق». با دل پاک و زبان راستگو با خدای متعال حرف بزنید و دعا کنید؛ دعا قطعاً مستجاب خواهد شد.

### ۵. حضور قلب و خشوع

یکی دیگر از شرایط استجاب دعا، حضور قلب و خشوع است. همان‌طور که عرض کردیم، معنای دعا این است که شما با خدا حرف بزنید؛ خدا را در مقابل خود احساس کنید و حاضر و ناظر بدانید. این که انسان همین‌طور طبق عادت چیزی را بر زبان بیاورد و مطالبه‌ی را ذکر کند - خدایا ما را بیامرز، خدایا پدر و مادر ما را بیامرز - بدون این که در دل خود حقیقتاً حالت طلبی را احساس کند، این دعا نیست؛ لقلقه‌ی لسان است. «لا یقبل الله عزّوجل دعاء قلب لاه»؛ دل غافل و بی‌توجه و سر به هوا اگر دعا کند، خدای متعال دعایش را قبول نمی‌کند. دل‌های آلوده و غرق در تمنیات و شهوات نفسانی - که اصلاً غافلند - چگونه دعا خواهند کرد؟ چه توقعی است که اگر انسان این‌طور دعا کرد، مستجاب شود؟

### اشتباه بزرگ در عبادت و دعا و توبه

بعضی‌ها دعا و عبادت و توبه را می‌گذارند برای دوران پیری؛ این اشتباه بزرگی است. اگر گفته شود توبه کنید، می‌گویند حالا وقت داریم. اولاً معلوم نیست وقت داشته باشیم؛ مرگ انسان را مطلع نمی‌کند؛ برای همه‌ی سنین هم است. اگر فرض کردیم حقیقتاً وقت داریم - یعنی بناست به سنین پیری برسیم -

چنانچه کسی خیال کند که می‌شود دوران جوانی را با غفلت و غرق شدن در شهوات گذرانند، بعد با خیال راحت و با آسانی به سراغ توبه رفت، اشتباه بزرگی مرتکب شده است. حالت دعا و انابه چیزی نیست که انسان هر وقت اراده کرد، برای او پیش بیاید. گاهی می‌خواهیم، نمی‌شود؛ دنبال حال و توجه هستیم، دست نمی‌دهد؛ «ذلک بما قَدَمْت یَدَاک». انسانی که زمینه‌ی توجه به خدا و رجوع الی‌الله را در خودش به وجود نیآورده باشد، این‌طور نیست که هر وقت اراده کرد، بتواند در خانه‌ی خدا برود. شما می‌بینید بعضی دل‌های پاک - غالباً جوانها - خیلی راحت می‌توانند ارتباط برقرار کنند؛ اما بعضی هرچه تلاش می‌کنند، این ارتباط برقرار نمی‌شود. کسانی که فرصتی دارند و می‌توانند دل خودشان را نرم نگه دارند، قدر بدانند و رابطه‌ی خود را با خدا حفظ کنند؛ تا هر وقت خواستند در خانه‌ی خدا بروند، بتوانند.

### 🌸 دعاهای مأثورہ بہترین دعاها

نکته‌ی آخر در باب دعا، دعاهای مأثور است. دعاهایی که از ائمه رسیده است، بهترین دعاهاست. اولاً خواسته‌هایی در این دعاها گنجانده شده است که به ذهن امثال ماها اصلاً خطور نمی‌کند و انسان از زبان ائمه (علیہم‌السلام) آنها را از خدا طلب می‌کند. در دعای ابوحمزہ و دعای افتتاح و دعای عرفہ بہترین مطالبات و خواسته‌ها برای انسان مطرح می‌شود؛ که اگر انسان اینها را از خدا بخواهد و بگیرد، می‌تواند برای او سرمایه باشد. ثانیاً در این دعاها مایه‌های خشوع و تضرع وجود دارد. مطلب، با زبان و لحن و بیانی ادا شده است که دل را خاشع و نرم می‌کند. با عبارات فصیح و بلیغ، عشق و شیفتگی و شوق در این دعاها موج می‌زند. انسان باید این دعاها را قدر بداند و از آنها استفاده کند.

### 🌸 توجه بہ ترجمہ دعاها

البته باید معنای این دعاها را بفهمیم. خوشبختانه الان ترجمه‌های خوب وجود دارد و مفاتیح‌الجنان و دعاهای گوناگون ترجمه شده است. با توجه به ترجمه‌ها، دقت کنند و بخوانند. البته تا آن جایی که ما دیده‌ایم، هیچ ترجمه‌ی نتوانسته زیبایی‌های الفاظ این دعاها را منعکس کند؛ ولی بالاخره مضمون دعا معلوم است. با توجه به این ترجمه‌ها دعاها را بخوانند. کسانی که می‌خوانند و با آنها عده‌ی همصدا می‌شوند، بعضی از فقرات دعا را لااقل ترجمه کنند. البته مرتبه‌ی پایین ترش هم این است که اگر انسان معنای دعا را نمی‌فهمد، همین قدر احساس کند که با یک زبان شیفته‌ی حاکی از سوز دل دارد با خدای متعال حرف می‌زند.

### 🌸 دعا مخصوص گرفتاری نیست

امیدواریم خدای متعال در شب‌های مبارک قدری که در پیش داریم، به همه‌ی ما توفیق دهد تا بتوانیم از این شب‌ها استفاده کنیم. عزیزان من! دعا کنید. دعا مخصوص وقت گرفتاری نیست؛ همیشه باید



دعا کرد. بعضی خیال می‌کنند وقتی گرفتاری و مصیبت و بلایی بود، باید دعا کرد؛ نه، آن وقتی هم که انسان در حال عادی زندگی می‌کند، باید دعا کند و رابطه را با خدا محفوظ نگه دارد. به تعبیر یکی از روایات، صدای خود را برای فرشتگان در ملکوت اعلیٰ آشنا کند. دعا همیشه لازم است. حاجت‌های خودتان، حاجت‌های برادران مؤمن، حاجت‌های همه‌ی مسلمین سطح جهان، مسائل عمومی کشور، رفع گرفتاری‌ها، تسهیل پیشرفت‌های درخشان کشور و نظام جمهوری اسلامی را از خدا بخواهید. بزرگترین فایده‌ی دعا، فایده‌ی نقد دعاست که به خود شما دعاکننده می‌رسد؛ یعنی ایجاد رابطه با خدای متعال و احساس محبت و شوق به تقرب به پروردگار عالم. این، نقدترین دستاورد دعاست که متعلق به خود شما دعاکننده است؛ بحث استجابت، بحث دیگری است.

## دعا مایه‌ی تعالی و تقویت کننده‌ی روح عبودیت

❦ دعا، مظهر بندگی خداوند و خودپرستی نقطه مقابل آن

❦ نعمت و فرصت بزرگ دعا

❦ مهمترین و بزرگترین خاصیت دعا

❦ معارفی که میتوان در ادعیه پیدا کرد

❦ باید قدر دعا را دانست

❦ تربیت امیر المؤمنین (علیه السلام) در آغوش

پیغمبر (صل الله علیه و آله)

❦ وقف کردن عمر امیر المؤمنین (علیه السلام) در دفاع

از پیغمبر (صل الله علیه و آله)

❦ هدایت و کمکهای امیر المؤمنین (علیه السلام) در

دوران خلفا

❦ معجزه مدیریت و حکومت

امیر المؤمنین (علیه السلام)

❦ لعنت خدا بر قاتلان امیر المؤمنین (علیه السلام)

## دعا مایه‌ی تعالی و تقویت کننده‌ی روح عبودیت \*

### ❏ دعا، مظهر بندگی خداوند و خودپرستی نقطه مقابل آن

روز نوزدهم ماه مبارک رمضان، روز قدر و روز ضربت خوردن مولا و سرور پرهیزگاران عالم، امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) است. در آغاز عرایض، همه‌ی شما برادران و خواهران و خودم را به ذکر الهی، یاد خداوند و رعایت تقوای الهی توصیه می‌کنم. روزه‌ی این ماه، عبادات این ماه، اعمال شبهای قدر در این ماه و تلاوت قرآن، یکی از مهمترین آثارشان، این است که دل ما، دل‌های پرهیزگار و با تقوا بشود.

در این خطبه‌ی اول، یک جمله‌ی مختصری در باب دعا عرض کنیم؛ چون علاوه بر اینکه این ماه رمضان، ماه دعاست، شبها و روزهای قدر هم شبها و روزهای مخصوص دعا کردن است؛ از این فرصت استفاده کنیم. بعد هم چند جمله‌ای درباره‌ی امیر مؤمنان عرض خواهیم کرد.

در باب دعا، خلاصه‌ی عرض ما این است که دعا، مظهر بندگی در مقابل خداوند و برای تقویت روح عبودیت در انسان است، و این روح عبودیت و احساس بندگی در مقابل خداوند، همان چیزی است که انبیای الهی از اول تا آخر، تربیت و تلاششان متوجه این نقطه بوده است که روح عبودیت را در انسان زنده کنند. سرچشمه‌ی همه‌ی فضائل انسانی و کارهای خیری که انسان ممکن است انجام بدهد - چه در حوزه‌ی شخصی، چه در حوزه‌ی اجتماعی و عمومی - همین احساس عبودیت در مقابل خداست. نقطه‌ی مقابل این احساس عبودیت، خودبینی و خودخواهی و خودپرستی است؛ منیت است. این منیت است که در انسان، منشأ همه‌ی آفات اخلاقی و عوارض و نتایج عملی آنهاست. منشأ همه‌ی این جنگها و کشتارهای عالم، و ظلمهایی که به وقوع می‌پیوندد و منشأ همه‌ی فجایعی که در طول تاریخ اتفاق افتاده - و شما خوانده‌اید،

شنیده‌اید یا امروز مشاهده میکنید - احساس منیت و خودخواهی و خودبینی در مجموعه‌ای از انسانهاست که سرچشمه‌ی این فساد و نابسامانی، در زندگی آنهاست. عبودیت نقطه‌ی مقابل این خودخواهی و منیت و خودپرستی است. اگر این خودبینی و خودخواهی در مقابل خداوند متعال باشد - یعنی انسان خود را در مقابل پروردگار قرار بدهد - نتیجه‌ی آن در انسان، طغیان است: طاغوت، طاغوت هم فقط پادشاهان نیستند؛ هر کدام از ما انسانها ممکن است در درون خودمان - خدای نکرده - یک طاغوت و یک بت تربیت کنیم و پرورش بدهیم. در مقابل خدا سرکشی کردن و خودبینی داشتن، نتیجه‌اش عبارت از رشد طغیان در انسان است. اگر این خودبینی در مقابل انسانهای دیگر باشد، نتیجه‌اش میشود نادیده گرفتن حقوق دیگران؛ تجاوز و دست‌درازی به حقوق این و آن. اگر این خودبینی در مقابل طبیعت واقع بشود، نتیجه‌اش میشود تزییع محیط طبیعی؛ یعنی آنچه که امروز به حق درباره‌ی مسئله‌ی محیط زیست در دنیا اهتمام هست. نادیده گرفتن محیط طبیعی زیست انسان هم، نتیجه‌ی طغیان، خودبینی و خودخواهی در مقابل طبیعت است.

#### نعمت و فرصت بزرگ دعا

دعا ضد همه‌ی اینهاست. دعا که میکنیم، در واقع این حالت خشوع را در خود به وجود می‌آوریم و خودبینی و خودخواهی را در خود سرکوب میکنیم، و در نتیجه، جهان هستی و محیط زندگی انسانها از طغیان و تجاوز به حقوق و طبیعت محفوظ میماند. لذا فرمود: «الدّعا مخ العبادة»<sup>۱</sup> مغز هر عبادتی، دعاست. عبادات برای همین است که بتواند انسان را در مقابل خدای متعال خاشع و دلش را نیز مطیع و تسلیم کند. این اطاعت و خشوع در مقابل خداوند هم از نوع تواضع و خشوع و خضوع انسانها در مقابل یکدیگر نیست؛ بلکه به معنای خشوع و خضوع در مقابل خیر مطلق، جمال مطلق، حُسن مطلق و فضل مطلق اوست. لذا دعا، یک نعمت است و فرصت دعا کردن، یک نعمت است.

در وصیت امیر المؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام) به امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) این معنا وارد شده است: «اعلم انّ الذی بیده خزائن ملکوت الدنیا والاخره قد اذن لدعائك و تکفل لاجابتک»<sup>۲</sup> خدای متعال که همه‌ی قدرت آسمان و زمین در قبضه‌ی توانایی اوست، به تو اجازه داده که با او دعا کنی و حرف بزنی و از او بخواهی. «وامرک ان تسأله لیعطیک»<sup>۳</sup> از او مطالبه کنی تا او هم به تو عطا کند. این رابطه‌ی درخواست کردن و گرفتن از خدا، مایه‌ی تعالی روح انسان است و همان تقویت کننده‌ی روح عبودیت است. «و هو رحیم کریم لم يجعل بینک و بینه من یحجبک عنه»<sup>۴</sup> خدای متعال بین خودش و تو، واسطه‌ای، فاصله‌ای و حاجبی قرار نداده است. هر وقت با خدا شروع کنید به سخن گفتن و عرض نیاز کردن، خدای متعال صدا و درخواست شما را میشنود. با خدا همیشه میشود هم‌زبان شد، میشود گفتگو کرد، میشود مأنوس شد و میشود از او درخواست کرد. این برای بشر، فرصت و نعمت خیلی بزرگی است.

### مهمترین و بزرگترین خاصیت دعا

مهمترین خاصیت دعا - که من قبلاً هم درباره‌ی آن قدری صحبت کرده‌ام - همین ارتباط با خدا و احساس عبودیت در مقابل خداوند، بزرگترین اثر و خاصیت خداست؛ از خدا خواستن، که آن وقت خدای متعال هم اجابت خواهد کرد. البته اجابت الهی از طرف پروردگار، هیچ قید و شرطی ندارد؛ این ما هستیم که با اعمال خودمان مانع اجابت میشویم؛ ما هستیم که موجب میشویم دعای ما مورد اعتنا قرار نگیرد، که خود همین، یکی از معارفی است که میتوان از دعا استفاده کرد و یکی از خصوصیات دعا، همین است. یکی از برکات ادعیه‌ی مأثوره‌ای که از ائمه (علیهم‌السلام) رسیده این است که این دعاها پُر از معارف الهی است. صحیفه‌ی سجادیه، دعای کمیل، دعای مناجات شعبانیه، دعای ابی حمزه ثمالی - و بقیه‌ی دعاها - که وارد شده است - پُر از معارف الهی است که اگر کسی اینها را بخواند و بفهمد، علاوه‌ی بر آن ارتباط قلبی و اتصالی که به ذات اقدس الهی و حضرت ربوبی پیدا میکند، یک مبلغ عظیمی از معارف را هم از این دعاها فرا میگیرد.

### معارفی که میتوان در ادعیه پیدا کرد

من به جوانها قویاً توصیه میکنم که به ترجمه‌ی این دعاها توجه کنند. این دعاها عرفه و ابی حمزه، پُر از معارف است. اینکه در دعای کمیل میخوانیم: «اللهم اغفر لی الذنوب الّتی تحبس الدّعا؛ اللهم اغفر لی الذنوب الّتی تنزل البلاء» یا «تنزل النقم»، همه‌ی اینها معارف الهی است؛ یعنی معنایش این است که ما افراد بشر، گاهی خطاها و گناهایی میکنیم که این گناهان مانع از این میشود که دعای ما مورد اجابت قرار بگیرد و قبول بشود؛ گناهایی از ما سر میزند که این گناهان بلا را برای ما به ارمغان می‌آورد. گاهی بلاهای عمومی و ملی، بر اثر گناهایی به وجود می‌آید و البته اعلام نمیشود که این بلا برای این گناه به وجود آمد؛ اما وقتی افراد صاحب تدبیر، فکر و تدبیر کنند، میفهمند که این بلا از ناحیه‌ی چه عملی متوجه این ملت شد. بعضی اوقات اثر اعمال سریع است و بعضی با فاصله است؛ اینها را دعا به ما میگوید. یا وقتی در دعای ابو حمزه عرض میکنیم: «معرفتی یا مولای دلیلی علیک و حبّی لک شفیعی الیک»؛ این که من تو را میشناسم، خود این، راهنمای من به سوی توست؛ این که من تو را دوست میدارم و محبت تو در دل من هست، خودش شفاعت کننده‌ی من پیش توست. «و انا واثق من دلیل بدلالتك و ساکن من شفیعی الّا شفاعتك»؛ من وقتی این راهنما را مشاهده میکنم، این معرفت خودم به تو را - که راهنما و دلیل من است - نگاه میکنم؛ وقتی این محبتی را که به تو دارم، مورد ملاحظه قرار میدهم، میبینم این تو هستی که این محبت و دلالت را به وجود آوردی؛ تویی که داری کمک میکنی. ببینید این، چشم انسان را باز میکند؛ این، یک معرفتی را ایجاد میکند؛ این از معارف الهی است؛ کمک الهی، توفیق الهی و عنایت الهی است؛ اینها را در دعاها میتوان پیدا کرد. بنابراین قدر دعا را بدانید.

### باید قدر دعا را دانست

دعا، خواندنِ خداست؛ حالا میتواند به زبان فارسی یا به زبان خودتان باشد؛ هر چه که میخواهید با خدا حرف بزنید؛ این، دعاست. هر چه میخواهید با او در میان بگذارید. گاهی هم حاجت خواستن نیست، فقط انس با خداست. حاجات هم مختلف است؛ گاهی کسی از خدای متعال، رضای او را میخواهد یا مغفرت او را مطالبه میکند، این یک جور حاجت است. یک وقت هم انسان چیزهای مادی را درخواست میکند؛ هیچ مانعی ندارد. خواستن از خدا - هر چیزی و به هر زبانی - خوب است. و همین خواصی را که عرض کردیم (ارتباط با خدا و احساس بندگی) دارد. البته دعاهای مأثور از ائمه (علیهم السلام) بهترین مضامین در زیباترین الفاظ و سرشار از معارف الهی است که قدر آنها را باید دانست و بایستی به آنها متوسل شد.

### تربیت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در آغوش پیغمبر (صلی الله علیه و آله)

درباره‌ی امیرالمؤمنین هم یک جمله عرض بکنیم. زندگی امیرالمؤمنین، زندگی یک مسلمان کامل و یک انسان تراز عالی به شمار میرود؛ الگو، امیرالمؤمنین است. دوره‌ی زندگی امیرالمؤمنین، کودکی و نوجوانی او، در آغوش پیغمبر و تحت تربیت پیغمبر بوده است و اصلاً در دامان پیغمبر رشد پیدا کرده و با تربیت او تربیت شده است. در دوران اول جوانی و نوجوانی، مسئله‌ی بعثت و حوادث دشواری که با بعثت پیغمبر، برای آن بزرگوار پیش آمد و امیرالمؤمنین دائم متصل به پیغمبر بود و همه‌ی این حوادث را امیرالمؤمنین تجربه کرد. از اول بعثت تا آن روزی که بعثت و رسالت اعلام شد، حمله‌ها و سختیها شروع شد. خود امیرالمؤمنین میفرماید: «لقد كنت أتبعه أتباع الفصيل أثر امه»؛ مثل بزه‌ای که دنبال مادرش حرکت میکنند، دائم متصل به رسول خدا بودم. «یرفع لی فی کلّ یوم من اخلاقه علما و یأمرنی بالافتداء به»؛ هر روز، با عمل و اخلاق خود، یک درس و دانش جدیدی به من می‌آموخت و از من میخواست که به آن عمل کنم. پیغمبر این شخصیت والا و ملکوتی را تربیت میکرد و میساخت. «و لقد کان یجاور فی کل سنه بجرأ»؛ هر سال مدتی را در غار حراء میگذرانید. «فأراه و لایراه غیری»؛ من میرفتم او را میدیدم؛ هیچ کس غیر از من به سراغ او نمیرفت و او را نمیدید. «و لم یجمع بیت واحد یومئذ فی الاسلام غیر رسول الله (صلی الله علیه و آله) و خدیجه و انا ثالثهما»؛ تنها خانه‌ای که اهل آن، مسلمان بودند، خانه‌ی ما بود؛ پیغمبر بود، خدیجه بود و من. «اری نور الوحی و الرّساله و اشمّ ریح النبوة»؛ نور پیغمبری را میدیدم؛ عطر دلپذیر نبوت را استشمام میکردم. امیرالمؤمنین این چنین پرورش پیدا کرد.

### وقف کردن عمر امیرالمؤمنین (علیه السلام) در دفاع از پیغمبر (صلی الله علیه و آله)

آن وقت قضایای بعثت و سختیها پیش آمد؛ آن روزی که پیغمبر خدا و مسلمانها را از مکه بیرون کردند و آنها مجبور شدند به شعب ابی طالب - آن درّه و شکاف کوه که متعلق به ابی طالب بود؛ جای بی آب و علف - پناه ببرند، امیرالمؤمنین هفده سالش بود. جوان هفده ساله وارد شعب ابی طالب شد و بیست ساله بودند

که با آن روش معجزآسا بیرون آمدند. وقتی پیغمبر به طائف رفتند تا شاید بتوانند در آنجا اثری بگذارند - که ده روز در طائف ماندند - امیرالمؤمنین همراه پیغمبر بود؛ که آنجا اشراف و ثروتمندان طائف فهمیدند که پیغمبر اکرم به طائف آمده است، غلامان و نوکران و مردم کوچه و بازار را تحریک کردند و آنها به پیغمبر سنگ زدند؛ آنجا امیرالمؤمنین ایستاد و از پیغمبر دفاع کرد. آن شبی که برای اولین بار، چند نفر از بزرگان مدینه مخفیانه به خانه‌ی قدیمی عبدالمطلب آمدند و برای بیعت، کنار پیغمبر نشستند و کفار قریش اطلاع پیدا کردند و آمدند اطراف آن خانه را گرفتند تا حمله کنند، آن کسانی که آمدند دفاع کردند، امیرالمؤمنین و جناب حمزه بودند. این جوان - جوان مؤمن، جوان نورانی، جوان متصل به منبع وحی، مؤمن واقعی، پرهیزگار و پاکیزه‌ی کامل - تمام این دوران سیزده ساله و همه‌ی وجودش را وقف دفاع از رسالت و پیغمبر کرد. سخت‌ترین کارها را هم در هنگام هجرت پیغمبر، امیرالمؤمنین به عهده گرفت؛ یعنی منتقل کردن زنان (فواطم) و دادن اماناتی که دست پیغمبر بود و بعد رساندن خود به قوا و مدینه؛ بعد در مدینه، سردار تراز اول، مؤمن تراز اول، شاگرد تراز اول پیغمبر و عبادت کننده‌ی تراز اول در میان همه‌ی مسلمانان، امیرالمؤمنین است. در جنگ، همه‌ی چشمها به اوست؛ در مسجد و هنگام عبادت هم، همه‌ی دلها تحت الشعاع دل نورانی اوست. پای منبر پیغمبر هم، از همه‌ی شاگردان پذیرنده‌تر، داننده‌تر و پرسنده‌تر اوست؛ در یک روایت هست که به حضرت عرض کردند: شما چقدر از پیغمبر زیاد نقل میکنید؟ فرمود: من از پیغمبر سؤال می‌کردم، جواب میداد؛ وقتی سؤال نمی‌کردم، خود او ابتدا به من می‌گفت. بنابراین، شاگرد درجه‌ی یک بود. دوره‌ی پیغمبر، این ده سال هم با همه‌ی محنتها، شُکوه‌ها، شیربنیها و تلخیهایش، این طوری گذشت.

### 📌 هدایت و کمکهای امیرالمؤمنین (علیه السلام) در دوران خلفا

بعد از رحلت پیغمبر، ماجرای سقیفه و مسئله‌ی خلافت پیش آمد. خوب، معلوم بود حق با امیرالمؤمنین بود و حق را متعلق به خود میدانست؛ اما وارد جدال و جنجال نشد. وقتی بیعت تمام شد و حضرت مجبور شد و نخواست در مقابل جماعت مردم بایستد و فتنه‌ای درست بشود، تسلیم بیعت شد. بعد هم از کار کناره گرفت و اول کار، یک گوشه‌ای نشست؛ به معنای اینکه هیچ‌گونه مزاحمتی برای کسانی که در رأس کار هستند، به وجود نمی‌آورد. بعد از اندکی احساس کرد که جامعه‌ی اسلامی به او نیاز دارد: «حتی رأیت راجعة الناس قد رجعت ترید محو دین محمد (صلی الله علیه و آله)»؛ آن وقت وارد میدان شد. همکاری، مشارکت و کمک به کسانی که مدیریت جامعه را به عهده داشتند، هدایت و دستگیری آنها در آنجایی که می‌لغزیدند؛ در آنجایی که اشتباه میکردند؛ چه در زمینه‌ی علمی، چه در زمینه‌ی سیاسی، در همه‌ی زمینه‌ها؛ که این مورد اعتراف همه است؛ این حرفی نیست که ما شیعیان می‌زنیم. پُر است کتب روایات و تواریخ مسلمین از شیعه و سنی از کمکهای امیرالمؤمنین که: «لولا علی لهلك عمر»؛ که بارها و بارها این راستی‌ها نقل کرده‌اند؛ این، حرف ما نیست. هدایتها و کمکهای آن بزرگوار در زمینه‌ی لشکر کشیها، در

زمینه‌ی اجرای حدود، در زمینه‌ی مسائل سیاسی و غیره؛ مرشد کامل، محور و مرکز نورافشانی در جامعه‌ی اسلامی، امیرالمؤمنین بود. این بیست و پنج سال هم به همان شکلی که معروف است و میدانید، گذشت.

### 🌟 معجزه مدیریت و حکومت امیرالمؤمنین (علیه السلام)

نوبت به خلافت رسید. آن وقت معجزه‌ی مدیریت و حکومت در تمام تاریخ را امیرالمؤمنین سردست آورد. این چهار سال و نه ماه، ده ماه حکومت امیرالمؤمنین، معجزه‌ی حکومت است؛ دیگر نظیر آن، حکومتی دیده نشده است؛ حکومت عدل مطلق، شجاعت مطلق، همراه با مظلومیت مطلق. وضعی که در زمان پیغمبر هم پیش نیامد؛ زمان پیغمبر خطوط روشن بود، فاصله‌ها معلوم بود؛ اما زمان امیرالمؤمنین مشکلات بسیار پیچیده‌تر و در هم تنیده‌تر بود؛ آن هم با آن وسعت دنیای اسلام. زمان پیغمبر فقط مدینه و مکه بود و چند تا شهر دیگر. زمان امیرالمؤمنین کشور پهناور عظیم، مردم تازه مسلمان و مرزهای درهم ریخته‌ی اعتقادی و مشکلات فراوان دیگر؛ در چنین جامعه‌ای، امیرالمؤمنین حکومتی را برپا کرد که افتخار همه‌ی حکومت‌های با انصاف دنیا این است که بتوانند خودشان را اندکی به آن شبیه کنند؛ و تازه نمیتوانند و هیچ کس تا امروز نتوانسته است. مظهر عدالت، مظهر قداست، مظهر انصاف، مظهر رحم، مظهر تدبیر، مظهر شجاعت، مظهر رعایت حقوق انسان و مظهر عبودیت در مقابل پروردگار؛ این خلاصه‌ی زندگی امیرالمؤمنین است.

### 🌟 لعنت خدا بر قاتلان امیرالمؤمنین (علیه السلام)

در دعاها و اذکار دیشب این جمله بود: «اللهم العن قتل امیرالمؤمنین»؛ خدایا! قاتلان امیرالمؤمنین را لعنت کن، از رحمت خودت دور کن. در مسجد کوفه، یک نفر که بیشتر بر فرق مبارک حضرت شمشیر نزد؛ اما میگوید قاتلان! ببینید، این هم یکی از همان درسهایی است که انسان از دعا میگیرد. لازم نیست که انسان، خودش مباشرتاً در حادثه حضور داشته باشد تا حادثه به او منسوب شود. از آن روزی که غوغای حکمیت در جنگ صفین به راه افتاد، یک عده‌ی ظاهر پرست، به قرآنها سرنیزه فریب خوردند و این قدر این فریب خودشان را غلیظ کردند و حق را به جانب خود دانستند که جرئت کردند به انسان و الامقامی مثل علی فشار بیاورند و زور بگویند و او را وادار به قبول حکمیت کنند؛ از آن روز، کسانی که در آن قضیه فعال بودند، جزو قتل‌ه‌ی امیرالمؤمنین‌اند؛ تا آنهایی که قدرش را نداشتند؛ تا آنهایی که کمک کردند؛ تا آنهایی که به دنبال شهوترانیه‌ها یا اغراض شخصی‌شان در به شهادت رساندن این انسان بزرگ تاریخ، همراهی کردند. لعنت خدا بر همه‌ی آنها!

امروز، روز مصیبت امیرالمؤمنین است. سحر امروز، از مسجد کوفه حادثه‌ای شروع شد که فجایع دنباله‌ی آن حادثه، تا مدت‌های طولانی و شاید بتوان گفت تا قرن‌ها ادامه داشت. لذا جبرئیل امین یا منادی آسمانی بین زمین و آسمان، فریاد برآورد: «تهدمت واللّه ارکان الهدی»؛ پایه‌های هدایت منهدم شد. «قتل علی



المرتضى»؛ علی در محراب عبادت کشته شد. و بعدها همه شهادت دادند که: «قتل فی محراب عبادته لشده عدله»؛ جرم امیرالمؤمنین، «عدالت» او بود و همین عدالت بود که او را به این مقام والا و به شهادت رساند. شهادت هم برای امیرالمؤمنین یک درجه است. آن روزی که پیکر خونین آن حضرت را از مسجد بیرون میبردند، بعضی گریه میکردند؛ همه متأثر بودند و دلها از غم و غصه داشت میترکید، امیرالمؤمنین آن روز فرمود: «هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله»؛ این، همان چیزی است که خدا و پیغمبر وعده داده بودند و راست گفتند. طبق روایت به امام حسن فرمود که: فرزندم، چرا گریه میکنی؟ «هذا جدك رسول الله و هذا خديجة و هذا امك فاطمة»؛ اینها همه منتظرند که علی به آنها ملحق بشود.

برکات ماه مبارک رمضان  
و فرصتی برای استفاده از ضیافت الله

- ماه رمضان ماه فرصتها
- غفلت از دعوت به میهمانی خدا
- بهرمند شدن از همه برکات معنوی ماه رمضان
- طلب مغفرت از پروردگار در رأس ادعیه ماه رمضان
- بزرگترین فایده استغفار حقیقی
- گناه را فقط خدای متعال باید ببخشد
- استفاده از فرصت ماه مبارک رمضان با استغفار

## برکات ماه مبارک رمضان و فرصتی برای استفاده از ضیافت الله \*

### ماه رمضان ماه فرصتها

همه‌ی برادران و خواهران نمازگزار و عزیز را و خودم را توصیه می‌کنم به رعایت تقوای الهی، که برترین محصول و نتیجه‌ی این ماه مبارک است. ماه مبارک رمضان با همه‌ی برکاتش و همه‌ی زیبایی‌های معنوی‌اش، بار دیگر فرارسید. از قبل از شروع ماه مبارک، پیامبر معظم اسلام مردم را آماده می‌فرمود برای ورود در این عرصه‌ی خطیر و والا و پربرکت؛ «قد اقبل الیکم شهر الله بالبرکة و الرحمة». در خطبه‌ی روز جمعه‌ی آخر ماه شعبان، بنا به روایتی اینطور فرمود: خبر داد، توجه داد به مردم که ماه رمضان فرارسید. اگر بخواهیم در یک جمله ماه رمضان را تعریف کنیم، باید عرض کنیم ماه فرصتها. فرصتهای فراوانی در این ماه در برابر من و شماست. اگر از این فرصتها بتوانیم درست استفاده کنیم، یک ذخیره‌ی عظیم و بسیار ارزشمندی در اختیار ما خواهد بود. من درباره‌ی همین مطلب اندکی توضیح عرض می‌کنم و خطبه‌ی اول درباره‌ی همین مسائل مربوط به ماه رمضان و این فرصتهای بی نظیر است.

### غفلت از دعوت به میهمانی خدا

در همین خطبه‌ای که اشاره شد، رسول مکرم فرمودند که «شهر دعیتم فیہ الی ضیافة الله»؛ این یک ماهی است که شما در این ماه دعوت شده‌اید به میهمانی الهی. خود این جمله در خور تدبر و تأمل است؛ دعوت به میهمانی الهی. اجبار نکردند که همه‌ی افراد از این میهمانی استفاده کنند؛ نه، فریضه قرار داده‌اند؛ اما تحت اختیار خود ماست که از این میهمانی استفاده بکنیم یا نکنیم. بعضی هستند که در این میهمانی

عظیم اصلاً فرصت این را پیدا نمیکنند که به این دعوتنامه توجه کنند. غفلت آنها، فرورفتگی آنها در کار مادیت و دنیای مادی به قدری است که آمدن و رفتن ماه رمضان را نمیفهمند. مثل همین که کسی را برای یک میهمانی بسیار با شکوه و پر خیر و برکتی دعوت کنند و او فرصت نکند؛ غفلت کند از اینکه کارت دعوت را حتی نگاه کند. اینها که دستشان بکلی خالی میماند. بعضی میفهمند این میهمانی هست، اما به این میهمانی نمیروند. کسانی که خدای متعال به آنها لطف نکرده است و توفیق نداده که با اینکه عذری ندارند، روزه را نمیگیرند یا از تلاوت قرآن یا از دعاها ماه رمضان محروم میمانند، آنها همین افراد هستند. کسانی هستند که وارد این میهمانی نمیشوند، نمی آیند به این میهمانی؛ حساب اینها روشن است. جمع کثیری از مردم مسلمان - امثال ما - وارد این میهمانی میشویم، اما بهره‌ی ما از این میهمانی به یک اندازه نیست؛ بعضی‌ها بیشترین بهره را از این فرصت میبرند.

### بهرمند شدن از همه برکات معنوی ماه رمضان

ریاضتی که در میهمانی این ماه وجود دارد - که ریاضت روزه و گرسنگی کشیدن است - شاید بزرگترین دستاورد این ضیافت الهی است. برکاتی که روزه برای انسان دارد، به قدری این برکات از لحاظ معنوی و ایجاد نورانیت در دل انسان زیاد است که شاید بشود گفت بزرگترین برکات این ماه همین روزه است. روزه را بعضی میگیرند؛ پس اینها وارد ضیافت شده‌اند و بهره‌ی از این ضیافت را هم گرفته‌اند. لیکن علاوه‌ی بر روزه گرفتن - که ریاضت معنوی این ماه مبارک است - اینها آموزش خود را هم از قرآن در حد اعلی تأمین میکنند؛ تلاوت قرآن با تدبیر. با حالت روزه‌داری یا حالت نورانیت ناشی از روزه‌داری، در شبها و نیمه شبها تلاوت قرآن، انس با قرآن، مخاطب خدا قرار گرفتن، لذت دیگری و معنای دیگری دارد. چیزی که انسان در چنین تلاوتی از قرآن فرا میگیرد، در حال متعارف و معمول نمیتواند به چنین تلاوتی دسترسی پیدا کند؛ آنها از این هم بهره میبرند. علاوه‌ی بر اینها، از مکالمه‌ی با خدای متعال و مخاطبه‌ی با خدا، راز و نیاز کردن، دل خود را و اسرار درون خود را برای خدا به زبان آوردن هم بهره‌برداری میکنند؛ یعنی همین دعاها. این دعای ابی حمزه‌ی ثمالی، این دعاها، این دعاها، این دعاها، اینها حرف زدن با خداست، خواستن از خداست، نزدیک کردن دل به ساحت حریم عزت الهی است؛ از این هم بهره میبرند. بنابراین در این میهمانی، از همه‌ی دستاوردهای آن بهره میبرند.

از اینها مقدم‌تر، شاید به جهتی بالاتر از اینها، ترک گناهان است؛ در این ماه گناه هم نمیکنند. در همان روایت خطبه‌ی پیامبر اعظم، امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام) سؤال میکند از پیغمبر که در این ماه کدام عمل بافضیلت‌تر است. در جواب میفرماید: «الورع عن محارم الله». اجتناب از گناهان و از محارم الهی، بر کارهای اثباتی و ایجابی مقدم است؛ جلوگیری از آلودگی و زنگار روح و دل است. این افراد از گناه هم اجتناب میکنند. پس هم روزه‌داری است، هم تلاوت است، هم دعا و ذکر است، هم دوری از گناهان است. این مجموعه، انسان را از لحاظ اخلاق و رفتار هم به آن چیزی که مورد نظر اسلام است، نزدیک میکند.

وقتی این مجموعه کار انجام گرفت، دل انسان از کینه‌ها خالی میشود؛ روح ایثار و فداکاری در انسان زنده میشود؛ کمک به محرومان و مستمندان برای انسان آسان میشود؛ گذشت به نفع دیگران و به زیان خود در امور مادی برای انسان روان میشود. لذا می‌بینید در ماه رمضان جرم و جنایت کم میشود، کار خیر زیاد می‌شود، محبت بین افراد جامعه بیش از اوقات دیگر میشود؛ که اینها به برکت همین ضیافت الهی است.

### 🕌 طلب مغفرت از پروردگار در رأس ادعیه ماه رمضان

بعضی اینطور از ماه رمضان بهره‌ی کامل می‌برند، بعضی هم نه؛ از یک چیزی بهره‌مند میشوند، از چیز دیگری خود را محروم نگه میدارند. باید تلاش مسلمان در این ماه این باشد که حداکثر بهره‌را از این ضیافت الهی بگیرد و دست پیدا کند به رحمت و مغفرت الهی، که من تأکید کنم بر روی استغفار؛ استغفار از گناهان، استغفار از خطاها، استغفار از لغزشها؛ چه گناهان کوچک، چه گناهان بزرگ. این خیلی مهم است که در این ماه، ما خودمان را، دلمان را از زنگارها پاک کنیم؛ خودمان را از آلودگی‌ها مصفا کنیم، شستشو بدهیم؛ و این با استغفار امکان‌پذیر است. لذا در روایات متعددی دارد که بهترین دعاها یا در رأس دعاها، استغفار است؛ طلب مغفرت از پروردگار. برای همه هم استغفار هست. پیغمبر اکرم هم - آن انسان والا - استغفار میکرد. حالا استغفار امثال ما از نوعی از گناهان است؛ این گناهان متعارف و معمولی و گرایشهای حیوانی در وجود ما و همین گناهان به تعبیری میگوئیم گناهان چارواداری؛ گناههای آشکار و واضح. بعضی‌ها استغفارشان از چنین گناهی نیست؛ از ترک اولی است. بعضی ترک اولی هم نمیکند؛ اما استغفار میکنند، که این استغفار از قصور ذاتی و طبیعی انسان ممکن در قبال عظمت ذات مقدس پروردگار است؛ استغفار از عدم معرفت کامل، که این مال اولیاء و مال بزرگان است.

### 🕌 بزرگترین فایده استغفار حقیقی

ما باید از گناهانمان استغفار کنیم. فایده‌ی بزرگ استغفار این است که ما را از غفلت نسبت به خود خارج میکند. ما گاهی در مورد خودمان دچار اشتباه میشویم. وقتی به فکر استغفار می‌افتیم، گناهان، خطاها، خیره‌سری‌ها، پیروی از هوای نفس که کردیم، تجاوز از حدود که انجام دادیم، ظلمی که به نفس خودمان کردیم، ظلمی که به دیگران کردیم، جلوی چشم ما زنده میشود و به یادمان می‌آید که چه کرده‌ایم؛ آن وقت دچار غرور، دچار نخوت، دچار غفلت نسبت به خود نمیشویم. اولین فایده‌ی استغفار این است. بعد هم خدای متعال وعده فرموده است که آن کسی که استغفار کند، یعنی به عنوان یک دعای حقیقی از خدای متعال حقیقتاً آمرزش بطلبد و از گناه پشیمان باشد، «لوجد الله توباً رحیماً»؛ خدای متعال توبه‌پذیر است. این استغفار، بازگشت به سوی پروردگار است؛ پشت کردن به خطاها و گناهان است و خداوند می‌پذیرد؛ اگر استغفار، استغفار حقیقی باشد.

توجه کنید که همین‌طور آدم به زبان بگوید: استغفر الله، استغفر الله، استغفر الله، اما حواسش این طرف و آن طرف باشد، این فایده‌ای ندارد؛ این استغفار نیست. استغفار یک دعاست، یک خواستن است؛ باید انسان حقیقتاً از خدا بخواهد و مغفرت الهی و گذشت پروردگار را بطلبد: من این گناه را کرده‌ام؛ پروردگارا! به من رحم کن، از این گناه من بگذر. این‌طور استغفار کردنی نسبت به هر یک از گناهان، مسلماً غفران الهی را پشت سر خواهد داشت؛ خدای متعال این باب را باز فرموده است.

### گناه را فقط خدای متعال باید ببخشد

البته در دین مقدس اسلام، اقرار به گناه پیش دیگران ممنوع است. اینکه در بعضی از ادیان هست که بروند توی عبادتگاه‌ها، پیش روحانی، کشیش، بنشینند، اعتراف به گناه کنند، این در اسلام نیست و چنین چیزی ممنوع است. پرده‌دری نسبت به خود و افشای اسرار درونی خود و گناهان خود پیش دیگران، ممنوع است؛ هیچ فایده‌ای هم ندارد. اینکه حالا در آن ادیان خیالی و پنداری و تحریف شده این‌طور ذکر میشود که کشیش گناه را میبخشد، نه؛ در اسلام بخشنده‌ی گناه، فقط خداست. حتی پیغمبر هم نمیتواند گناه را ببخشد. در آیه‌ی شریفه میفرماید: «ولو أنهم اذ ظلموا أنفسهم جاءوك فاستغفروا الله و استغفر لهم الرسول لوجد الله توابا رحیماً»؛ وقتی گناهی انجام دادند، ظلم به نفس کردند، اگر بیایند پیش تو که پیغمبر هستی، از خدای متعال طلب مغفرت و طلب بخشش کنند و تو هم برای آنها طلب بخشش کنی، خداوند توبه‌ی آنها را میپذیرد. یعنی پیغمبر برای آنها طلب بخشش میکند؛ خود پیغمبر نمیتواند گناه را ببخشد؛ گناه را فقط خدای متعال باید ببخشد. این استغفار است، که این استغفار حقیقتاً جایگاه مهمی دارد. از استغفار در این ماه غفلت نشود؛ بخصوص در سحرها، در شبها. دعاهائی که در ماه رمضان هست، اینها را با توجه به معانی‌اش بخوانید.

### استفاده از فرصت ماه مبارک رمضان با استغفار

بحمدالله جامعه‌ی ما یک جامعه‌ی معنوی است. دعا و توجه و توسل و ابتهال الی الله در بین مردم ما رایج است و مردم دوست میدارند؛ جوانهای ما دلهای پاک و نورانی‌شان به ذکر خدا متمایل است؛ اینها همه فرصت است. ماه رمضان هم که یک فرصت الهی است، در اختیار ما قرار داده شده؛ استفاده کنید از این ماه مبارک، از این فرصت بسیار بزرگ؛ دلها را به خدا نزدیک کنید، آشنا کنید؛ با استغفار، دلها و جانها را پاکیزه کنید؛ خواسته‌هایتان را با خدای متعال مطرح کنید. ارتباط معنوی ملت ما با خدای متعال کارهای بزرگی انجام داده است، و ماه رمضان فرصت فوق‌العاده‌ای است برای این کار؛ از این فرصت استفاده شود. ان شاء الله خداوند متعال به همه‌ی ما کمک کند تا بتوانیم در این ماه رمضان جنبه‌ی فرشته‌گون وجود خود را بر جنبه‌ی حیوانی خود غلبه دهیم. ما یک جنبه‌ی ملکی و فرشته‌ای داریم، یک جنبه‌ی مادی و حیوانی داریم. هوی‌های نفسانی، جنبه‌ی مادی را بر آن جنبه‌ی ملکی و فرشته‌ای غلبه میدهد. ان شاء الله

در این ماه رمضان بتوانیم آن روحانیت را، آن نورانیت را بر جنبه‌ی مادی غلبه بدهیم و این را به عنوان ذخیره‌ای نگه داریم و از ماه رمضان به عنوان تمرینی که در طول سال این تمرین به کار ما خواهد آمد، ان شاءالله استفاده کنیم.

## در سهای ماه رمضان

کارنامه درخشان و برجسته ملت در ماه مبارک

رمضان

ارتباط و حفظ پیوند قلبی با ذات احدیت

گرد آمدن همه‌ی سلائق ملت بر گرد محور

دین و توحید

سخت گرفتن بر خود و انفاق به دیگران

در انفاق برای خدا هم نباید اسراف کرد



### 🕌 کارنامه درخشان و برجسته ملت در ماه مبارک رمضان

عید رمضان در حقیقت عید شکر است؛ شکر به خاطر توفیق گذراندن دوران یک ماهه‌ی ضیافت الهی، شکر روزه‌داری، شکر توفیق عبادت و ذکر و خشوع و توسل به بارگاه کبریائی حضرت حق. حقیقتاً هم برای این شکر، انسان مؤمن باید عید بگیرد.

کارنامه‌ی بهره‌وری ملت عزیز ایران از این ماه - بر طبق اطلاعات موثقی که در اختیار بنده است - کارنامه‌ای درخشان و برجسته است. ملت ما حقیقتاً از ماه مبارک رمضان بهره بردند؛ همه‌ی قشرها، همه‌ی مجموعه‌های اجتماعی و سلائق مختلف و گرایشهای گوناگون و کسانی که در زندگی معمولی‌شان، در رفتارشان، در لباسشان، در بعضی از خلقیاتشان با همدیگر تفاوتی دارند، همه آمده بودند. خدا را بر این نعمت بزرگ - که نعمت ایمان و اقبال قلبی ملت مسلمان به دین و حقایق دینی و اسلامی است - باید خیلی شکر گذاشت. این یکی از برجستگیهای ملت ایران است. آنچه که در وسائل تبلیغات جمعی و رسانه‌ها - مثل رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها - از دینداری مردم نشان داده میشود، بدون هیچ تردیدی یک بخش از هزاران بخش توجهات و توسلات مردم است. در این کشور بزرگ، در این همه شهر، در این همه روستا، در دهها هزار مسجد و حسینیه و مراکز گوناگون، این مردم، این جوانها، دختران و پسران در شبهای قدر و در ایام و لیالی دیگر این ماه جمع شدند، دست توسل دراز کردند، از خدای متعال خواستند، با خدا سخن گفتند و راز و نیاز کردند؛ این خیلی ارزش بالائی است.

### ارتباط و حفظ پیوند قلبی با ذات احدیت

این ماه رمضان برای ما درس‌هایی دارد؛ نه از قبیل درس‌هایی که انسان از زبان معلم یا از روی کتاب فرا میگیرد، بلکه از قبیل درس‌هایی که انسان در یک تمرین عملی، در یک کار دسته‌جمعی بزرگ فرا میگیرد. اولش همین درس ارتباط با خدا و حفظ پیوند قلبی با ذات احدیت و حضرت محبوب است. لذت این درس را چشیدید، دیدید که چگونه میتوان آسان با خدای متعال تماس برقرار کرد. «وَأَنَّ الرَّاحِلَ إِلَيْكَ قَرِيبَ الْمَسَافَةِ وَ أَنَّكَ لَا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ يَحْجُبَهُمُ الْأَعْمَالُ دُونَكَ»؛ به خدا راه نزدیک است. این را در شب قدر دیدید؛ در هنگام توسل و زیارت و دعا دیدید؛ راز و نیاز کردید؛ دل خودتان را برای خدای متعال به ارمغان بردید و محبت خودتان را با خدا محکم کردید. این لذت بزرگ را برای خودتان نگه دارید. این رابطه را نگذارید قطع شود. این، درس اول.

### گرد آمدن همه‌ی سلائق ملت بر گرد محور دین و توحید

یک درس دیگر گرد آمدن همه‌ی سلائق گوناگون یک ملت بر گرد محور دین و توحید است. اینکه میگوئیم اتحاد ملی، اینکه میگوئیم ملت ایران یکپارچه است، این اتحاد، این یکپارچگی بی ریشه نیست، فقط به خاطر یک توصیه و یک دستور و فرمان نیست؛ عقبه‌ی این اتحاد همین ایمان دینی است. دین است، اعتقاد است که همه‌ی ما را به سمت یک مرکز میکشاند؛ آن مرکز توجه به ذات اقدس باری تعالی است. این مایه‌ی اتحاد ملی ماست؛ دلها را به هم نزدیک میکند، نرم میکند. در نماز جماعت، در نماز جمعه، در مراسم احیاء و قرآن سر گرفتن و دعا و تضرع، بغل دستی شما هر که میخواهد باشد؛ از هر سلیقه‌ای، از هر گروه اجتماعی‌ای، با هر ریخت و قیافه‌ای، برادر شماست؛ همراه شماست؛ همراز شماست در پیشگاه ذات مقدس پروردگار. این ارتباط قلبی را حفظ کنید؛ این هم درس دیگر است.

### سخت گرفتن بر خود و انفاق به دیگران

یک درس دیگر مسئله‌ی سخت گرفتن بر خود و انفاق به دیگران است. این گرسنگی کشیدن، تشنگی کشیدن، روزه‌ی از اذان صبح تا اذان مغرب، این سخت گرفتن بر خود است. بسیاری از مردم ما به خودشان با روزه‌گیری سخت گرفتند و به دیگران انواع و اقسام انفاق را کردند. انسان چقدر لذت میبرد که می‌بیند در شب ولادت امام مجتبی (علیه الصلوة والسلام) در نیمه‌ی ماه رمضان، بالای سر یک نانوائی تابلوزده‌اند که امشب به عشق امام حسن، نان از این نانوائی صلواتی است؛ هر که میخواهد بیاید نان ببرد. این انفاق‌هایی که در افطارها - افطارهای بی‌نام و نشان، افطارهای در مساجد - به وسیله‌ی همینگونه کارهای ابتکاری مردم ما دادند، این یک درس دیگر است، یک تمرین دیگر است. بر خود سخت بگیریم، به دیگران انفاق کنیم. من روی این نکته اندکی درنگ بکنم؛ چون یکی از مسائل مهم کشور و اجتماع ما این است.

### در انفاق برای خدا هم نباید اسراف کرد

ما مردم مسرفی هستیم؛ ما اسراف میکنیم؛ اسراف در آب، اسراف در نان، اسراف در وسائل گوناگون و تنقلات، اسراف در بنزین. کشوری که تولید کننده نفت است، وارد کننده فرآورده‌ی نفت - بنزین - است! این تعجب آور نیست؟! هر سال میلیاردها بدهیم بنزین وارد کنیم یا چیزهای دیگری وارد کنیم برای اینکه بخشی از جمعیت و ملت ما دلشان میخواهد ریخت و پاش کنند! این درست است؟! ما ملت، به عنوان یک عیب ملی به این نگاه کنیم. اسراف بد است؛ حتی در انفاق راه خدا هم میگویند. خدای متعال در قرآن به پیغمبرش میفرماید: «لا تجعل يدك مغلولة الي عنقك ولا تبسطها كل البسط»؛ در انفاق برای خدا هم اینجوری عمل کن. افراط و تفریط نکنید. میانه‌روی؛ میانه‌روی در خرج کردن. این را باید ما به صورت یک فرهنگ ملی در بیاوریم. قرآن میفرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا»؛ کسانی که وقتی میخواهند خرج کنند، «لم یسرفوا ولم یقتروا»؛ نه اسراف میکنند - زیاده‌روی میکنند - نه تنگ میگیرند و با فشار بر خودشان، زندگی میکنند؛ نه، اسلام این را هم توصیه نمیکند. اسلام نمیگوید که مردم بایستی با ریاضت و زهد آنچنانی زندگی کنند؛ نه، معمولی زندگی کنند، متوسط زندگی کنند. اینکه می‌بینید بعضی از فضولهای خارجی، دولتهای خارجی، دائم و دم‌به‌ساعت، چندین سال است که ملت ما را تهدید میکنند که تحریم میکنیم، تحریم میکنیم، تحریم میکنیم - بارها هم تحریم کرده‌اند - به خاطر این است که چشم امیدشان به همین خصوصیت منفی ماست. ما اگر آدمهای اهل اسراف و ولنگاری در خرج باشیم، ممکن است تحریم برای آدم مسرف و ولنگار سخت تمام بشود؛ اما ملتی که نه، حساب کار خودش را دارد، حساب دخل و خرج خود را دارد، حساب مصلحت خود را دارد، زیاده‌روی نمیکند، اسراف نمیکند. خوب، تحریم کنند. بر یک چنین ملتی از تحریم ضرری وارد نمیشود. این نکته را از ماه رمضان به یاد نگه داریم و ان شاء الله عمل کنیم.

## دو خصوصیت ممتاز روز عید فطر

- ❁ حالت طهارت در دل و جان انسانهای مؤمن
- ❁ فائق آمدن اراده انسان خداجو بر هوسها
- ❁ رواج یافتن روحیه کمک و تعاون در بین انسانها
- ❁ لبالب بودن فضای عمومی کشور از ذکر و دعا و تضرع
- ❁ روز عید فطر تجسم اعتصام دسته جمعی به حبیل الله

## دو خصوصیت ممتاز روز عید فطر \*

### حالت طهارت در دل و جان انسانهای مؤمن

روز عید فطر دارای دو خصوصیت ممتاز است که خصوصیت اول آن عبارت است از این حالت طهارت و نزاهت و نظافتی که در دل و جان انسانهای مؤمن به وجود آمده است؛ در اثر ریاضتهای شرعی و الهی ماه مبارک رمضان که روزه یکی از این ریاضتهاست که انسان با اختیار خود، با اراده‌ی خود، ترک لذات مادی را در طول ساعات طولانی انجام میدهد و بر هوسها و خواهشهای نفسانی در طول ایام روزه‌داری فائق می‌آید. علاوه‌ی بر این، انس با قرآن، تلاوت کلام پروردگار، آشنائی با معارف و مفاهیم قرآنی؛ علاوه‌ی بر آن، این حالت ذکر و دعا و تضرع و توجه و انسی که انسان با خدای متعال در روزها و شبهای ماه رمضان بخصوص شبهای مبارک قدر پیدا میکنند، همه‌ی اینها، یک نورانیتی به دل میدهد؛ یک نظافت و نزاهتی به جان انسان میبخشد که البته در این اعمال بسیار مهم ماه رمضان درسهای بزرگی هم برای ما وجود دارد که از این درسهها هم باید استفاده کنیم.

### فائق آمدن اراده انسان خداجو بر هوسها

یک درس این است که اراده‌ی انسان خداجو میتواند بر همه‌ی خواهشها و هوسها و لذات مادی که نفس انسان را به آن فرا میخواند، غلبه کند. این یک نکته‌ی بسیار مهمی برای ماست. گاهی انسان به خود تلقین میکند که من نمیتوانم بر هوای نفس فائق بیایم. روزه‌ی ماه رمضان به انسان ثابت میکند که انسان میتواند؛ آن وقتی که اراده بکند، عزم راسخی به کار ببندد، میتواند بر هوسها فائق بیاید و پیروز شود.

جلوه‌های اغواگر، عادات زشت و ناپسند را که در ما وجود دارد، میتوان با اراده‌ی قوی، با توکل به خدای متعال مقهور کرد و خود را از آنها نجات بخشید. این اراده‌ی قوی - که برای ما تأثیر این اراده یک درس بزرگی است - میتواند ما را چه از عادات شخصی ناپسند خودمان و چه از عادات اجتماعی و خصال بومی خودمان که مایه‌ی عقب‌افتادگی ما در زمینه‌های مادی و معنوی است، جدا کند. بنابراین، یک درس، غلبه‌ی اراده‌ی راسخ بر همه‌ی موانع است.

### 🌟 رواج یافتن روحیه کمک و تعاون در بین انسانها

علاوه بر این، در ماه رمضان روحیه‌ی کمک به انسانها، روحیه‌ی تعاون در میان مردم رواج پیدا میکند. خودخواهی‌های انسان به نفع دیگر خواهی‌ها مغلوب میشود. شما ببینید خوشبختانه در این سالهای اخیر و همین امسال، چقدر افراد، بدون نام و نشان، مساجد، حتی خیابانها را در مناطقی، مرکز ضیافت از بندگان خدا قرار دادند. افطاری ترتیب دادند و مردم را بر سر سفره‌ی افطار خودشان دعوت کردند؛ بدون اینکه تعارفات معمولی وجود داشته باشد؛ بدون اینکه ملاحظیات و رودربایستی‌هایی که در مهمانیهای شخصی هست، وجود داشته باشد. این حالت تعاون، این حالت خیر خواهی برای مردم، بسیار چیزهای ارزشمندی است که به طهارت نفسانی انسان منتهی میشود. چقدر در این ماه کمک به نیازمندان شد؛ حتی در ماه رمضان اهداء خون شد. وقتی که مسئولان اعلام کردند که به خون تازه برای بیماران احتیاج دارند، افراد زیادی در ماه رمضان خون خودشان را اهداء کردند. این همان حالت غلبه‌دادن دیگر خواهی بر خودخواهی است.

### 🌟 لبالب بودن فضای عمومی کشور از ذکر و دعا و تضرع

غلبه دادن منافع دیگران بر منافع خود است که البته خود همین به میزان زیادی معلول روحیه‌ی معنوی ماه رمضان است که بحمدالله امسال هم مثل سالهای گذشته بود بلکه آن طوری که شنیدیم و خبرهای موثق و گزارشهای مستند خبر میداد، امسال فضای عمومی کشور لبالب بود از ذکر و دعا و تضرع؛ بخصوص در شبهای قدر و در آن ساعات متبرک، همه‌ی افراد، مخصوصاً جوانها به محافل دعا و توجه و تذکر؛ از قشرهای مختلف، با انواع سلائق گوناگون اجتماعی و فردی و سیاسی و غیره رونق بخشیدند؛ همه آمدند دستها را به دعا بلند کردند و دل‌هایشان را با خدا آشنا کردند. خود این توجه و توسل و این توفیقی که انسان پیدا میکند، لطف الهی است؛ خود این توجه پروردگار است که در همین دعای وداع ماه مبارک رمضان، امام سجاد (علیه‌السلام) میفرماید: «تشکر من شکرک و أنت ألهمته شکرک»؛ تو بودی که شکرگزاری را به دل شاکران الهام کردی. «و تکافی من حمدک و انت علمته حمدک»؛ تو بودی که توفیق دادی، تعلیم دادی که بتواند حمد تو را به جا بیاورد. به قول شاعر:

گفت آن الله تو لبیک ماست

و آن نیاز و درد و سوزت بیک ماست

در حقیقت همین که تو یا الله میگوئی، همین که انسان با خدای متعال انس پیدا میکند، با خدا حرف میزند، این لطف الهی است و توفیقی است که خدا به انسان داده است. خود این «یا الله» متضمن اجابت پروردگار است. این لذت معنوی را شما، بخصوص شما جوانها چشیدید؛ این لذت معنوی را با آن دلهای پاک و نورانی و بی آرایش یا کم آرایش خودتان چشیدید. این لذت را از دست ندهید، آن را رها نکنید. از ظرفیت نمازهای پنجگانه، تلاوت قرآن، مساجد، دعاها، وارد، صحیفه‌ی سجادیه و غیر آن استفاده کنید، برای اینکه این طهارت و نورانیت ادامه پیدا کند. این یک خصوصیت برجسته‌ی روز عید فطر است که این نورانیت ناشی از ماه رمضان را شما با خود حمل میکنید.

### 🕌 روز عید فطر تجسم اعتصام دسته جمعی به حبّل الله

خصوصیت دوم هم در همین نماز شما متجلی است. روز عید فطر تجسم و نمایش انسجام حقیقی و قلبی ملت است؛ وحدت ملت، اعتصام دسته جمعی به حبّل الله، از چیزهایی است که بسیار باارزش است. این را بایستی به عنوان یک درس رمضانی برای خودمان حفظ کنیم که این هم محصول همان معانی معنوی ماه رمضان است. بخصوص که ماه رمضان ما مسلمانها - بخصوص ما ملت ایران به برکت امام بزرگوارمان - شامل روز قدس است که روز قدس یکی از آن جلوه‌های حقیقی اتحاد و انسجام دنیای اسلام است. و امسال روز قدس، راهپیمایی عظیم ملت ایران، چشمهای ملت‌های مسلمان را از اکناف عالم به خود متوجه کرد. ملت ایران یکصدا فریاد زدند و از ملت مظلوم فلسطین حمایت کردند. و من لازم میدانم از ملت ایران عزیزمان، از احاد مردم به خاطر این حرکت عظیمی که در روز قدس امسال انجام دادند، تشکر کنم.

یکی از چیزهایی که ما امروز خیلی احتیاج داریم، برنامه‌های مطالعاتی برای قشرهای مختلف است. بارها اتفاق می‌افتد که جوانها را، نوجوانها را به کتابخوانی تشویق میکنیم؛ مراجعه میکنند، میگویند آقا چه بخوانیم؟ این سؤال یک جواب ندارد؛ احتمالاً جوابهای متعددی دارد. مجموعه‌ی متصدیان امر کتاب - چه در وزارت ارشاد، چه در مجموعه‌ی کتابخانه‌ها - روی این مسئله باید کار جدی بکنند؛ در بخشهای مختلف، برای قشرهای مختلف، به شکلهای مختلف، با تنوع متناسب، سیرمطالعاتی درست کنند؛ اول این کتاب، بعد این کتاب، بعد این کتاب. وقتی که جوان، نوجوان، یا کسی که تاکنون با کتاب انس زیادی نداشته است، وارد شد، حرکت کرد، راه افتاد، غالباً مسیر خودش را پیدا خواهد کرد.

بیانات در دیدار مسئولان کتابخانه‌ها و کتابداران ۱۳۹۰/۴/۲۹